



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



**خاتم پیامبران و امیر مؤمنان**  
**و مقام معصومین**

در کلام حضرت آیت الله العظمیٰ روحانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاتم پیامبران و امیر مومنان علیهما السلام و مقام معصومین علیهم السلام

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی

ناشر چاپی:

مهر امیرالمومنین (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۱	خاتم پیامبران و امیرمومنان علیهما السلام و مقام معصومین علیهم السلام
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۲۱	مقدمه
۲۳	فصل اول: مقام معصومین علیهم السلام
۲۳	اشاره
۲۵	مفهوم عصمت
۲۶	عدم معصیت معصومین علیهم السلام
۲۶	درجات عصمت معصومین علیهم السلام
۲۶	خلقت امامان علیهم السلام قبل از خلقت آدم علیه السلام
۲۷	آیه ای دالّ بر عصمت ائمه علیهم السلام
۲۸	دلیل وجوب وجود امام
۲۹	ائمه اطهار علیهم السلام بر کات الهی
۳۱	امامان علیهم السلام حجت جمیع مخلوقات
۳۱	شرط احراز ریاست دنیویه
۳۲	امامت جزئی از اصول دین
۳۲	انتخاب امام از جانب خداوند
۳۵	سلطه معصومین علیهم السلام بر امور مادی و معنوی
۳۶	شفیع قرار دادن اهل بیت علیهم السلام
۳۷	اعتقاد شیعیان به تثلیث
۳۸	ائمه علیهم السلام وسیله قرب به الله
۳۹	نحوه عرضه اعمال آدمیان بر ائمه علیهم السلام
۴۰	ولایت تکوینی جزئی از مقام ذاتی اهل بیت علیهم السلام

- ۴۰ ..... روایتی درباره زنده کردن مرده توسط امام علیه السلام
- ۴۱ ..... معنای ولایت تکوینی
- ۴۲ ..... علم غیب معصومین علیهم السلام
- ۴۲ ..... استفاده معصوم علیه السلام از ولایت تکوینی
- ۴۴ ..... ولایت تکوینی نشأت گرفته از ولایت خداوند
- ۴۶ ..... حضور معصوم علیهم السلام در بیشتر از یک مکان
- ۴۶ ..... بیان تمامی احکام توسط ائمه علیهم السلام
- ۴۷ ..... خداوند، تشریح کننده واقعی
- ۴۸ ..... مطلق یا محدود بودن ولایت تشریحی معصومین علیهم السلام
- ۴۸ ..... اهل بیت علیهم السلام خلفای خداوند در زمین
- ۴۹ ..... بهترین دلیل بر ولایت تشریحی امامان علیهم السلام
- ۴۹ ..... مراد از ولایت تشریحی برای امامان علیهم السلام
- ۵۰ ..... امام علیه السلام مسؤول غسل و دفن امام معصوم علیه السلام
- ۵۰ ..... جسم معصوم علیه السلام بعد از مرگ
- ۵۱ ..... معصومین علیهم السلام علت غایی خلقت
- ۵۲ ..... معصومین علیهم السلام واسطه فیض الهی
- ۵۴ ..... تفاوت علت غائی و علت فاعلی
- ۵۴ ..... فلسفه وجود دشمنان معصومین علیهم السلام
- ۵۶ ..... پیوستگی اهل بیت علیهم السلام با توحید
- ۵۶ ..... کسب بالاترین درجات کمال توسط معصوم علیه السلام
- ۵۷ ..... اختصاص عصمت برای اهل بیت علیهم السلام
- ۵۷ ..... ارتباط خواست خداوند با اراده تکوینی
- ۵۹ ..... دلیل عصمت امامان علیهم السلام از فراموشی
- ۶۰ ..... راه های اثبات معصوم بودن امامان علیهم السلام
- ۶۱ ..... پیشی نگرفتن معصوم علیه السلام از امر الهی
- ۶۱ ..... آگاهی معصوم علیهم السلام از زمان مرگ خویش

- ۶۲ ..... اسباب متعدد علم امام علیه السلام
- ۶۳ ..... تعامل امام علیه السلام با علم غیب
- ۶۳ ..... تفاوت میان معصومین علیهم السلام
- ۶۴ ..... دلیل برتری امامت بر نبوت
- ۶۵ ..... سیمای تابناک اهل بیت علیهم السلام
- ۶۶ ..... ارتباط معصومین علیهم السلام با افلاک
- ۶۷ ..... مادران اهل بیت علیهم السلام
- ۶۷ ..... مفهوم «معصومین علیهم السلام اثر صنع خدایند»
- ۶۸ ..... معصومین علیهم السلام شاهد خلقت
- ۶۹ ..... فصل دوم: خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم
- ۶۹ ..... اشاره
- ۷۱ ..... هدف از بعثت
- ۷۱ ..... قرآن، ثقل اکبر است یا اهل بیت علیهم السلام
- ۷۲ ..... ثقل اکبر و ثقل اصغر
- ۷۳ ..... ثقل اکبر، کتاب خدا یا اهل بیت علیهم السلام؟
- ۷۴ ..... عدم شمول سادات در زمره آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم
- ۷۵ ..... بیان عظمت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام
- ۷۶ ..... اهل بیت علیهم السلام در مباحله
- ۷۷ ..... اسماء الله الحسنی
- ۷۸ ..... برترین خلائق
- ۷۸ ..... صدور برخی از احکام شرعی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۷۹ ..... حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش نزد خداوند متعال
- ۸۰ ..... جانشینی حضرت علی علیه السلام به امر الهی
- ۸۱ ..... اصالت عدم سهو النبی
- ۸۱ ..... درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند جهت تعیین جانشین
- ۸۱ ..... عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله از جمیع جهات

- ۸۲ ..... فرستادن صلوات ناقص بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۸۳ ..... ارتباط صلوات و ولایت
- ۸۴ ..... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زبان قرآن
- ۸۴ ..... سجده ملائکه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم
- ۸۵ ..... خلقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از مخلوقات
- ۸۷ ..... حقیقت محمدیه
- ۸۸ ..... عایشه و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۸۹ ..... دلیل وصلت پیامبر صلی الله علیه و آله با خاندان ابوبکر و عمر
- ۹۰ ..... منظور از عبس کیست؟
- ۹۱ ..... افضلیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینانش
- ۹۲ ..... متدین بودن اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۹۳ ..... معصومیت همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زنا
- ۹۳ ..... کفر کافر دلیل منع او از رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۹۴ ..... علم غیب
- ۹۶ ..... بیم پیامبر صلی الله علیه و آله از سرزنش کنندگان
- ۹۸ ..... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شعرا
- ۹۹ ..... قضا شدن نماز واجب پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۹۹ ..... معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و کربلا
- ۱۰۰ ..... عروج جسمی یا روحی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۰۱ ..... تفاوت میان اسراء و معراج
- ۱۰۲ ..... تعداد عروج پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۰۳ ..... دور شدن شیاطین در شب میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۰۳ ..... عدم ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۰۴ ..... دلیل بوسیدن دست حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۰۵ ..... مسمومیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۰۵ ..... قاتل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم



- ۱۰۶ ----- منع حضرت زهرا علیها السلام از قرائت شعر
- ۱۰۷ ----- قضیه ذبح عبدالله
- ۱۰۹ ----- فصل سوم: امیر مؤمنان علیه السلام
- ۱۰۹ ----- اشاره
- ۱۱۱ ----- راز ولادت علی علیه السلام
- ۱۱۲ ----- ولادت علی علیه السلام در خانه کعبه
- ۱۱۳ ----- برتری حضرت علی علیه السلام بر تمامی پیامبران و رسولان گذشته
- ۱۱۳ ----- اثبات امامت علی علیه السلام
- ۱۱۴ ----- فاطمه بنت اسد علیها السلام برتر از مریم علیها السلام
- ۱۱۵ ----- نسب مادر حضرت علی علیه السلام
- ۱۱۶ ----- منع رسول خدا از نکاح میان زن مسلمان و مرد کافر
- ۱۱۸ ----- اولین گوینده «شهد ان علیا ولی الله»
- ۱۱۸ ----- بیعت امیرالمؤمنین علیه السلام با ابوبکر
- ۱۱۹ ----- لقب امیرالمؤمنین و بی‌زه حضرت علی علیه السلام
- ۱۲۰ ----- شکرگزاری علی علیه السلام در ليله المبيت
- ۱۲۰ ----- برتری معصوم علیه السلام در یقین اوست
- ۱۲۲ ----- یاری دادن پیامبران به واسطه وجود حضرت علی علیه السلام
- ۱۲۲ ----- قائد الغز المحجلین
- ۱۲۳ ----- حضور علی علیه السلام در قبر مؤمنان
- ۱۲۳ ----- حضور ائمه علیهم السلام نزد محتضر
- ۱۲۴ ----- تردید در واقعه رجوع الشمس
- ۱۲۵ ----- حدیث رد الشمس
- ۱۲۷ ----- فضیلت امیرالمؤمنین در قضایای مانند ليله المبيت
- ۱۲۸ ----- فدک در دوران خلافت امام علی علیه السلام
- ۱۲۹ ----- انتخاب زیاد به عنوان والی
- ۱۳۰ ----- دختران حضرت علی علیه السلام

- عصمت حضرت زینب علیها السلام یا حضرت عباس علیه السلام ..... ۱۳۰
- غیرت و تعصب اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۳۱
- خطاب حضرت فاطمه علیها السلام بحضرت امیر علیه السلام، اعتراض یا بیان فضیلت ..... ۱۳۳
- دلیل غصب خلافت از حضرت علی علیه السلام ..... ۱۳۴
- خانه نشینی علی علیه السلام ..... ۱۳۵
- محاكمه نکردن قاتلان عثمان ..... ۱۳۶
- صحابه حاضر در واقعه غدیر ..... ۱۳۷
- نام گذاری فرزند حضرت علی علیه السلام به نام عثمان ..... ۱۳۷
- تقیه ائمه علیهم السلام ..... ۱۳۸
- علی علیه السلام و سپاه اسامه ..... ۱۳۹
- محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زهرا علیها السلام و علی علیه السلام ..... ۱۴۰
- برتری مطلق آل عبا ..... ۱۴۲
- محبت غلات ..... ۱۴۳
- تفسیر سخنان علی علیه السلام در نامه ای به معاویه ..... ۱۴۴
- ممسوس فی ذات الله تعالی ..... ۱۴۵
- تطبیق چند حدیث با آیه «وَلَا تَزِرُ» ..... ۱۴۶
- حدیثی درباره دشمن علی علیه السلام ..... ۱۴۷
- دلیل عدم ذکر نام حضرت علی علیه السلام در قرآن ..... ۱۴۸
- ائمه وسیله تقرب به سوی خداوند ..... ۱۵۰
- گریستن علی علیه السلام هنگام غسل بدن فاطمه علیها السلام ..... ۱۵۰
- شهادت بر ولایت حضرت علی علیه السلام ..... ۱۵۱
- شرکت در نماز جماعت توسط حضرت علی علیه السلام ..... ۱۵۲
- پیام حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی) ..... ۱۵۴
- به مناسبت عید غدیر (عید الله الاکبر) ..... ۱۵۴
- درباره مرکز ..... ۱۵۷

## خاتم پیامبران و امیر مومنان علیهما السلام و مقام معصومین علیهم السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : روحانی، سید محمد صادق، 1303 -

عنوان و نام پدیدآور : خاتم پیامبران و امیر مومنان علیهما السلام و مقام معصومین علیهم السلام [کتاب] / در کلام سید محمد صادق روحانی.

مشخصات نشر : قم : مهر امیرالمومنین (ع)، 1391.

مشخصات ظاهری : 146 ص.

فروست : مجموعه پرسش و پاسخ های اعتقادی؛ 5.

شابک : 30000 ریال 978-964-159-161-0:

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق. -- سرگذشتنامه -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. -- سرگذشتنامه -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : چهارده معصوم -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : اسلام -- پرسش ها و پاسخ ها

رده بندی کنگره : BP36/84خ2 1391

رده بندی دیویی : 297/95

شماره کتابشناسی ملی : 2833301

ص : 1

اشاره



خاتم پیامبران صل الله علیه وآله وسلم و امیر مومنان علیه السلام و مقام معصومین علیهم السلام

در کلام سید محمد صادق روحانی

ص: 3

















بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَاللَّعْنَائِلِدَیْمِ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ اَبَدَ الْاَبَدِیْنَ.

امروزه علوم در کنار رشد همه جانبه بشر به سوی تمدن و بالندگی فکری، در حال تکامل هستند. این مسأله، نه تنها مذهب را تحت الشعاع خویش قرار نداده بلکه موجب شده است تا نسل جوان، به دنبال روحیه کاوش گر و خداجوی خویش، بخواهند هر چه بیشتر بپرسند و در سایه رسیدن به پاسخ سؤالات دینی خود، روح جستجوگر خود را سیراب کنند.

در عصر کنونی، کتاب های بسیاری در این مسیر نگاشته و به زیور طبع آراسته شده است، اما با توجه به اشتغالات فراوان، کمتر اتفاق می افتد مراجع معظم تقلید، قلم به دست گرفته و به جزئی ترین پرسش ها و ابهامات پاسخ دهند؛ مسأله پسندیده ای که از امتیازات مجموعه مجلدات پاسخ به استفتائات اخلاقی و اعتقادی حضرت آیت الله العظمی روحانی (دامت برکاته) به شمار می رود.

\* معظم له در سال های اخیر، تمامی سؤالات شرعی و اعتقادی و

اخلاقی دریافتی را شخصاً بررسی و پاسخ داده اند که به تدریج در حال آماده سازی و تدوین جهت چاپ به زبان های مختلف می باشد. از این مجموعه پرسش و پاسخ ها، تاکنون هفت جلد استفتانات شرعی به زبان فارسی و سه جلد استفتانات شرعی و اعتقادی به زبان عربی منتشر شده است؛ که با توجه به کثرت استفتانات اعتقادی و اخلاقی، و تنوع موضوعی آنها، بر آن شدیم تا ضمن دسته بندی پرسش ها، جهت سهولت استفاده مخاطبین، به ویژه جوانان عزیز، آنها را در مجلدات جداگانه ای منتشر نماییم که تاکنون چهار جلد آن تحت عناوین فضائل و مصائب حضرت زهرا علیها السلام، عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام، راه سعادت و امام زمان علیه السلام از ولادت تا ظهور به چاپ رسیده است و کتاب حاضر، پنجمین جلد آن می باشد.

\* نظر به اینکه سؤالات از سوی اқشار مختلف و با بیان های متفاوت، مطرح شده است، نیاز به یکسان سازی و تغییر جمله بندی در آنها دیده می شد که این مهم، در ویرایش مجموعه لحاظ شده است.

\* نکته قابل ذکر دیگر اینکه، از آنجا که بسیاری از پرسش و پاسخ ها به زبان عربی بوده است، دفتر استفتانات با کسب اجازه از معظم له اقدام به ترجمه آنها به فارسی نموده و منابع آیات و روایات شریفه را نیز به متن اضافه کرده است.

دفتر استفتانات

حضرت آیت الله العظمی روحانی (دام ظلّه العالی)







س 1: عصمت چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

نوعی آگاهی (علم) است که از گمراهی جلوگیری می کند و ما حقیقت این علم را نمی توانیم کامل بفهمیم، ولی قرآن مجید آن را گوشزد می کند و می فرماید:

«وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ» (1) این نازل کردن نوعی علم است. البته از آیات دیگر روشن می شود که این آگاهی به صورت وحی و مکالمه نیز بوده است. هم چنین از این آیه چنین استنباط می شود که آنچه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده دو نوع علم است: یکی تعلیم از طریق وحی و نزول روح الامین، و دیگری تعلیم به روش پنهان و الهام الهی بدون نزول فرشته وحی. از مجموع روایاتی که در این باره مطرح است چنین استفاده می شود که خداوند به پیامبرش علمی می دهد که با اسباب عادی قابل دستیابی نیست.

ص: 15

---

1- (1). و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت؛ نساء: 113..

## عدم معصیت معصومین علیهم السلام

س 2: الف) آیا ترک اولی برای ائمه معصومین علیهم السلام امکان داشته است؟ ب) آیا عدم معصیت با توجه به عصمت کمال می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

الف) این بزرگواران بر اساس عصمت هرگز دست به رفتاری نمی زنند که ترک اولی بر آن صدق نماید لذا با وجودی که امکان داشته اما از ایشان صادر نشده است.

ب) مسلماً کمال است، زیرا عصمت موجب سلب اختیار نمی شود تا آن که اختیاری، نباشد و قائل به جبر شویم.

## درجات عصمت معصومین علیهم السلام

س 3: آیا عصمت درجاتی دارد که چهارده معصوم علیهم السلام در درجات عالیه واقع شده باشند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

مسلماً مراتب و درجاتی دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بالاترین درجات آن را دارا بوده اند.

## خلقت امامان علیهم السلام قبل از خلقت آدم علیه السلام

س 4: ما در قرآن داریم که خداوند در پاسخ به درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد ذریه اش می فرماید: «عهد من به ظالمان نمی رسد»<sup>(1)</sup> و هیچ امتیاز خاصی برای اصل و نسب فرزندان قائل نیست و این از

ص: 16

---

1- (1) سوره بقره، آیه 124: وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِدُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.

آموزش های رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده که قوم و قبیله و اجداد موجب برتری یا خاصیتی نمی باشد.

حال چگونه است که در مذهب ما، امامانی به دلیل این که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند، حتی قبل از سن تکلیف سکاندار هدایت امت اسلامی شده اند؟ (مانند آنچه در آئین بودائی نیز هست) و در کودکی، دارای ولایت و بالاترین درجه اختیار بر جان و مال و ناموس مسلمین گردیده اند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

امامت ائمه اطهار علیهم السلام مانند نبوت حضرت عیسی علیه السلام است که همان گونه که حضرت عیسی در اول تولد حرف زد، آنها هم چنین بودند و مانند ایشان که از همان وقت مستعد برای نبوت بود آنها هم مستعد برای امامت بودند و خلقت شان با خلقت مردم عادی فرق داشت؛ در روایات است که خلقت شان قبل از خلقت آدم علیه السلام بوده است؛ (1) تفصیل را به کتب مراجعه کنید.

### آیه ای دال بر عصمت ائمه علیهم السلام

س 5: کدام یک از آیات کلام الله مجید بر عصمت ائمه اثنی عشریه صراحت یا دلالت دارد؟

ص: 17

---

1- (1) إرشاد القلوب، ج 2، 415: عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «خَلَقَنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ بِسَبْعَةِ آلَافِ عَامٍ» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی من و اهل بیت من را هفت هزار سال قبل از آفرینش آدم خلق فرمود....

آیه تطهیر در سوره احزاب(1) دال بر عصمت ائمه علیهم السلام است، اما اسماء ایشان به عللی در قرآن ذکر نشده است؛ یکی از این علل آن است که مخالفین در طول زمان به هر نحوی بود قرآن را تحریف و آن را از سندیت ساقط می کردند، و لکن روایات متواتره از روایت شیعه و سنی متضمن اسماء آنها است.(2)

### دلیل وجوب وجود امام

س 6: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله تمام احکام اسلامی را در زمان حیاتشان بیان ننموده اند که رسالتشان ناقص است و این بر خلاف عقیده شیعه است. اگر بییان نموده اند و احکام کامل به مسلمین رسیده است چه نیازی به وجود امام است که از طرف خدا احکام را به مردم بگوید؟

به بیان دیگر، مگر امامان علیهم السلام همان سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیان نمی کنند، پس چرا باید امامان هم باشند؟ اگر هم سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی گویند و نظر شخصی خود را می گویند که این هم صحیح نیست.

جواب حضرت عالی راه گشاست.

ص:18

---

1- (1) . سوره احزاب، آیه 33: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**: خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد..

2- (2) یکی از آن روایات لوح جابر است که در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 308 به بعد احادیث مربوط به آن کاملاً آمده است..

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمام احکام اسلامی را آورده اند و در قرآن آمده است: «لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»<sup>(1)</sup>.

ولی فهم خصوصیات احکام بدون بیان ائمه طاهرین علیهم السلام ممکن نیست چراکه فهم کامل قرآن برای غیر ائمه میسر نمی باشد، به همین دلیل می بینیم که رؤسای مذهب غیر اثنی عشری مانند ابوحنیفه و سایرین که بیان احکام می نمودند، شاگرد امام صادق علیه السلام یا شاگرد شاگرد آن حضرت بودند.

خود عمر در مواردی که احکام را نمی دانست به امام علی علیه السلام مراجعه می کرد و حداقل در صد مورد گفته است: «لولا علی لهلك عمر»<sup>(2)</sup> قطع نظر از بیان حکم، ائمه علیهم السلام حافظ احکام نیز می باشند. در حال حاضر، علماء به واسطه روایات، احکام را بیان می نمایند و بدون آنها بیان احکام ممکن نیست. این مختصری از فوائد وجود امام است؛ تفصیل را از کتب دیگر استفاده کنید.

### ائمه اطهار علیهم السلام برکات الهی

س 7: بعضی افراد در کتاب هایشان نوشته اند که: «شیعیان، ائمه اطهار علیهم السلام

ص: 19

---

1- (1) هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است؛ انعام: 59..

2- (2) ارشاد القلوب، ج 2، ص 213؛ بحار الانوار ج 10، ص 231 و نیز برای اطلاع از روایاتی که درباره رجوع عمر به امیرالمؤمنین علیه السلام برای کسب حکم شرعی وارد شده، رک: صحیح ابوداود، ج 28، ص 147؛ مسند احمد، ج 1، ص 140 و 154؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج 4، ص 357 و....

را وسیله ای برای برآوردن حاجات دنیوی قرار می دهند با اینکه ایشان برای هدایت بشر آمده اند نه اینکه مسائل دنیوی مردم را حل نمایند، چون مسایل دنیوی تابع وسائل طبیعی است و از همین باب است که بعضی ها وقتی به مزارات (زیارتگاه ها) و حرم ها مشرف می شوند از قبور ائمه اطهار علیهم السلام حاجات دنیوی طلب می کنند که این کار درست نیست و بدعت می باشد، زیرا ائمه علیهم السلام فقط واسطه امور معنوی می باشند و ارتباطی به امور تکوینی ندارند».

آیا ائمه اطهار علیهم السلام در حال حیات و بعد از حیات، تنها وسایل و برکات الهی در امور معنوی می باشند و یا اینکه در امور دنیوی و تکوینی هم می شود از آنها کمک خواست و آنها را وسیله قرار داد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

قطع نظر از دارا بودن ولایت تکوینی برای امام که عبارت است از تصرف در عالم، ایجاداً و اعداماً، عالم طبیعت نیز مُنقاد آن بزرگواران است، البته نه به نحو استقلال، بلکه در طول قدرت خداوند تعالی و اختیار او. خداوند می فرماید: در طلب حاجات «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (1) یعنی واسطه قرار دهید نزد پروردگار و آن واسطه اهل بیت علیهم السلام می باشند و خداوند به واسطه آنها حاجات شما را برآورده می نماید. به همین دلیل - مثلاً - در وقت کم آبی می فرمایند: خدا را به حق امام زمان قسم بدهید، به واسطه آن بزرگوار باران رحمت الهی بر شما نازل می گردد.

ص: 20

س 8: آیا دوازده امام فقط بر انسان ها حجت هستند یا بر جنیان هم حجت هستند؟ بر فرشتگان چطور؟

ج: باسمه جلت اسمائه

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از طرف خدا برای جمیع خلایق مبعوث شد و آیات کریمه قرآن - اعم از سوره جن و غیر آن - و روایات متواتره دال بر آن است و ائمه علیهم السلام به مقتضی «حجه من قبل الله علی جمیع من کان الرسول نبیاً له» حجت بر جمیع مخلوقات هستند.

### **شرط احراز ریاست دنیویه**

س 9: یکی از استدلال های متکلمین بزرگوار امامیه بر عصمت امام علیه السلام این است که یکی از شؤون امامت، ریاست دنیویه است و از فرائض این منصب، گرفتن حق مظلوم از ظالم می باشد و این فریضه امکان پذیر نیست مگر با عصمت.

در مقابل، متکلمین عامه گفته اند که این امر با داشتن ملکه عدالت ممکن می باشد و عصمت برای احقاق حق مظلوم از ظالم لازم نیست.

نظر حضرت تعالی نسبت به این امر چیست؟ با قطع نظر از سایر شؤون امامت و سایر ادله عصمت، آیا برای احراز ریاست دنیویه داشتن ملکه عصمت شرط است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

آن چه گفته شده است در مقام استدلال مربوط به ریاست

دنیویہ نیست، مربوط به امامت است، و امامت به نصّ آیه کریمه بالاتر از منصب نبوت است؛ اما برای ریاست دنیویہ، عصمت شرط نیست.

## امامت جزئی از اصول دین

س 10: آیا امامت جزء اصول دین است یا نه؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر منظور شناخت مذهب حقیقی است، آری امامت از اصول دین است و اگر منظور داشتن عنوان مسلمان است، گفتن شهادتین به تنهایی شرط حرمت و محفوظ بودن جان و مال و ناموس یک مسلمان محسوب می شود و در این صورت امامت جزء اصول دین به حساب نمی آید.

## انتخاب امام از جانب خداوند

س 11: یکی از همکلاسی هایمان که اسماعیلی مذهب است به من گفت: اگر به کتاب های دوازده امامی ها مراجعه کنید خواهید دید که امام جعفر صادق علیه السلام آشکارا و در برابر عده زیادی از پیروانش اعلام کرد که فرزند بزرگش اسماعیل پس از او امام است.

هنگامی که خلیفه عباسی وقت این را شنید، به دنبال امام جعفر صادق علیه السلام فرستاد و او را تهدید کرد که یا مرا به عنوان امام بعد از خودت قرار می دهی و یا وصی تو، امام اسماعیل کشته خواهد شد؛ آنچه نزد شما و ما معلوم است تعیین امام با خواست خداست نه بشر.

پس از مدت زمان کوتاهی خبر فوت امام اسماعیل، آن هم در زمان

ص: 22



حیات پدرش امام جعفر صادق علیه السلام پخش شد. هنگامی که امام موسی بن جعفر به مکانی که جسد امام اسماعیل بود رفت، فریاد کنان بیرون آمد و گفت: پدر! برادرم زنده است و چشمانش را باز کرد. امام جعفر صادق علیه السلام به او گفت: «اکظم یا موسی» (فرو خور حالت را)، و همین سبب شد تا لقب کاظم بر او ماند.

از همان زمان امام اسماعیل پنهان و دوره غیبت او آغاز شد و برادر کوچکترش موسی امام و ساتر و حافظ برادرش اسماعیل گردید تا از این طریق، در برابر چشم ها و جاسوسان خلیفه عباسی قرار گرفته و حافظ امام که مستور حقیقی است باشد، یعنی همان کسی که با نص صریح امام پیش از خودش، امامت به او انتقال یافته بود.

آنچه که اشکال را عمیق تر می کند این است که چگونه ممکن است امام جعفر صادق علیه السلام امامی را که خدا اراده کرده تعیین کند و در همان حال خدا هم می داند این امام در زمان حیات پدرش امام جعفر علیه السلام فوت می کند.

اگر این چنین مطلبی را اعلام کنیم دیگران (غیر شیعه) خواهند گفت که انتخاب امام از اختیارات بشری بوده و به انتخاب خدا نیست. تمامی این ها تأکید بر این دارند که امام جعفر صادق علیه السلام هنگامی که اسماعیل را تعیین می کرد خطا نکرده بلکه خدا به او وحی کرده و شخصی را که به عنوان امام تعیین می کند در زمان حیات خودش خواهد مرد. پاسخ سخن ایشان چه خواهد بود؟

آنچه همکلاسی اسماعیلی مذهب شما گفته، بیشتر نوعی تزویر است و اینگونه تزویرها از سوی برخی فرقه‌ها برای اصلاح ظاهری راه باطل خود، صورت گرفته است؛ و اما پاسخ:

اول: کجاست آن روایت‌هایی که از آن سخن می‌گویند و کتاب‌هایی که از آن نقل می‌کنند و خیال می‌کنند در کتاب‌های ماست؟ آدرس سندهای این نقل را بدهند تا ما هم ببینیم.

(چون چنین چیزی در کتب ما نیست)

دوم: در حدیثی آمده که: «امامان (شما) بعد از من دوازده نفر هستند» و این حدیث، بطور گسترده در بین عام و خاص نقل شده است. (1)

اگر آنگونه است که شما می‌گویید، پس بگویید چه کسانی امام اند؟ این همکلاسی شما باید تعداد امامان را بگوید و توضیح دهد چرا امامان نزد اسماعیلیه - که عقیده دارند امامت در نسل اسماعیل ادامه پیدا کرده - به صدها تن رسیده است؟

سوم: نام امامان دوازده گانه در لوح جابر موجود است. جابر این لوح را که در موقع تولد امام حسن علیه السلام به حضرت زهرا علیها السلام اهدا شده دیده است و تعدادشان هم، نه تغییر خواهد کرد و

ص: 24

---

1- (1) صحیح بخاری، کتاب احکام؛ صحیح مسلم، کتاب امارت، باب تبعیت مردم از قریش، صحیح ترمذی، ج 2، ص 35، امالی شیخ صدوق، ص 111 و....

نه کم و زیاد خواهد شد [و در این لوح نامی از اسماعیل نیست]. (1) چهارم: این نقلی که داشتید - چنانکه گفتید - ایراد وارد کردن بر امام صادق علیه السلام است، زیرا ممکن نیست کسی به خاطر برخی شرایط معین، با انتخاب اضطراری امام شود، آن چنانکه اسماعیلیه درباره امام کاظم علیه السلام می گویند. در صورتی که به ناچار از سوی خداوند متعال است که امکان تکوینی تعیین امام فراهم می شود و بنابر همین استدلال، کسی که بدون آماده شدن از سوی خداوند ادعای امامت کرده است - مانند جعفر کذاب - رسوا می گردد.

آیا امام موسی بن جعفر علیه السلام در امامتش شکست خورد؟ چه دلیلی بر این شکست دارند؟ از خداوند متعال خواستارم تا همکلاسی شما را هدایت نماید و شما را هم بر قول حق و درست برقرار و پایدار بدارد. (2)

### سلطه معصومین علیهم السلام بر امور مادی و معنوی

س 12: در میان شیعیان معمول است که همواره نام ائمه معصومین علیهم السلام را بر زبان جاری کرده و آنها را صدا می زنند، مثلاً می گویند: «یا علی» و عقیده دارند که ایشان در سختی ها به آنان کمک می کنند. آیا حضرت علی علیه السلام صدای ما را می شنود؟ و می داند کجا و چه زمانی او را صدا

ص: 25

---

1- (1) رک: کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 308..

2- (2) و کظم برای فرو بردن خشم کاربرد دارد نه برای کتمان سرّ!.

زده ایم؟ آیا اجابت ندای ما توسط آن حضرت، به واسطه قدرتی است که خدا به او اعطا کرده است؟ یا ایشان از خداوند، درخواست می کند تا دعای ما را اجابت کند و خدا برای تکریم ایشان نیاز ما را برآورده می سازد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

معصوم علیه السلام با اذن خدا بر همه عالم سلطه دارد، به نحوی که زمام گردش امور عالم به دست اوست. معصوم علیه السلام حاکمیت کامل بر تمام امور دارد و می تواند هرگونه که بخواهد تصرف کند، ایجاد نماید و یا از بین ببرد.

دنایای طبیعت تحت سلطه اوست، البته نه به طور مستقل، بلکه در طول قدرت الهی و سلطه خداوندی؛ به این معنا که خداوند متعال او را توانا کرده و به او حاکمیت داده است، درست همان طور که ما مسلط بر اعمال ارادی خودمان هستیم، و اگر خداوند به او افاضه نکند و قدرت را از او بگیرد، این توان و سلطه از بین خواهد رفت.

### شفیع قرار دادن اهل بیت علیهم السلام

س 13: آیا این عقیده صحیح است: «ما برای رسیدن به خدا نیازی به توسل به اهل بیت علیهم السلام نداریم، زیرا خداوند از رگ گردن به ما نزدیک تر است» (1)؟

ص: 26

---

1- (1) اشاره به آیه: «نحن اقرب الیه من حبل الوريد» ما از رگ گردنش به او نزدیک تریم؛ ق: 16..

ج: باسمه جلت اسمائه

این عقیده با آیات و روایات فراوانی که می گوید در اظهار نیاز و درخواست، اهل بیت علیهم السلام را وسیله و شفیع خود به سوی خدا قرار دهید، منافات دارد. (1)

### اعتقاد شیعیان به تثلیث

س 14: شیعیان نیز مانند مسیحیان قائل به تثلیث (سه گانه پرستی) که همان «یا الله، یا محمد، یا علی» است می باشند، و به جای یاری جستن از خدا قائل به عقیده ای هستند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد به آن قائل نبودند و کمک جستن از غیر خدا را تجویز نکرده اند. شیعیان این آیات را فراموش کرده اند که: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» (2)؛ «وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً» (3)؛ تفسیر شما چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

شیعیان معتقد به ولایت تکوینی معصومین علیهم السلام هستند و منظور از این ولایت، قدرت تصرف در جهان، نه به طور مستقل

ص: 27

---

1- (1) یکی از آن آیات، آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ: ای کسانی که ایمان آوردید، نسبت به خدا تقوا پیشه کنید و وسیله ای برای تقرّب به او پیشه کنید. سوره مائده، آیه 35» است. در مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 75 آمده که امیر المؤمنین در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «من آن وسیله هستم». یا در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج 1، ص 168 آمده است که آن وسیله، امام است. هم چنین در دعای شریف توسل که محمد بن بابویه از ائمه علیهم السلام روایت می کند، درخواست شفاعت از ائمه به کرات مطرح شده است..

2- (2) . آیا خدا کفایت کننده بنده اش نیست؟؛ زمر: 36..

3- (3) و خدا بس کارساز است؛ نساء: 81 و 132 و 171؛ احزاب 33 و 48..

بلکه در طول قدرت و سلطه الهی است.

به این معنا که خداوند به ایشان توانایی داده است، همچنان که ما در اعمال خودمان اختیار داریم و اگر خداوند این قدرت را بگیرد و یا فیضش را قطع کند، این قدرت تکوینی از بین می رود.

با این توضیح تفاوت عقیده شیعیان با مسیحیان روشن می شود چرا که آنان معتقدند خدا، سومین عضو خدایان سه گانه یعنی عیسی، روح القدس و الله می باشد.

### اِنَّهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَسِيْلَةٌ قَرَبٌ بِهٖ اللّٰهُ

س 15: برخی می گویند که گفتن «یا الله» بهتر از گفتن «یا علی» است، پس برای چه کلام بهتر را رها کنیم؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ما از سوی خدا موظف شده ایم تا برای رسیدن به او، از «وسیله» استفاده کنیم چرا که خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (1)؛

بنابر این گفتن: «یا رسول الله، یا علی و یا زهرا علیهم السلام» و مانند آن اشکالی ندارد؛ زیرا انجام امر خداوند است.

هم چنین اگر فقط بگوییم «یا الله» و قبل یا بعد از آن، این ذکر را با عبارتی مثل صلوات بر محمد و آل محمد وسیله توجه به

ص: 28

---

1- (1) ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و به او توسل و تقرّب جوئید؛ مائده: 35..

سوی خدا قرار دهیم، نیز ترجیح دارد و متون اسلامی نیز به آن اشاره کرده اند. ولی اگر چنین نباشد، به این صورت که گوینده «یا الله» تصور کند که به وسیله و واسطه بین خود و خدای خود نیازی ندارد، اشتباه است و نوعی تخلف از امر الهی مبنی بر به کارگیری وسیله ای جهت رسیدن به او، محسوب می شود.

### نحوه عرضه اعمال آدمیان بر ائمه علیهم السلام

س 16: اعمال آدمیان چگونه بر ائمه علیهم السلام عرضه می شود؟

ج: باسمه جلت اسمانه

در چندین روایت آمده است (1) که اعمال آدمیان به صورت ستونی از نور که در برابر معصومین علیهم السلام برافراشته می گردد، عرضه می شود و آنها از (ستون نور) تمامی کارهای آدمیان را نگاه می کنند. (2)

ص: 29

1- (1). إِنَّ الْإِمَامَ مُؤَيَّدٌ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى فِيهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ...: امام بروح القدس مؤید و منصور است و میان او و خدا عمودی از نور است که در آن عمود است اعمال بندگان و... عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 213 و نیز رک: بصائر الدرجات، ص 434؛ کشف الغمه، ج 2، ص 291 و....

2- (2) اگر به صد سال گذشته برگردیم بلکه پنجاه سال و شخصی به ما می گفت چیزی اختراع شده که صفحه ای دایره ای و نازک از جنس پلاستیک و صفحه نازک نقره ای است و این امکان را دارد تا کل مطالب یک کتاب قطور و بلکه صدها کتاب را در آن جای دهیم، باور نمی کردیم ولی امروزه می بینیم در وسائل کوچکی مثل سی دی، فلاش، هارد، میکروفیلم و دیگر امکانات تکنولوژی پیشرفته کامپیوتری چه اطلاعات گسترده و متنوعی در حجم های کوچک اندوخته می گردد. در جهان معنویت و برای مبدا لایزال هستی - که خداوند است و «قادر علی کل شیء» است - این کارها چیزی نیست؛ پس اگر گفته می شود ستونی از نور، نباید تعجب کرد و بلکه می توان گفت این یک تشبیه و برای تقریب به ذهن است وگرنه اصل کار بالاتر از این حرف هاست و ما نمی دانیم چطور است..

## ولایت تکوینی جزئی از مقام ذاتی اهل بیت علیهم السلام

س 17: آیا ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام از مقام های ذاتی معصومین علیهم السلام بوده و یا از مقامات عَرَضی است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر منظور از ولایت تکوینی مقامی است ذاتی که معصومین علیهم السلام به طور مستقل یافته و در خودشان دارند، قطعاً غلط و باطل است، اما اگر منظور این باشد که این مقام به اقتضای خلقت شان که از نور بوده، ذاتی ایشان شده است، درست است و اشکالی بر آن مترتب نیست.

## روایتی درباره زنده کردن مرده توسط امام علیه السلام

س 18: آیا روایتی داریم که نشان دهد یکی از امامان معصوم علیهم السلام، مرده ای را زنده کرده باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

روایاتی که صدور برخی اقدامات از معصومین علیهم السلام به اقتضای ولایت تکوینی شان را نشان می دهد، بیش از حد شمارش است. زنده کردن مردگان، یکی از آنها است و بلکه مهم تر از آن نیز از ایشان صادر شده است؛ به عنوان نمونه امام رضا علیه السلام تنها با اشاره به تصویر شیر، آن را تبدیل به شیر درنده واقعی نمود. (1)

ص: 30

---

1- (1) نقل شده که تصویر چند شیر بر روی پرده معرکه گیری جادوگری بود که از طرف خلیفه وقت (و غاصب مقام خلافت از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام) می خواست به حضرت بی حرمتی کند تا آن جناب از چشم مردم بیفتند. با اشاره حضرت رضا علیه السلام آن تصاویر به اذن الهی زنده شدند، به آن جادوگر یورش برده و او را دریده و جلوی چشمان حاضران خوردند و به جای خود بازگشتند. از چند امام دیگر نیز کرامات مشابه نقل شده است. جهت اطلاع بیشتر به کتاب القطره یا ترجمه آن رجوع کنید..



س 19: معنای ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام که شیعیان به آن معتقدند چیست؟ و آیا شامل تفویض هم می شود (یعنی خدا به آنها واگذار کرده)؟

آیا ولایت تکوینی، ملازم معصوم علیه السلام است، درست همان گونه که ما کارهای عادی خود را انجام می دهیم؟ یا در وضعیت های خاصی بر معصوم علیه السلام عرضه می گردد؟ حکم کسی که منکر این ولایت باشد چیست؟

ج: باسمه جلت اسمانه

ولایت تکوینی به معنای واگذاری امور جهان به دست معصومین علیهم السلام است تا همان گونه که می خواهند، با اذن پروردگار و به صورت ایجاد و یا نابودی، در آن ها دخل و تصرف کنند و این مصداق تفویض نیست، گرچه از همان منشأ سرچشمه گرفته است. زیرا تفویض، فعل خداوند است ولی این ولایت همواره معصوم را همراهی می کند و به اقتضای ذات نورانی ایشان چنین شده است. انکار این ولایت در حکم انکار دیگر مقام های اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

ص: 31

س 20: آیا ائمه معصوم علیهم السلام ولایت تکوینی دارند؟ و آیا به اذن خدا علم غیب هم دارند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

خداوند متعال از زبان حضرت عیسی علیه السلام چنین می گوید: «أَنْتَى أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبَيِّتُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ» (1).

در صورتی که با این آیه ولایت تکوینی و علم غیب برای حضرت عیسی ثابت شود، اثباتش برای محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او حتمی است، چرا که فضیلت ایشان بر تمامی پیامبران پیشین در جای خودش ثابت شده و ممکن نیست کسی که رتبه اش کمتر است چیزی را دارا باشد که فرد دارای رتبه بالاتر آن را نداشته باشد.

### استفاده معصوم علیه السلام از ولایت تکوینی

س 21: امام معصوم علیه السلام چه موقعی از ولایت تکوینی استفاده می کند؟ در روایتی نقل شده که جابر بن یزید که نیازمند شده بود نزد امام باقر علیه السلام شکوه نمود و درخواست کمک کرد. امام باقر علیه السلام چنین فرمود: «ای جابر، ما فعلا درهمی پول نداریم. سپس کمیت شاعر آمد و قصیده ای

ص: 32

---

1- (1) من از گل برای شما چیزی به شکل پرند می سازم، آنگاه در آن می دمم پس به اذن خدا پرند می شود و به اذن خدا نایبای مادرزاد و سپس را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می کنم، و شما را از آنچه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم؛ آل عمران: 49..

سرود، حضرت برای تقدیر از او فرمود: ای غلام، از آن اتاق مبلغی بیاور و به کمیت بده و او همینطور آورد و پرداخت می کرد تا به سی هزار درهم رسید». جابر می گوید: «من با خود گفتم: به من گفت درهمی ندارم ولی دستور داد سی هزار درهم به کمیت دادند؟!»

امام علیه السلام فرمود: «ای جابر، بلند شو و برو داخل اتاق، من نیز برخاستم و به درون آن اتاق رفتم اما چیزی نیافتم و بیرون آمدم. امام علیه السلام به من فرمود:

«ای جابر، آنچه از شما پنهان می کنیم بیشتر از چیزی است که آن را برای شما آشکار می سازیم». سپس دستم را گرفت، دوباره به درون اتاق برد و با پایش به زمین زد. ناگهان چیزی شبیه گردن شتر بیرون آمد که از طلا بود. به من فرمود: «ای جابر، به این نگاه کن ولی به کسی چیزی نگو، مگر کسانی که از بین دوستان مورد اعتماد تو هستند و ظرفیت دارند. خداوند متعال ما را توانا کرده تا آن چه را که بخواهیم انجام دهیم و اگر بخواهیم افسار زمین را به دست گرفته و به تمامی به کنترل خود در می آوریم.»<sup>(1)</sup> چرا امام علیه السلام ولایت تکوینی خود را برای کمیت به کار گرفت ولی برای جابر بن یزید چنین نکرد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

این که معصومین علیهم السلام ولایت تکوینی داشته اند، اثبات شده است و ایرادی بر آن نیست، ولی بنای ایشان در هر زمانی عمل به ظاهر و انجام امور از راه طبیعی خود است مگر در موارد ویژه

ص: 33

که لازم ببینند و ولایت تکوینی شان را به کار گیرند.

درباره وضعیت جابر بن یزید جعفی باید گفت که او یکی از دارندگان معارف و اسرار معصومین علیهم السلام بود ولی کمیت در حد او نبود؛ برای همین می بینیم امام علیه السلام با اولی به گونه ای برخورد کرد که عارف به اسرارشان است. چنانکه در آغاز می گوید چیزی نیست و از نظر ظاهر توانایی کمک به تو را نداریم اما بعد قدرت تکوینی خارق العاده خود را به او نشان می دهد. این در حالی است که امام باقر علیه السلام چیزی از آن نهان را به کمیت نشان نمی دهد. و به پرداخت درهم اکتفا می کند.

### **ولایت تکوینی نشأت گرفته از ولایت خداوند**

س 22: برخی از مخالفین شیعه می گویند: دلایل فراوانی از قرآن کریم، سنت نبوی و اجماع مسلمانان وجود دارد مبنی بر این که ولایت تکوینی و تشریحی منحصرأ در اختیار خداست و کسی از مخلوقاتش با او در این ولایت شریک نیست. از مطالعه کتاب های دانشمندان و اندیشمندان مسلمان در این باره خواهیم دید که اختصاص ولایت به خداوند، اثبات شده است و ممکن نیست آن را به دیگری نسبت دهیم. از بررسی آیات قرآنی و روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام چنین به دست می آید که:

1. معنی خلق همان اختراع و ابداع است که منحصر به خدای سبحان است و دیگری چنین توانی را ندارد، زیرا این امر از صفات واجب الوجود است و دیگران ممکن الوجودند.

2. آنچه گفته شده و گفته می شود که معجزه پیامبران، فعل خودشان و ساخته دست خودشان است بر خلاف معنی خلق - که همان ایجاد و اختراع است که پیشتر گفتیم - می باشد زیرا این موضوع، خارج از حد و قدرت بشری است در حالی که انبیاء و اولیاء نیز بشری حادث و بندگانی مصنوع پروردگارند، نه خلق می توانند کرد و نه رزق می توانند داد.

3. ولایت تکوینی منحصر در خداوند متعال است چرا که مقصود از ولایت، تصرف در عالم ملکوت و جهان، آفرینش، ایجاد و احیاء (به وجود آوردن و زندگی بخشیدن) است که اختصاص به خداوند سبحان دارد و کسی نمی تواند در حوزه سلطنت و ملک اش شریک او گردد. نظر حضرت عالی نسبت به این کلام چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اول: این نظر زمانی درست است که بگوییم ولایت تکوینی، فقط آفریدن و ایجاد، یعنی همان اختراع است که به خداوند سبحان اختصاص دارد در حالی که ولایت تکوینی تنها این نیست.

دوم: کسی که معتقد به وجود ولایت تکوینی برای معصومین علیهم السلام است قائل به این نیز هست که این ولایت نشأت گرفته از ولایت الله بوده و خداوند تعالی است که چنین قدرتی را به ایشان داده است. چنین کسی معتقد به وجود این ولایت مستقل از باری تعالی نیست تا این که در برابر آن، انحصار این ولایت برای الله اعلام شود.

به عبارت دیگر مدعی چنین نظریه ای، بین ولایت تکوینی

ص: 35

مستقل و ولایت تکوینیِ افاضه شده از جانب خدای تعالی، خلط کرده است. واضح است که اولی مختص واجب الوجود متعال است و دومی مختص ممکن الوجود. آنکه ولایت تکوینی را برای معصومین علیهم السلام به اثبات رسانده، معنای دوم را مدّ نظر قرار داده است و هر کسی که ولایت تکوینی را برای الله در نظر گرفته، منظورش معنای اول است ولی، صاحب این نظر بین دو ولایت خلط کرده است.

### **حضور معصوم علیهم السلام در بیشتر از یک مکان**

س 23: آیا معصوم علیهم السلام می تواند در یک زمان، البته با اذن پروردگار، در بیشتر از یک مکان باشد؟ آیا داشتن چنین عقیده ای غلو به حساب نمی آید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر منظور شما از حضور در چند مکان یا چند زمان با جسم مادی باشد که ممتنع و عقلاً غیر ممکن می باشد، زیرا قوانین حاکم بر طبیعت، مانع از وقوع چنین حالتی، یعنی حضور یک جسم در یک زمان در چند مکان، است؛ اما اگر منظور حضور با جسم مثالی و یا نوری باشد، بلی، ممکن است و بلکه واقع هم شده است.

### **بیان تمامی احکام توسط ائمه علیهم السلام**

س 24: آیا تمامی احکام توسط ائمه اطهار علیهم السلام بیان شده است یا نه؟ نظر حضرت عالی در این باره چیست؟

ص: 36

خداوند متعال می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (1) از این آیه و مانند آن (2) چنین استفاده می شود که هر ضابطه و حکم شرعی که بنا بوده ابلاغ شود، در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ گردیده و تمامی آن به وفور ثبت و ضبط شده است.

اما بیان برخی احکام، بنا به علل و موانعی به تأخیر افتاد که تمامی آنها نزد امام هر زمانی محفوظ است. به همین دلیل در برخی متون آمده است هنگامی که حضرت حجت (عج) ظهور می کند، تمامی احکام نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله را تبیین می کند تا جایی که مردم گمان می کنند او با دین جدیدی پای به عرصه گذارده است. (3)

### خداوند، تشریح کننده واقعی

س 25: آیا تشریح و تجویز زیارت نامه ها، دعاها و آداب و سننی مثل اعیاد اسلامی از نمونه های ولایت تشریحی امامان معصوم علیهم السلام است؟

ص: 37

1- (1) . امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم؛ مائده: 3..

2- (2) «ما آتکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» آنچه رسول بر شما آورد محکم بگیرید و قبول کنید و از هر چیز شما را نهی کرد دست بردارید؛ حشر: 7..

3- (3) الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج 2، ص 384: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بُدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ: أَبُو خَدِيجَةَ مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتَ كَيْفَ فَرَمَدَ: چون حضرت قائم علیه السلام، قیام کند امر تازه ای بیاورد چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام به امر تازه ای مردم را دعوت فرمود..

ج: باسمه جلت اسمائه

تشریح کننده اصلی خداست و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسولی از جانب خدا برای مردم بود و خدا آنچه را که به عنوان دین برای مردم تشریح کرده به پیامبرش وحی نمود. امامان علیهم السلام نیز تمامی احکام شرعی را از او آموختند و سپس به ترتیب لازم برای مردمان تبیین کردند.

### مطلق یا محدود بودن ولایت تشریحی معصومین علیهم السلام

س 26: آیا ولایت تشریحی معصومین علیهم السلام مطلق است یا محدود؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر منظور از مطلق، تصرف مستقل بدون اذن الهی است، خیر؛ اما اگر منظور تدبیر امور به تناسب وضعیت و مقتضیات و در تمامی جهات شرعی و نیز مسائل ضروری زندگی باشد، درست و قطعی بوده و لازمه سرپرستی آنان بر دین است.

### اهل بیت علیهم السلام خلفای خداوند در زمین

س 27: آیا تفویض دو ولایت تشریحی و تکوینی از سوی خداوند متعال به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بالاصاله قطعی است از آن رو که آنان، خلفای خداوند بر زمین اند؟ و یا بالعرض قطعی است به این معنا که لطفی ویژه از باری تعالی برای محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

منافاتی بین دو جهت نیست و ولایت از دو جنبه تشریحی و تکوینی و گستره آن، هم لطف الهی در حق محمد و آل

ص: 38



محمد صلی الله علیه و آله می باشد و هم به این جهت است که ایشان خلفای الهی در زمین هستند.

### بهترین دلیل بر ولایت تشریحی امامان علیهم السلام

س 28: دلایل ولایت تشریحی از قرآن کریم را بیان فرمایید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

آیه ولایت بهترین دلیل ولایت تشریحی است. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>(1)</sup> وجه استدلال آیه چنین است که: بدون شک پیامبر صلی الله علیه و آله ولایت تشریحی دارد، و از آنجا که طبق این آیه، ولایت امامان معصوم علیهم السلام عین ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولایت تشریحی بالضروره برای امامان ثابت می شود.

### مراد از ولایت تشریحی برای امامان علیهم السلام

س 29: ولایت تشریحی که برای امامان قطعی است، چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ولایت تشریحی به معنای اختیار تصرف در سرپرستی امور تشریحی دین از طریق بیان احکام - گاه احکام حقیقی و گاه ظاهری - و نیز به معنای تأخیر در تشریح احکام تا زمان مناسب و از این گونه امور دینی می باشد.

ص: 39

---

1- (1). ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند؛ مائده: 55..

## امام علیه السلام مسؤول غسل و دفن امام معصوم علیه السلام

س 30: آیا هر یک از امامان معصوم علیهم السلام، مسؤولیت کفن و دفن امام همانند خود را دارند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

روایات موثق آشکارا می گوید: معصوم علیه السلام را جز معصوم علیه السلام نباید غسل و دفن نماید، بلکه در تعدادی روایات آمده است که امام بعدی که جانشین امام قبلی است باید او را دفن کند. (1)

## جسم معصوم علیه السلام بعد از مرگ

س 31: آیا جسم معصوم علیه السلام بعد از مرگ در خاک می ماند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

شکی نیست که جسم ایشان به آسمان رفته است. ولی اختلاف در این است که آیا به زمین باز گردانده شده و مانند دیگر بدن ها در زمین است یا خیر؟ با این تفاوت که گوشت شان بر زمین حرام است تا مبادا طعمه آنها شود و بدن هایشان در طول زمان هیچ تغییری نمی کند.

نظر دیگر این است که بدن هایشان به زمین بازنگشته است.

شیخ مفید نظر دوم را پذیرفته است (در آسمان ماندن)، کراچکی هم نظر او را تأیید کرده و این نظر را به فقهای شیعه نسبت داده است. یکی از متأخرترین فقهای شیعه یعنی

ص: 40

---

1- (1) بحار الأنوار، ج 27، ص 288: باب 2 - أن الإمام لا يغسله ولا يدفنه إلا الامام: «أَنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ: امام را جز امام غسل نمی دهد.».

محدث بحرانی در کتاب «الذِّرَّةُ النَّجْفِيَّةُ» این نظر را پذیرفته است.

با این حال نظریه اول به ویژه در قرون اخیر شهرت بیشتری دارد چنان که فیض کاشانی و علامه مجلسی بر آن تصریح نموده اند.

هریک از دو گروه نیز به متون متعدد تاریخی و روایی استدلال کرده اند و نظر من نیز بر پایه بیان آشکاری که در روایات معتبر وجود دارد، قول اول است و مستندات نظر دوم و استدلالی که به آن ها شده، به طور روشن چنین چیزی را نتیجه نمی دهد.

### معصومین علیهم السلام علت غایی خلقت

س 32: آیا معقول است که خداوند، آسمان ها و زمین و کرات دیگر و انس و جن را تنها و تنها به خاطر وجود معصومین علیهم السلام، خلق کرده باشد و هدف نهایی او پنج تن آل عبا (یا اهل کسا) باشد به اعتبار این که ایشان، سرّ وجود سایر مخلوقات اند؟ این عظمت در وجود اهل بیت علیهم السلام، از چه چیزی نشأت می گیرد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

منظور از عبارت مطرح شده در سؤال، که در حدیث مبارک کسا - که از بانوی برتر جهان (سیده النساء العالمین) حضرت زهرا علیها السلام نقل شده - آمده آن است که وجود معصومین علیهم السلام هدف نهایی آفرینش کائنات است، چرا که وجود ایشان تجسم

ص: 41

کامل ترین و بارزترین مصداق انسان کامل - که هدف خلقت به شمار می آید - است.

همانطور که هدف اصلی از کاشت یک درخت و آبیاری و رسیدگی به آن، دست یابی به میوه رسیده آن است، وجود مبارک معصومین علیهم السلام نیز در خلقت این عالم چنین است، چرا که ایشان در سیر تکاملی این جهان، میوه آن هستند، بنابراین، از برکت این نوع متون(1) و مانند آن است که می توانیم مقداری از رازهای عظمت معصومین علیهم السلام و کمال آن ها را کشف کنیم و گرنه ما از شناخت ایشان و پی بردن به عمق وجودشان ناتوانیم و کسی جز خداوند متعال که خالق ایشان است قدرشان را کامل نمی داند.

### معصومین علیهم السلام واسطة فیض الهی

س 33: برخی می گویند: هدف نهایی که در اصطلاح حکما و فیلسوفان یکی از اجزای علت تامه می باشد آن است که فاعل را از قوه به فعل و هم چنین از امکان به وجوب در می آورد.

این هدف آغاز تصور ذهنی و پایان تحقق وجودی شیء است و سبب خروج فاعل از حالت قوه به فعلیت می باشد، مثل نجاری که اقدام به ساخت یک صندلی نمی کند مگر برای هدفی که در پی آن است و اگر آن هدف را تصور نکند از حالت بالقوه به میدان تحقق فعلی آن هدف نخواهد رسید.

ص:42

بنابراین هدف نهائی نقش خاصی در تحقق معلول دارد و آن را از امکان موجود بودن به وجود داشتن در می آورد، زیرا انگیزه فاعل در تلاش برای انجام آن محسوب می شود. هدف خداوند از آفرینش، بندگی و پرستش است، هم چنان که در آیه شریفه می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>(1)</sup>؛ بنابراین اعتقاد ما شیعیان و تاریخ حقیقی نیز گواه بر این است که امامان معصوم و اهل بیت علیهم السلام بودند که خداوند را حقاً بندگی و عبادت کردند. بنابر این می توانیم بگوئیم که ایشان علت غائی و هدف خلقت و واسطه فیض الهی اند؛ البته فقط با این تفسیر، نه این که مانند برخی جاهلان ایشان را در خلق و تدبیر، شریک خدا بینداریم». نظر شما در این باره چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اهل بیت علیهم السلام علت غائی آفرینش هستند و ایرادی هم ندارد که چند علت غائی در طول هم وجود داشته باشد. بدیهی است که علت غائی، عبادت است ولی از آنجا که این عبادت و مصداق کامل آن تنها با وجود معصومین علیهم السلام محقق می شود، هم چنان که در زیارت جامعه با عبارت: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنُكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ»<sup>(2)</sup>؛ بدان اشاره شده است،

ص: 43

---

1- (1). و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند؛ ذاریات: 56..

2- (2). «هر کس که خواهان خدا باشد از شما آغاز می کند و هر کس یگانگی خدا را بخواهد (بشناسد) از شما باید فرا گیرد و هر کس که خواهان رسیدن به خدا باشد به سوی شما (باید) توجه کند»؛ مفاتیح الجنان، قسمتی از زیارت جامعه کبیره..

هیچ ایرادی ندارد تا وجود ایشان را نیز علت غائی بدانیم.

## تفاوت علت غائی و علت فاعلی

س 34: تفاوت علت غائی و علت فاعلی چیست؟ و چرا درست نیست که بگوئیم اهل بیت علیهم السلام علت غائی هستند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

علت فاعلی، آن ذاتی است که مستقیماً با اراده فعل همراه است که همان علت نزدیک، بوده و وجود، قدرت، دانائی و اراده اش در فاعلیت فعل (انجام فعل) تأثیر مستقیم دارد؛ چنانچه محقق اصفهانی نیز همین تعریف را گفته است. اما علت غائی، مقصودی است که در پس فعل می باشد.

با این تعریف روشن می شود که تعبیر از اهل بیت علیهم السلام به علت غائی خلقت ایرادی وارد نمی آورد زیرا برخی اخبار و احادیث همین را تصریح کرده است، مانند این حدیث قدسی که می فرماید:

«لَوْلَا كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلَيَّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ». (1)

## فلسفه وجود دشمنان معصومین علیهم السلام

س 35: به استناد حدیث شریف کساء: «من آسمان برافراشته را نیافریدم و زمین گسترده را خلق نکردم... مگر برای محبت این پنج تن...»

ص: 44

---

1- (1) «(ای محمد) اگر برای وجود تو نبود افلاک را نمی آفریدم و اگر برای وجود علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر برای وجود فاطمه نبود هر دوی شما را نمی آفریدم»؛ شرح دعای صباح، خونی، ص 46؛ مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ص 57..

یعنی فاطمه علیها السلام، پدرش، همسرش و فرزندانش»<sup>(1)</sup>؛ چنین می فهمیم که تمامی خلائق برای محبت به اهل بیت علیهم السلام آفریده شده اند. با این توصیفات، وجود دشمنان ایشان به چه معناست؟ و چه فلسفه ای دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

منظور از جملات ذکر شده، این است که خداوند برای محبت به محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام این جهان را آفریده و نعمت وجود را به عالم موجود افاضه کرده است؛ نه به این معنا که خدا این عالم را آفریده است تا همه خلق، محب و دوست دار پنج تن آل عبا باشند. بنابر این جایی برای پرسش مذکور باقی نمی ماند.<sup>(2)</sup>

ص: 45

---

1- (1). اِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً، وَلَا اَرْضًا مَدْحِيَّةً... اِلَّا فِي مَحَبَّةِ هُوَلَاءِ الْخَمْسَةِ،... هُمْ: فَاطِمَةُ وَ اَبُوها وَ بَعْلُها وَ بَنُوها؛ بحار الانوار، ج 35، ص 22، باب 1، قسمتی از حدیث شریف کساء؛ الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء علیها السلام، ج 6، ص 114..

2- (2) توضیحا این که در ضمن پرسش هایی در مورد جبر و اختیار گفتیم که ارزش عمل انسان به ارادی و اختیاری بودن آن است تا فلسفه وجود پاداش و مجازات تحقق یابد و گرنه اگر بنا باشد آدمی خود به خود خوب یا خود بد شود پس پاداش و مجازات معنا ندارد و به تبع آن بهشت و جهنم هم بی معنا می شود، زیرا این نوعی جبر است. فردی که با وجود عقل که همانا حجت و پیامبر درون است و با وجود پیامبران و رسولان و کتب آسمانی که همانا حجت برون اند و از بیرون خوبی و بدی و راه حق و راه باطل را به او یاد می دهند، انتخاب می کند که خوبی، معرفت و ایمان کسب کند و قدر و منزل معصومین را بشناسد و از ایشان پیروی کند و از راه ایشان به خدا برسد، پاداش خواهد داشت و اگر همین شخص جهالت کسب کند و کفر و شرک و نفاق بورزد و به جای پیروی از مردان خدا از شیطان پیروی نماید طبعاً مجازات خواهد داشت و این عین عدل است..

س 36: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تا چه حدی با توحید الهی پیوستگی دارند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در زیارت جامعه کبیره آمده است: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنُكُمْ... وَ رَضِيَ بِكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ... وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ»(1) از امام رضا علیه السلام نیز سخنی در تفسیر این حدیث قدسی نقل شده است: «سخن لا اله الا الله دژ (قلعه) من است، پس هر کس وارد این دژ شود از عذابم در امان خواهد بود، شرایطی دارد و من از آن شرایط هستم.»(2) منظور از این عبارات این است که توحید کامل، که رگه های شرک در آن نباشد، توحیدی است که از مکتب اهل بیت علیهم السلام به دست آید. چنانچه عقاید برخی از غیر شیعه - که دچار شائبه هایی از قبیل جسمیت خداوند و تعطیل برخی افعال خداوند شده اند - شاهد بر این مطلب است.

### کسب بالاترین درجات کمال توسط معصوم علیه السلام

س 37: آیا معصوم علیه السلام پس از مرگ نیز راه کمال را ادامه می دهد؟

ص: 46

- 
- 1- (1) «هر کس که خواهان خدا باشد از شما آغاز می کند و هرکس یگانگی خدا را بخواهد (بشناسد) از شما باید فرا گیرد... خداوند خواست تا شما خلیفه او در زمین و ارکان توحید او باشید...» مفاتیح الجنان، قسمتی از زیارت جامعه کبیره..
- 2- (2) كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي بِشُرُوطِهَا، وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 135..



ج: باسمه جلت اسمائه

معصوم علیه السلام چون در زمان حیات خود به بالاترین درجات معنوی و کمال رسیده است، پس از مرگ نیازی به تکامل ندارد؛ زیرا با مرگ چیزی را از دست نمی دهد تا در صدد باشد به آن دست یابد و نقص خود را برطرف کند.

با این حال، می توان اعمالی مثل خواندن قرآن و حج را به ایشان اهدا کرد و فائده این اعمال شامل حال عمل کننده است نه معصوم علیه السلام.

### اختصاص عصمت برای اهل بیت علیهم السلام

س 38: آیا تمامی اهل بیت علیهم السلام معصوم هستند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از مسائل روشن و قطعی این است که دوازده امام علیهم السلام و مادرشان فاطمه زهرا علیها السلام همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بالاترین و بهترین مراتب عصمت - به معنا و مفهوم کامل آن - قرار داشته اند.

### ارتباط خواست خداوند با اراده تکوینی

س 39: طبق نظریه ای اصل عصمت به علم لَدُنِّي بازمی گردد؛ منظور از علم لدنی چیست؟ و آیا خواست خدا در آیه تطهیر (1) اراده تکوینی است یا تشریحی؟

ص: 47

---

1- (1). آیه تطهیر: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ خدای خواهد که پلیدی را از شما اهل بیت (پیامبر) ببرد و پاک و پاکیزه تان کند»؛ احزاب: 33..

بهترین تعریفی که برای علم لدنی گفته شده این است: «نوری است که بر قلب، ظاهر شده و قلب پر ظرفیت می گردد، غیب را می بیند و بزرگ می شود، بلاء و آزمون را تحمل و اسرار را حفظ می کند. دیگر نشانه آن پرهیز از علاقه مندی به دنیا، توجه به آخرت و آمادگی برای مردن پیش از رسیدن آن است». این را علم لدنی می نامند و از این سخن خداوند گرفته شده است:

«وَعَلَّمْنَا مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (1).

علم لدنی بالاترین و برترین دانش هاست، بلکه دانش حقیقی و والاترین هدف هستی است. این علم هنگامی به دست می آید که قلب از هر چیز دیگر تهی و آماده پذیرش و یادگیری می شود، باطن خود را از رذیلت ها پاکیزه کرده و به فضیلت ها زیبا نماید، از حکم شرع پیروی کرده و همواره با تقوا باشد، درست همانطور که خداوند کریم می فرماید: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ» (2)؛ و نیز حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«علم به زیادی یادگیری نیست، بلکه نوری است که خداوند هر که را بخواهد هدایت کند، بر قلب او می افکند» (3). (4)

ص: 48

1- (1) و از نزد خود به او دانشی آموخته بودیم؛ کهف: 65..

2- (2) . و از خدا پروا کنید و خدا بدین گونه به شما آموزش می دهد؛ بقره: 282..

3- (3) لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ؛ بحار الانوار، ج 1، ص 224، باب 7..

4- (4) مثال ساده: معلم، هرگز اشتباه یک شاگرد مدرسه ابتدایی را در نوشتن و خواندن مرتکب نمی شود و این در سایه علم برتر اوست نه این که نیرویی او را از انجام خطا به زور حفظ کند. فهم معصومین در سایه علم لدنی آنچنان بالاست که محال است اشتباهات ما را مرتکب شوند. فاصله فهم معصومین با مردم عادی به اندازه فهم بچه یک روزه با فردی چهل سال به بالاست..

معنای عصمت: در تعریف آن می توان گفت: نیرویی است که انسان را از وقوع در خطا و انجام معصیت باز می دارد و از لغزش، دور می کند. برای همین، از بین بردن آلودگی (رجس) در آیه تطهیر به معنای عصمت تفسیر شده است. پس منظور از «وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» از بین بردن آثار آلودگی از طریق وارد کردن ضد آلودگی پس از نابودی اصل آن است. معلوم است که عقیده حق در برابر عقیده باطل قرار می گیرد، بنابراین تطهیر ایشان به معنای تجهیزشان به درک کامل حق در عقیده و عمل است که همان علم لدنی می باشد. پس منظور از اراده و خواست الهی در آیه تطهیر، اراده تشریحی نبوده است که بخواهد تکالیف را به مکلف انتقال دهد.

خلاصه این که خداوند متعال اراده کرده است که عنایتی ویژه به اهل بیت بکند به گونه ای که همواره عقیده باطل و آثار کار زشت را از ایشان برطرف نماید و توانی به آنان عطا کند که آثار آن را از بین ببرند که این همان عصمت و علم لدنی است.

### **دلیل عصمت امامان علیهم السلام از فراموشی**

س 40: دلیل عصمت امامان علیهم السلام از فراموشی و خطا چیست؟

ص: 49

ج: باسمه جلت اسمائه

این مسأله را می توان از دیدگاه عقلی قاعده «قیح نقض غرض» اثبات نمود. شخصی که از سوی خداوند به عنوان امام قرارداد شده تا مردم را هدایت کند و آیه قرآن نیز آشکارا می فرماید «وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (1)

اگر حتی در حالت ناخودآگاه و یا فراموشی مصون از خطا نباشد اعتماد مردم به او از بین رفته و از گرد او پراکنده می شوند که این نقض غرض است. بنابراین باید از فراموشی و خطا نیز معصوم باشند تا از نقض غرض، که عقلاً قبیح است، پیشگیری شود.

### راه های اثبات معصوم بودن امامان علیهم السلام

س 41: در صورتی که ما ثابت کنیم آیه تطهیر بر عصمت پنج تن اهل کساء (آل عبا علیهم السلام) دلالت می کند چگونه می توانیم ثابت کنیم که دیگر امامان علیهم السلام نیز معصوم بوده اند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

وقتی ما عصمت چهار نفر از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را با آیه کریمه قرآن ثابت کردیم معنایش این است که قول و عمل ایشان حجت است. لذا از آنجا که ایشان در چندین روایت معتبر فرموده اند عنوان اهل بیت در آیه تطهیر، بر خودشان و بر دیگر

ص: 50

---

1- (1) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند؛ انبیاء: 73..

امامان صدق می کنند، باید به فرموده ایشان توجه و عمل کرده و عنوان عصمت را به مابقی امامان علیهم السلام هم تعمیم داد؛ با این دیدگاه آنان نیز پاکیزه و معصوم از خطا هستند.

### پیشی نگرفتن معصوم علیه السلام از امر الهی

س 42: آیا معصوم علیه السلام در برخی امور می تواند علم حصولی (اکتسابی) داشته باشد؟ و آیا این علم دچار فراموشی می شود؟ یا این که تمامی علوم ایشان حضوری بوده است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در اخبار فراوان است که امام علیه السلام هیچ کاری را مگر به امر الهی، انجام نمی دهد و خداوند از او تعهد گرفته تا از امر الهی پیشی نگیرد. امامان علیهم السلام آنچه هست و خواهد بود را می دانند و هیچ چیزی بر ایشان پنهان نمی ماند. (1)

### آگاهی معصوم علیهم السلام از زمان مرگ خویش

س 43: برخی می گویند: اگر معصوم علیه السلام، عالم به غیب باشد، پس سبب

ص: 51

---

1- (1) در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که چون از علم پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت سؤال شد، فرمود: «عِلْمُ النَّبِيِّ عِلْمُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ عِلْمُ مَا كَانَ وَ عِلْمُ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ ثُمَّ قَالَ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ عِلْمَ النَّبِيِّ ص وَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ كَائِنٌ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ: علم پیامبر، علم تمام انبیاء است و علم گذشته و علم آنچه تا روز قیامت بیاید سپس فرمود: قسم به آن کسی که جانم در دست اوست من دارای علم پیامبرم و علم گذشته و علم آینده تا فاصله بین من و قیامت.» رک: بحار الانوار، ج 26، ص 111، در همان کتاب در روایت بعد آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که من آن چه را در آسمان و زمین و نیز در بهشت و آتش است می دانم و آن چه بوده و خواهد بود تا زمانی که قیامت بر پاخیزد....

فوت خود را می داند و این به معنای این است که (در موقع فوت) خودکشی می کند. پاسخ چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اشکالی ندارد که معصوم علیهم السلام اقدام به کاری کند و علم داشته باشد که همان کار سبب مرگ اوست. این کار، خودکشی به حساب نمی آید، زیرا وی اوامر الهی را انجام می دهد، به اعتبار این که شهادت او به مصلحت دین خواهد بود. بنابر این اقدام به کاری مثل جهاد که سبب مرگ او در آن نهفته است نه تنها حرام نیست بلکه واجب هم است و به هلاکت فکندن خود و خودکشی به حساب نمی آید.

### اسباب متعدد علم امام علیه السلام

س 44: آیا معصوم علیه السلام می تواند از راه گفت و شنود (با فرشته ای که از سوی خدا مأمور سخن گفتن با او شده باشد) به علم غیب دست یابد و به عبارت دیگر محدث (مورد گفتگو) باشد؟ یا اینکه آنچه می داند از تعالیم رسول خداست؟

آیا این با آیه ای که علم غیب را به خدا محدود می کند، تناقض ندارد؟ زیرا او تنها علم غیب را به هر پیامبری که بخواهد تعلیم می دهد و دیگران را از این تعلیم، برخوردار نمی سازد.

ج: باسمه جلت اسمائه

از روایات زیادی که به حد تواتر رسیده، چنین برمی آید که امامان علیهم السلام از آنچه بوده و خواهد بود آگاه اند، چیزی بر ایشان

ص: 52

پنهان نمی ماند و خدا نیز چیزی به پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نداده مگر آن که وی را مأمور کرده تا آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام تعلیم دهد.

بنابر این روشن می شود که علوم امامان علیهم السلام دارای منابع مختلف و اسباب متعدد است. (1)

### تعامل امام علیه السلام با علم غیب

س 45: امام معصوم علیه السلام با علم غیبی که خدا به او افاضه کرده چه تعاملی دارد؟ آیا طبق علم غیب خود عمل می کند؟ و یا طبق ظواهر امور عمل می کند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در امور عادی زندگی، عمل او بر اساس ظاهر است و کاری به علم غیب خود ندارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در مورد قضاوت بین مردم بر این نظریه تصریح کرده اند و می فرمایند:

«من بین شما با بینه (شهادت و اقرار) قضاوت می کنم» (2)، امامان نیز چنین اند و استثنایی در کار نیست مگر در مورد امام زمان (عج).

### تفاوت میان معصومین علیهم السلام

س 46: در میان امامان علیهم السلام نیز همانند پیامبران و رسولان، تفاوت هایی به

ص: 53

---

1- (1) در جایی که در مورد سلمان فارسی روایت داریم که محدث بوده و همین طور حضرت زهرا علیها السلام، مسلم است که امیرالمؤمنین و امامان دیگر نیز محدث بودند و جز وحی همه ارتباطات دیگر با عوالم غیب و ملائکه را داشتند..

2- (2) . البته در برخی موارد هم از علم غیب استفاده کرده اند که تشخیص موارد و مواضع به خود امام مربوط است؛ اصول کافی، ج 7، ص 614..

چشم می خورد، سبب این تفاوت بین معصومین علیهم السلام در چیست؟ سلسله مراتب تفاوت بین چهارده معصوم علیهم السلام چگونه است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

شکی نیست که جایگاه چهارده معصوم علیهم السلام از تمامی پیامبران، رسولان و فرشتگان به طور مطلق، برتر است. تفاوت مرتبه در بین معصومین علیهم السلام نیز به طور قطع تنها در مقایسه با رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، امکانپذیر است، اما نسبت به باقی معصومین علیهم السلام، بهتر آن است که خود را وارد این بحث نکنیم زیرا برای ما روشن نخواهد شد و دلایل کافی برای این نداریم.

### دلیل برتری امامت بر نبوت

س 47: من به برتری اهل بیت علیهم السلام بر تمامی خلق جهان، پیامبران و رسولان به استثنای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول مکرم اسلام که ریشه شجره طیبه اهل بیت علیهم السلام است عقیده دارم و البته دلیل من نیز حدیث شریف کساء می باشد. ولی برای اثبات برتری مقام امامت بر نبوت و رسالت، البته به جز نبوت و رسالت پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، دلیلی از قرآن می خواهم که همزمان بر برتری اهل بیت علیهم السلام بر دیگر پیامبران، رسولان و امامان به ویژه بر پیامبر خدا ابراهیم علیه السلام دلالت کند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

دلیل برتری امامت بر نبوت سخن خدا در قرآن است که فرمود:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

ص: 54



إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»(1).

این آیه دلالت دارد بر این که خداوند مقام امامت را در حالی به ابراهیم واگذار کرد که وی پیامبر بود.

این آیه نشان می دهد که مقام امامت از مقام نبوت و رسالت بالاتر است.

با ثابت شدن این امامت برای ذریه ابراهیم علیه السلام یعنی معصومین، برتری ایشان بر دیگر انبیاء نیز اثبات می شود.

اما در مورد برتری ایشان بر حضرت ابراهیم باید گفت: روایات زیادی داریم که بر افضلیت امامان علیهم السلام بر ابراهیم علیه السلام دلالت می کند، برخی با اثبات مستقیم و برخی با اثبات ضمنی.

برای نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «ای علی، خداوند تبارک و تعالی پیامبرانش را بر فرشتگان مقرب، برتری داد و مرا بر همه پیامبران و رسولان. ای علی، این برتری، بعد از من از آن تو و ائمه پس از توست و فرشتگان، خدمتگذاران ما هستند»(2).

### سیمای تابناک اهل بیت علیهم السلام

س 48: آیا واجب است که معصوم حتی از جهت قیافه و جسم زیباترین

ص: 55

1- (1) و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی همه را به انجام رسانید خدا به او فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.

ابراهیم پرسید: از دودمانم چطور؟ فرمود: پیمان من به بیدادگران نمی رسد؛ بقره: 124..

2- (2) يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُؤْمَسِّمِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِأَئِمَّتِهِ مِنْ بَعْدِكَ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا؛ بحار الانوار، ج 11، ص 139، باب 2، ح 6..

فرد در زمان خود باشد؟ و یا همین که جسم او سالم بوده و عیوب بارز و مشخص نداشته باشد کافی است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

دلیل عقلی ای که وجود دارد این است که امام نباید معایب جسمی مشخص داشته باشد تا موجب نشود مردم از او پرهیز کرده و دور شوند. درباره این که حتما باید زیباترین فرد در چهره و اندام باشد، دلیل عقلی نداریم ولی دلایل نقلی اشاره به این دارند که اهل بیت علیهم السلام دارای چهره زیبا، سیمای تابناک، صورتی درخشانده و نیز افرادی با هیبت و متانت و بزرگواری بوده اند، در حالی که دیگر افراد هیچ کدام چنین نبوده اند.

### ارتباط معصومین علیهم السلام با افلاک

س 49: آیا معصومین علیهم السلام ارتباطی با افلاک و کرات آسمانی و ستارگان دارند؟ چگونه؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از برخی روایات بر می آید که ارتباطی بوده، برای نمونه روایتی هست که می گوید: امام صادق علیه السلام از مردی یمنی پرسید:

«شما در علم نجوم خود زحل را چه تعبیر می کنید؟»

مرد یمنی گفت: «ستاره ای بد یمن و نحس است».

امام صادق علیه السلام در جوابش فرمود: «چنین مگو، آن (زحل) ستاره امیرالمؤمنین و ستاره جانشینان و اوصیاء است».<sup>(1)</sup>

ص: 56

با این همه، چگونگی ارتباط بین مثلا این ستاره و معصومین علیهم السلام برای ما روشن نشده است.

## مادران اهل بیت علیهم السلام

س 50: آیا مادران ائمه علیهم السلام ویژگی خاصی نسبت به دیگر زنان داشته اند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از روایاتی که درباره معصومین علیهم السلام نقل شده استفاده می شود که مادرانشان دارای شخصیتی جلیل القدر بوده اند و با نقل یک روایت برخی از ویژگی های شخصیتی و مشترک ایشان روشن می گردد. امام هادی علیه السلام می فرماید: «مادرم به حق من معرفت داشت، او از اهل بهشت خواهد بود، هیچ شیطان سرکشی به او نزدیک نمی شود. حيله ستمگری به او نمی رسد، دیدگان بیدار خداوند نگهبان اوست و با مادران صدیقین و صالحین تفاوتی ندارد (مانند آنان دارای فضائل است)»<sup>(1)</sup>

می بینیم ذیل این روایت بیانگر آن است که مادر گرامی ایشان هم چون مادران امامان دیگر در خصال نیکو و فضایل، بی همانند می باشد.

## مفهوم «معصومین علیهم السلام اثر صنع خداوند»

س 51: در روایتی از ائمه معصومین علیهم السلام آمده است: «نحن صنایع الله

ص: 57

---

1- (1) اُمّی عارِفَه بِحَقّی، وَهِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يَقْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ، وَلَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَهِيَ مَكْلُوءَةٌ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ لَا تَخْتَلِفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصِّدِّيقِينَ وَ الصَّالِحِينَ؛ دلائل الامامه، ص 410، ح 369..

والخلق بعد صنایعنا (صنایع لنا)»(1). مفهوم این روایت چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

چکیده مضمون روایت فوق این است که: خداوند سبحان، نعمت وجود را بی هیچ واسطه‌ای به معصومین علیهم السلام هدیه داد و از همین رو می‌توان گفت که معصومین علیهم السلام، اثر صنع خدا هستند. این در حالی است که خدای متعال، سایر مردم را به واسطه ائمه علیهم السلام از نعمت وجود برخوردار ساخت و بر این اساس، مردم در وجود خود، متکی به این بزرگواران هستند.

### معصومین علیهم السلام شاهد خلقت

س 52: در روایت شریفی آمده است: «آنگاه همه چیز را آفرید و معصومین علیهم السلام را شاهد خلقت آنها قرار داد»(2).

معصومین علیهم السلام چگونه شاهد خلقت آسمان‌ها و زمین بودند و آیا این امر را می‌توان نوعی تفویض، تلقی کرد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

شاهد قرار دادن با تفویض، تفاوتی آشکار دارد چرا که شاهد قرار دادن به معنای اطلاع از آفرینش اشیاست اما تفویض مورد تأیید شیعه بدین معناست که: خداوند، اختیارات مورد نیاز در سرپرستی دین و جانشینی خود در زمین را به معصومین علیهم السلام واگذار نماید.

ص: 58

---

1- (1) الاحتجاج، شیخ طبرسی، ج 2، ص 466..

2- (2) ثم خلق جميع الأشياء، فأشهدهم خلقها؛ بحار الانوار، ج 54، ص 195..

## فصل دوم: خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

ص: 59



## هدف از بعثت

س 53: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از احادیث خود به صراحت می فرماید:

«من، تنها برای تکمیل مکارم اخلاق، مبعوث شده ام» (1)، آیا تنها مأموریت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این بود که مکارم اخلاق را به تکامل برساند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

این حدیث تنها در صدد بیان اهمیت اخلاق و ابراز ناخشنودی از رذایل اخلاقی است و به دنبال منحصر کردن دین بر اخلاق نیست.

زیرا بر اساس دیدگاه علمای بلاغت، حصر موجود در این روایت نه یک حصر حقیقی که یک حصر اضافی است.

بر این اساس معنای روشن حدیث مذکور این است که بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با هدف تکمیل فضایل اخلاقی در مقابله با کنار نهادن و به حاشیه راندن اخلاق، صورت پذیرفته است.

## قرآن، ثقل اکبر است یا اهل بیت علیهم السلام

س 54: مقصود از عبارت موجود در حدیث ثقلین که «قرآن از

ص: 61

---

1- (1). إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ بحار الانوار، ج 16، ص 210؛ مکارم الاخلاق، طبرسی، ص 8..

اهل بیت علیهم السلام بزرگ تر است» چیست؟ و آیا بزرگ تر بودن، مستلزم برتر بودن نیز هست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

مقصود از قرآنی که ثقل اکبر نامیده می شود، سخن خدای تعالی است که در لوح محفوظ قرار دارد، اما آیاتی که هم اکنون در اختیار ماست در واقع سایه قرآن موجود در لوح محفوظ به شمار می رود.

بی تردید ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان کتاب ناطق خداوند، از کتاب صامتی که در اختیار ماست، بزرگ تر و برترند و شناخت هیچ چیز چه قرآن کریم و چه سایر مسائل، جز به واسطه آنها میسر نمی شود. بنابراین هر چند که اهل بیت علیهم السلام در مقایسه با کلام خدای تعالی، از موقعیت پایین تری برخوردارند اما به جهت تبیین کلام خدا، جایگاه والاتری از قرآن موجود دارند. (1)

### ثقل اکبر و ثقل اصغر

س 55: حدیث ثقلین، قرآن را به عنوان ثقل اکبر و اهل بیت علیهم السلام را به عنوان ثقل اصغر، معرفی می کند، مقصود از ثقل اکبر چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

حدیث ثقلین به قرآن موجود اشاره نمی کند، بلکه در صد

ص: 62

---

1- (1) البته در روایتی نیز آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی افضل من کتاب الله لانه مترجم لکم» علی از کتاب خدا برتر است چون او مترجم کتاب خدا برای شماست؛ ارشاد القلوب دیلمی، ج 2، ص 378؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 29..



معرفی قرآنی است که تجلّی صفت فعلی و نه ذاتی خداوند بوده و قرآن کنونی، سایه آن به شمار می رود. بنابراین قرآنی که صفت فعلی خداوند است بی تردید، ثقل اکبر محسوب می شود.

### ثقل اکبر، کتاب خدا یا اهل بیت علیهم السلام؟

س 56: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: «من در میان شما دو چیز گرانتقدیر باقی می گذارم: کتاب خدا و اهل بیت، که یکی از دیگری بزرگ تر است»<sup>(1)</sup>، ثقل اکبر، کتاب خداست یا اهل بیت علیهم السلام؟

ج: باسمه جلت اسمانه

تردیدی نیست که اصل حدیث ثقلین، متواتر بوده و به طور قطع از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، اما این بدان معنا نیست که برخی ضمیمه های موجود در تعدادی از طرق این روایت هم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

عبارت پایانی پرسش شما از همین دسته است، زیرا این عبارت از یک سو، در همه طرق حدیث ثقلین نیامده و نمی توان تواتر آن را پذیرفت و از سوی دیگر از طرق معتبری روایت نشده و نمی توان بدان استناد نمود، بلکه سند هیچ یک از طرق آن، خالی از اشکال نیست و با عبارات وارده در سایر طرق حدیث ثقلین هم تعارض دارد.

به عنوان مثال در ارشادالقلوب دیلمی، این روایت معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: «من در میان شما دو چیز گران بها باقی می گذارم: یکی کتاب خدا و دیگری علی ابن

ص: 63

---

1- (1) إتی تارک فیکم الثقلین أحدهما أعظم من الآخر؛ بحارالانوار، ج 10، ص 369، ح. 18.

ابی طالب علیه السلام که علی ابن ابی طالب علیه السلام برای شما از کتاب خدا، برتر است»(1). از برخی روایات چنین بر می آید که بزرگان صحابه، این موضوع مطرح شده در حدیث دیلمی را نیک می دانستند، اما جاعلان حدیث، به دستکاری آن پرداختند.

برای اثبات این مطلب، همین بس که شخصی به ابن عباس گفت: چه دیدگاهی درباره علی ابن ابی طالب علیه السلام داری؟ پاسخ داد: به خدا سوگند که نام ثقل اکبر و نخستین مسلمانی را به زبان آوردی که به سوی هر دو قبله نماز گزارد، دوبار بیعت کرد و...

ملاحظه می کنید که وی امیرالمؤمنین علیه السلام را «ثقل اکبر» می داند و این بدان معناست که صحابه، ثقل اکبر بودن اهل بیت علیهم السلام را به روشنی دریافته بودند.

### عدم شمول سادات در زمره آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

س 57: آیا در احادیث و روایات از معصومین علیهم السلام درباره صلوات، بیان شده است که آل محمد، فقط شامل حضرت زهرا علیها السلام امامان معصوم علیهم السلام است یا شامل سادات نیز می شود؟

ج: باسمه جلت اسمانه

آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا علیها السلام وائمه معصومین علیهم السلام می باشند و شامل سادات نیست.

ص: 64

---

1- (1). ائی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعلی ابن ابی طالب علیه السلام، وعلی ابن ابی طالب أفضل لکم من کتاب الله؛ ارشادالقلوب دیلمی، ج 2، ص 378؛ مائه منقبه، ص 161، منقبه 86..

## بیان عظمت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

س 58: در حدیثی آمده است: «خدای تعالی هم چنان یکتا بود، آنگاه محمد، علی و فاطمه را آفرید و آنان هزار روزگار زیستند، آنگاه خداوند همه موجودات را آفرید و این سه تن را شاهد خلقت آنان قرار داد. اطاعت آنها را بر همه موجودات واجب کرد و امور مربوط به موجودات را به آنان واگذار نمود، از این رو محمد، علی و فاطمه آنچه را بخواهند حلال و آنچه را بخواهند حرام می کنند، اما هرگز قادر نیستند بدون اراده خداوند، چیزی را اراده نمایند»(1).

آیا این حدیث، ولایت شرعی معصومین علیهم السلام را به اثبات می رساند؟ چگونه می توان این حدیث را با حدیث مشهور «حلال محمد تا روز قیامت، حلال و حرام او تا روز قیامت، حرام می باشد»(2) تطبیق داد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

مقصود از تقویض و واگذاری در حدیث نخست این نیست که معصومین علیهم السلام بر پایه دیدگاه های خود، چیزی را تشریح می کنند بلکه مقصود این است که آنان به واسطه مسؤلیت تشریح، در پی تبلیغ و اجرای قوانینی بر می آیند که

ص: 65

---

1- (1) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزَلْ مَتَفَرِّدًا بُوْحْدَانِيَّتِهِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ، فَمَكْتُوَا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا، وَأَجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا، وَفَوَّضَ أُمُورَهَا إِلَيْهِمْ، فَهَمَّ يَحْلُونَ مَا يَشَاؤُونَ، وَيَحْرَمُونَ مَا يَشَاؤُونَ، وَلَنْ يَشَاؤُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ بحار الانوار، ج 54، ص 195..

2- (2) حلال محمد حلال إلى يوم القيامة، وحرام محمد حرام إلى يوم القيامة؛ اصول کافی، ج 1، ص 58..

خدای سبحان وضع کرده است چنانکه در پایان حدیث نخست این عبارت صریح را مشاهده می‌کنیم که: «ولن یشاؤوا إلا أن یشاء الله تبارک و تعالی».

با توضیحات فوق، مشخص می‌شود که این دو حدیث، هیچ تعارضی با هم ندارند.

### اهل بیت علیهم السلام در مباحله

ج: باسمه جلت اسمائه

س 59: در داستان مباحله (1) می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام و همسر و دو فرزندش فرمود تا بیایند و چنین فرمود:

«إِذَا دَعَوْتُ فَأَمَّنُوا»

هنگامی که دعا کردم شما هم آمین بگویید.

برخی علما گفته‌اند معنی این فرمایش این است که من، که خاتم النبیین هستم باید دعا کنم لکن شرط استجاب، نفس روحانی و معنوی فاطمه زهرا علیها السلام است و «آمین» این بانو شرط اجابت دعا نزد خدا می‌باشد.

زیرا اگر مقتضای اجابت، فراهم باشد ولی شرط فراهم نباشد استجاب محال است.

بنابراین در مقام مباحله پیامبر صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران، قطعاً پیامبر صلی الله علیه و آله می‌بایست دست به آسمان بالا برده ولی به همراه آن، چهار دست دیگر لازم بود تا دعایش مستجاب گردد و مطلوب محقق شود. نظر شما در این باره چیست؟

ص: 66

---

1- (1). برای مطالعه این داستان به بحارالانوار ج 21، ص 343 یا کشف الغمه، ج 1، ص 234 یا ترجمه همین کتاب، ج 1، ص 313 مراجعه کنید...

ج: باسمه جلت اسمائه

احتمال دارد که چنین باشد، ولی قطعی نیست. کاری که پیغمبر صلی الله علیه و آله کرد برای این بود که در درجه اول به حال خود یقین و اطمینان داشت و دیگر، باور داشت که گفتارش راست و درست است.

زیرا آوردن عزیزترین افراد و پاره های جگرش و محبوب ترین مردم برای مباحله، تأکید بر این دارد که اعتماد کامل به راستی و درستی ادعای خود و دروغ و نادرست بودن ادعای دشمن خود داشت تا با این حرکت و با حضور بهترین افرادش خصم خود را به استیصال و هلاکت برساند؛ البته در صورتی که مباحله برگزار می شد.

### اسماء الله الحسنی

س 60: نظر حضرت تعالی در این باره که صفات ظاهری تمامی نام های نیکوی خداوندی (اسماء الله الحسنی) به جز «الله» در وجود مبارک پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام هویدا می گردد چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از امیرالمؤمنین نقل شده که فرمودند: «ما همان اسمائی هستیم که اگر خدا را با آن بخوانی اجابت می کند»<sup>(1)</sup> و از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده که فرمود: «ما همان اسمائی هستیم که

ص: 67

---

1- (1). نَحْنُ الْأَسْمَاءُ الْحَسَنَى الَّتِي إِذَا سُئِلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا أَجَابَ؛ بحار الانوار، ج 27، ص 39..

خداوند عملی را از بندگان نمی پذیرد مگر با معرفت ما»(1).

می توان گفت که مضمون سؤال شما به میزان فراوانی در روایات معصومین علیهم السلام گفته شده است.

### برترین خلائق

س 61: آیا پیش از حضرت آدم، بشر دیگری در کره زمین و یا کرات دیگر بوده است؟ اگر بوده، آیا آنها نیز امامانی همچون اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله داشته اند؟ و اگر داشته اند، آیا آنان برتر بودند یا امامان ما؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از روایات و اخبار چنین برمی آید که پیش از حضرت آدم، بشر بوده است و به اقتضای قاعده لطف الهی لزوماً پیامبر و امام هم داشته اند هر چند که ما اطلاع کافی درباره آنها نداریم؛ ولی چیزی که حتمی بوده و شکی در آن نیست این است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم ما علیهم السلام از آغاز تا پایان هستی، برترین خلائق اند.

### صدور برخی از احکام شرعی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

س 62: در روایات چنین آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقدام به صدور برخی احکام شرعی نمود، مثل اضافه کردن دو رکعت به هر نماز واجب و اعلام نماز نافله و روزه ماه شعبان به صورت مستحبی؛ آیا برای اهل بیت علیهم السلام نیز صدور چنین احکامی اثبات شده است؟

ص: 68

---

1- (1). نَحْنُ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحَسَنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا؛ اصول کافی، ج 1، ص 143..

پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خودش چیزی را تشریح نکرد، بلکه از معیارهای احکام دین آگاه شد و سپس از خدا اذن خواست تا برخی احکام را بر طبق آن ملاک ها تشریح کند و گرنه تشریح کننده اصلی خداست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمامی احکام شرعیه را که بر او نازل شده بود، برای مردم و در زمان خودش تبیین کرد. از طرفی در قرآن کریم می خوانیم: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (1)، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند علم به احکام شرع را در نزد معصومین علیهم السلام به ودیعه نهاد و ایشان نیز آنچه را که در هر زمانی لازم بود، اظهار می داشتند.

### حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش نزد خداوند متعال

س 63: در بیشتر اوقات هنگامی که فردی بخواهد دعا کند و حاجت بطلبد چنین می گوید: «خدایا به حق محمد و آل محمد چنین و چنان کن»، پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او چه حقوقی نزد خداوند متعال دارند که ما خدا را به آن سوگند می دهیم؟

منظور از حق، چیزی است که اثبات شده و خداوند متعال نیز مسائلی را در قبال محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش بر خود قطعی کرده تا ایشان را گرامی بدارد و لذا تعبیر به حقوق درست است. از جمله امام باقر علیه السلام یک سخن قدسی از قول پروردگار می گوید

که چنین است: «من چیزی را بر خودم قطعی و حتمی کردم و آن این است که اگر بنده ای مرا به حق محمد و آل محمد سوگند دهد آنچه را که بین من و اوست ببخشم.»<sup>(1)</sup> دعا کننده نیز برای رسیدن به خدا به چنین حقی توسل می جوید.

### جانشینی حضرت علی علیه السلام به امر الهی

س 64: اگر گفته می شود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طبق حدیث و غیره شخصی را برای جانشینی خود انتخاب کرد آیا گفته و عمل آن حضرت بدون اذن پروردگار و ثبت در کتاب آسمانی مجاز بوده؟ اگر جواب مثبت است آدرس قرآنی را بفرمایید؟

شیعیان معتقدند حضرت علی علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است و دیگران حق او را غصب کردند؛ خلاصه اگر پیامبر صلی الله علیه و آله ما نیاز به جانشین داشت خداوند خود مشخص و به مردم معرفی می کرد، حال که خداوند تعیین نکرده، آیا مردم از خداوند بهتر می فهمند کسی جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

آیات کریمه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...»<sup>(2)</sup> و «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ»<sup>(3)</sup> و آیات دیگر که در کتب عقاید به آنها اشاره شده

ص: 70

- 
- 1- (1) . «لِكِنَّةٍ حَتْمٌ حَتْمُهُ عَلَى نَفْسِي، لَا يَسْتَأْنِي عَبْدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ إِلَّا غَفَرْتُ لَهُ مَا كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ» امالی، طوسی، ص 675، مجلس هفتم [37]..
  - 2- (2) . مائده: 55..
  - 3- (3) . مائده: 67..



است، دالّ بر این است که جانشینی حضرت علی علیه السلام به امر الهی بوده است.

### اصالت عدم سهو النبی

س 65: آیا امروزه شیعه نظریات درباره سهو النبی (1) را قبول دارد یا آن را ضعیف می داند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اصالت عدم سهو النبی صلی الله علیه و آله و سلم از مسلّمات شیعه می باشد و روایات وارده هم دو قسم است؛ یک قسم ضعیف السند و دیگری معتبر؛ قسم اول که جوایش ظاهر است و قسم دوم به چند دلیل مردود است: 1. آیات و روایات معارضه که صحیح السند هم می باشند؛ 2. ادله عقلیه در امتناع سهو بر آن حضرت؛ 3. موافق با تقیه بودن.

### درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند جهت تعیین جانشین

س 66: آیا پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند درخواست تعیین جانشین کرده است یا خیر؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اخبار زیادی دال بر درخواست حضرت از خدای تعالی است.

### عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله از جمیع جهات

س 67: آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عصمت نسبی داشته اند یا مطلق؟ سایر پیامبران چطور؟

ص: 71

ج: باسمه جلت اسمائه

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، عصمت از جمیع جهات داشتند نه تنها عصمت تلقی وحی، عصمت بیان احکام، عصمت عمل به وظائف شرعیه بلکه نسبت به خطا در امور عادی نیز معصوم بوده اند.

انبیای غیر اولی العزم چنین نبودند، به عقیده من انبیای اولی العزم هم مانند پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند.

### فرستادن صلوات ناقص بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

س 68: صلوات بر پیامبر فرستادن به صورت ناقص و عدم ذکر خاندان (آل) چه حکمی دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده که فرمود: «هرکس بر من درود بفرستد ولی بر خاندان من درود نفرستد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد»<sup>(1)</sup>.

روایتی نیز به همین مضمون در منابع اهل سنت به مقدار زیاد نقل شده مبنی بر اینکه:

رسول خدا فرمود: صلوات بتراء (ناقص) بر من نفرستید، پرسیدند صلوات بتراء چیست؟ فرمود: چنین بگویند که خدایا صلوات بفرست بر محمد و ادامه ندهید، بلکه بگویند خدایا صلوات بفرست بر محمد و بر خاندان محمد»<sup>(2)</sup>.

ص: 72

---

1- (1) «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ أَلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ امالی، شیخ صدوق، ص 267، مجلس 36، ح 12..  
2- (2) «لَا تَصَلُّوا عَلَيَّ الصَّلَاةَ الْبُتْرَاءَ. قَالُوا: وَمَا الصَّلَاةُ الْبُتْرَاءُ؟ قَالَ: تَقُولُونَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَتُؤْمِسُونَ، بَلْ قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَعَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ صواعق المحرقة، ص 87. فصل آیات، آیه دوم؛ تاریخ اصفهان (اصفهان)، ابونعیم، ج 1، ص 131، در بحث «الصلاة على النبي»؛ ینابیع الموده، ج 7، ص 295، و نیز شهید سید تستری مرعشی در کتاب احقاق الحق از گروهی از اهل سنت این را نقل کرده جلد 9 صفحه 336..

س 69: از امام صادق علیه السلام درباره معنی صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او سؤال شد، چنین پاسخ دادند که این گونه صلوات فرستادن، اعتراف به ولایت است. بین صلوات فرستادن بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او با ولایت چه ارتباطی وجود دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد عبارت است از درخواست از پروردگار متعال تا بر درود فرستنده نیز رحمت آرد و نیز عبارت است از درخواست تقرب به وسیله محمد و خاندانش به خدا، همانگونه که در روایت صحیح صفوان از امام رضا علیه السلام آمده است. اما اگر این دعا و درخواست بدون فهم معنای صلوات صورت گیرد، ممکن است گوینده صلوات حتی دشمن اهل بیت علیهم السلام باشد و نادانسته و بدون توجه به معنای آن بر اهل بیت نیز صلوات بفرستد؛ ولی صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد با توجه به معنای مذکور و اخلاص در دعا تنها از کسی صادر می شود که به منزلت ایشان اقرار داشته، ایشان را دوست بدارد و از آنها پیروی کند.

ص: 73

## پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زبان قرآن

س 70: صفات پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن مجید کدام اند؟ و چرا خداوند متعال او را محمد نامید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

بیان صفات پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن، در این مختصر نمی گنجد ولی به یک آیه اکتفا می کنیم: خداوند متعال می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (1) نام او که محمد است در لغت عربی به کسی گفته می شود که دارای مَحَامِد باشد، مَحَامِد جمع مَحَمَدَه است و محمده یعنی کار ستایش برانگیز، و محمَد به معنای ستوده و پسندیده است، چون که دارای صفات نیکو و ستودنی است. در گفتار و کردار و وجود مبارکش چیزی نبود جز آن که ستودنی و ستایش برانگیز بود به گونه ای که در هیچ کردار و گفتاری نمی توان او را مذمت و سرزنش کرد. (2)

## سجده ملائکه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

س 71: برخی از عرفا چنین گفته اند: «آنکه فرشتگان بر او سجده کردند کسی بود که پس از خلقت اش به مرحله انسانیت کامل رسید، خداوند روح را در او دمید و چنین فرمود: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (3)، این مقام از آن گرامی ترین و بزرگ ترین

ص: 74

1- (1). و راستی که تو را خوی والاست؛ قلم: 4..

2- (2) برخی دیگر، از اسماء و صفات پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن چنین است: محمد، احمد، رئوف، رحیم، صاحب اخلاق بزرگ، رسول الله، طه، یس، و....

3- (3). پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده درافتید؛ حجر: 29..

مخلوق الهی یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

بر این اساس چگونه می توان سجده ملائکه در برابر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با سجده آنان در برابر آدم علیه السلام تطبیق داد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

این گفتار منسوب به بیانات اهل بیت علیهم السلام بوده و در تعدادی از روایات آمده است؛ از جمله روایتی از امام سجاد علیه السلام بنا به نقل از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: هنگامی که آدم دید نوری از وجودش دارای درخشش است - زیرا خداوند ارواح ما را از بالای عرش به کمر آدم انتقال داده بود نور را دید ولی اشباح برایش هویدا نبود - گفت: پروردگارا! این نورها کیانند؟

خداوند گفت: این نورها ارواحی هستند که از بهترین جایگاه های عرش خودم به کمر تو منتقل کردم و برای همین است که به ملائکه امر کردم تا بر تو سجده کنند، زیرا ظرفی برای آن ارواح شده ای (1).

### خلقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از مخلوقات

س 72: برخی از فضلا چنین گفته اند که خلقت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پیش از همه و اول از همه بوده است و استدلال کرده اند به این آیه شریفه که:

ص: 75

---

1- (1) «أَنَّ آدَمَ لَمَّا رَأَى النُّورَ سَاطِعاً مِنْ صُلْبِهِ إِذْ كَانَ اللَّهُ قَدْ نَقَلَ أَشْبَاحَنَا مِنْ ذُرْوَةِ الْعَرْشِ إِلَى ظَهْرِهِ رَأَى النُّورَ وَلَمْ يَتَّبِعِ الْأَشْبَاحَ، فَقَالَ: يَا رَبِّ مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ؟ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَنْوَارُ أَشْبَاحِ نَقَلْتَهُمْ مِنْ أَشْرَفِ بَقَاعِ عَرْشِي إِلَى ظَهْرِكَ، وَلِذَلِكَ أَمَرْتُ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَكَ؛ إِذْ كُنْتَ وَعَاءً لَتَلِكِ الْأَشْبَاحِ»؛ بحار الانوار، ج 11، ص 150..

«قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَآدُ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ» (1)؛ بر اساس دیدگاه این فضلا این آیه نشان می دهد که خلقت محمد صلی الله علیه و آله پیش از همه بوده گرچه از نظر زمانی خاتم پیامبران شده است ولی من به جهت بی اطلاعی نمی توانم بفهمم منظورشان از این استدلال لطیف چیست؟ از شما کمک می طلبم تا این مسأله را برایم به طور مفصل تبیین کنید.

ج: باسمه جلت اسمائه

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که: «ما پیش از همه، خلق شدیم، و پیش از همه خدا را عبادت کردیم و تسبیح گفتیم، ما بودیم که سبب خلقت دیگران شدیم و حتی سبب شدیم تا دیگران تسبیح خداوند گویند و او را عبادت کنند، به وسیله ما خدا شناخته شد، به وسیله ما خلائق، خدا را یگانه دانستند و به وسیله ما خداوند پرستش شد» (2) و این آیه را تلاوت فرمود:

«قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَآدُ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ»؛ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله اول از همه خدا را عبادت می کرد و پیش از همه، وجود فرزند و شریک را برای خدا انکار کرد.»

البته می توان نوعی ملازمت و همراهی را بین نبود فرزند برای خدا و وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که نخستین موجودات است، در نظر گرفت و چنین گفت: اگر خدا فرزند داشت که محال است و

ص: 76

- 
- 1- (1) . بگو اگر برای خدای رحمان، فرزندی بود خود من نخستین پرستندگان بودم؛ زخرف: 81..
  - 2- (2) . فتحن أول خلق الله، وأول خلق عبد الله وسبحه، ونحن سبب خلق الخلق، وسبب تسبيحهم وعبادتهم، فبنا عرف الله، وبنا وحد الله، وبنا عبد الله؛ بحار الانوار، ج 31..

چنین نبوده و نخواهد شد پس وجود او دائمی بوده است. در حالی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر اساس روایت اسحاق ابن عمار، چنین می فرماید: اگر خداوند فرزندی داشت من اولین عابد بودم یعنی او را اطاعت می کردم، نتیجه این که وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نخستین موجودات است و گرنه اولین بودن (در عالم دنیا و ظاهر) در عبادت و اطاعت بر او صدق نمی کند.

### حقیقت محمدیه

س 73: آیا منظور از تعبیر حقیقت محمدیه غیر از وجود محمدی است، به اعتبار این که حقیقت محمدیه، آفرینش نور محض بوده و آفرینش پیامبر صلی الله علیه و آله در این جهان به صورت یک وجود بشری است؟ و آیا آیه ذیل به پاسخ پرسش من ارتباطی دارد: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلِيسُونَ» (1)؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است که:

«خداوند هنگامی که اراده کرد محمد صلی الله علیه و آله را از آن (نور) بیافریند آن نور را دو قسم کرد، از قسمت اول محمد صلی الله علیه و آله را آفرید و از قسمت دیگر علی ابن ابی طالب علیه السلام را و از آن نور کسی دیگر را نیافرید... هیچ یک از این دو بدون دیگری برقرار نمی شود، چهره و ظاهرشان بشری بوده و درون و باطنشان لاهوتی

ص: 77

---

1- (1) و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم حتماً وی را به صورت مردی در می آوردیم و امر را هم چنان بر آنان مشتبه می ساختیم؛ انعام: 9..

(خدایی) است، با اندام ناسوتی (انسانی) برای خلق (آدمیان) ظاهر شدند تا مردم بتوانند دیدارشان را تحمل کنند و این معنی قول خداوند است که فرمود: «وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ»<sup>(1)</sup>.

از این روایت چنین استفاده می شود که: ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله در این عالم با وجود نوری اش تفاوت دارد، زیرا سنخ و نوع آن وجود نوری نمی تواند با سنخ و نوع این دنیای مادی تناسب داشته باشد؛ بنابراین معرفی وجود نوری وی با تعبیر حقیقت محمدیه و نیز معرفی وجود دنیایی اش با تعبیر وجود محمدی، صرف اصطلاحات بوده و در متون شرعی نیامده است.

### عایشه و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

س 74: اگر از سوی پروردگار به وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می شده، پس چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله نتوانست همسرش عایشه را کشف کند؟ اگر عایشه در این حد از بدی رفتار و کردار بود پس چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد، در حق او خوبی نمود و او را محترم داشت؟

ج: باسمه جلت اسمائه

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در امور عادی و طبیعی، بر اساس علم

ص: 78

---

1- (1) فلما أراد أن يخلق محمداً منه، قسم ذلك النور شطرين، فخلق من الشطر الأول محمداً، ومن الشطر الآخر علي بن أبي طالب عليهما السلام، ولم يخلق من ذلك النور غيرهما.. لا يقوم واحدٌ بغير صاحبه، ظاهرهما بشريّة وباطنهما لاهوتيّة، ظهرا للخلق على هياكل الناسوتية حتى يطيقوا رؤيتهما، وهو قوله تعالى: (وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ)؛ عبقات الانوار، ج 4، ص 121..



غیب خود عمل نمی کرد، بلکه تکلیف داشت تا بر اساس علم عادی و زندگی ظاهری عمل کند، همان طور که ازدواج او با برخی بانوان بر اساس برخی حکمت ها و مصلحت ها بوده که ما توانسته ایم به برخی پی ببریم و چه بسا برخی هنوز برایمان روشن نشده است.

### دلیل وصلت پیامبر صلی الله علیه و آله با خاندان ابوبکر و عمر

س 75: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با ابوبکر و عمر وصلت کرد در حالی که می دانست پس از فوتش چه خواهند کرد؟ و آیا چیزی درباره آنها گفته است یا نه؟ و آیا هر دو از «عشره مبشره»<sup>(1)</sup> به بهشت هستند؟

ج: باسمه جلت اسمانه

پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور نبود تا به علم غیبی خود عمل کند، بلکه مأمور بود تا بر اساس موازین طبیعی و ظاهری عمل نماید، همان گونه که امامان معصوم علیهم السلام نیز چنین بوده اند.

درباره روایت عشره مبشره نیز باید گفت که؛ این روایت، هم در سند و هم در دلالت، ضعیف است و علامه امینی در کتاب ارزنده خود الغدیر به حدّ کافی درباره آن توضیح داده و می توانید به «جلد دهم» کتاب «الغدیر» یا ترجمه آن مراجعه کنید.

ص: 79

---

1- (1) اهل سنت روایتی را نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله به ده نفر وعده بهشت داده که آنها به عشره مبشره معروف شدند، ولی محققان شیعه بر سندیت این روایت و نیز محتوا و دلالت آن اشکال و ایراد وارد کرده اند و آن را نپذیرفته اند..

س 76: برخی می گویند: منظور از عبس در آیه «عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى» (1) رسول الله بوده، آیا این درست است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

به چند جهت ممکن نیست بگوییم منظور از کسی که عبوسی کرد (روی ترش کرد) پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام بود:

استفاده از صیغه غایب عَبَسَ به منزله عدول از صیغه مخاطب یعنی «عَبَسْتَ» است به معنای «تو روی ترش کردی» که حاضر و مخاطب است ولی:

1. خداوند متعال صیغه عَبَسَ را به کار برده که غایب است و در علم بلاغت عرب، قاعده است که اگر فردی حاضر است ولی با صیغه غایب و نه مخاطب درباره او سخن گفته شود به معنای تحقیر است. آیا می توان تصور کرد که خداوند متعال نسبت به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چنین کند؟!

2. هریک از آیات شریفه قرآن دلالت بر دیگری دارد (و سیاق قرآن چنین است) و می بینیم که در یکی از آیات قرآن مجید آمده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (2).

ص: 80

---

1- (1) چهره در هم کشید و روی گرداند که آن مرد نابینا پیش او آمد: عبس: 1..

2- (2) پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند، پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه؛ آل عمران: 159..

همین آیه آشکارا دلالت بر این دارد که «عابس» در «عَبَسَ وَ تَوَلَّى» نمی تواند رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد زیرا با آیه «فبما رحمه» که بیانگر دوری پیامبر از ترش رویی است، منافات پیدا می کند.

3. ما روایات متعددی داریم که مردی از بنی امیه را به عنوان مصداق عابس معرفی می کنند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «این آیه درباره مردی از بنی امیه نازل شد که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در این لحظه ابن ام مکتوم نزد او آمد اما وی وقتی او را دید ناراحت شد، روی ترش کرد، روی برگرداند، خود را جمع کرد و از او حذر نمود. خداوند نیز درباره او سخن گفت و کارش را محکوم کرد.»(1).

### افضلیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینانش

س 77: حضرت ابراهیم پیامبر خدا دو مقام نبوت و امامت را به دست آورد، آیا پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز به این دو دست یافت؟ و آیا درست است که بگوییم هر کس به این مقام برسد افضل از دیگران است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دارای دو مقام نبوت و امامت است قطعی بوده و بدون تردید چنین است؛ زیرا او شریف ترین خلق

ص: 81

---

1- (1) نزلت فی رجل من بنی امیّه، کان عند النبی صلی الله علیه و آله و سلم فجاءه ابن امّ مکتوم، فلما رآه تقدّر منه، وعبس، وجمع نفسه، وأعرض بوجهه عنه، فحكى الله سبحانه ذلك، وأنكره عليه؛ مجمع البيان، طبرسی، ج 10، ص 664..

و سرور رسولان بوده، تمامی مقامات پیامبران را در خود دارد و بلکه بالاتر از ایشان است. این مرتبه را خداوند متعال به ایشان و جانشینان طاهرش داده است چنانکه در زیارت جامعه چنین می خوانیم: «دارای رتبه ای هستند که هیچ یک از عالمیان آن را ندارند»<sup>(1)</sup>.

### متدین بودن اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله

س 78: چه دلیل نقلی وجود دارد که تعیین کند اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متدین به دین مسیحیت بوده اند در حالی که بیشتر محققین می گویند آنان بر دین ابراهیم بوده اند؟

ج: باسمه جلت اسمانه

هر کدام از اجداد ایشان که پیش از حضرت عیسی زیسته اند، بر دین پیش از مسیح، و هر کدام که پس از حضرت عیسی زندگی کرده اند بر دین مسیح بوده اند و این بدیهی است؛ زیرا حکم خدا چنین بوده که هر پیامبری مبعوث می شده مردم باید به دین او ایمان می آوردند، هم چنان که پس از بعثت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نیز دیگر برای کسی جایز نبود تا بر دین پیامبران پیشین بماند.

بنابر این روال بر این بوده که؛ هرکس در هر زمانی، به دین بعدی ایمان بیاورد نه دین سابق قبلی، زیرا دین سابق منسوخ می شده است. این که گفته می شود اجداد رسول اسلام صلی الله علیه و آله

ص: 82

---

1- (1) «مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ».

و خود آن حضرت پیش از بعثت بر دین حنیف بوده اند، منظور این است که برخی از تعالیم حضرت ابراهیم که منسوخ نشده و در ادیان بعدی نیز بوده، مشترکات را عمل می کردند، چنان که روایات مربوط به این موضوع نیز چنین تبیین کرده اند.

### **معصومیت همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زنا**

س 79: آیا همسران پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم از زنا بودند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

آنان در ذات خود معصوم از زنا نبودند ولی بزرگواری پیامبر صلی الله علیه و آله اقتضا می کرد که چنین باشند و خود را از محرمات به ویژه کبائر حفظ کنند. جایگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نزد خدا بالاتر از این مسائل بود تا بانویی همسر او شود که از ارتکاب معاصی بزرگ خودداری می کند و ورع و تقوا را پیشه خود می سازد.

### **کفر کافر دلیل منع او از رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم**

س 80: خداوند رسولش را به عنوان خاتم انبیاء و رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فرستاد، چگونه می شود که ایشان رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ باشد و از طرفی سبب جهنمی شدن کافرین هم باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

البته که دارای رحمت است منتهی رحمت، شرایط و موانع دارد. کافر به دلیل کفرش که مانع از رحمت است از رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله محروم می گردد و گر نه، اگر این مانع را بر طرف

ص: 83

نماید در شمار افرادی قرار می گیرد که مشمول رحمت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می شوند.

می توان با مثالی مطلب را بیشتر روشن کرد، آتش به طور طبیعی می سوزاند، ولی اگر شیئی رطوبت داشته و خیس باشد گرچه قابل احتراق است به دلیل وجود مانع که همان تری است، نمی سوزد، آیا این از نقص آتش است؟ خیر، اقتضای آتش، سوزاندن است ولی به شرط نبود مانع، پس اگر رطوبت آن جسم خشک شود و مانع برطرف گردد اثر آتش بر آن شیء مترتب می گردد.

## علم غیب

س 81: آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علم غیب می دانست؟ و اگر می دانست، آن علم غیب چه ویژگی هایی داشت؟ تفاوت این علم غیب با علم غیب خداوند چیست؟ و تفسیر این آیه کریمه چیست: «وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسَدٌ تَكْثُرُ مِنَ الْخَيْرِ» (1) آیا امامان معصوم علیهم السلام نیز علم غیب داشتند؟ و در این زمینه چه تفاوتی با علم پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

آیات متعددی در قرآن دلالت بر این دارد که علم غیب مخصوص خداست و او تنها کسی است که همه غیب ها را می داند. صدر المتألهین نیز به این امر اشاره می کند و می گوید:

«ذات لایزال خداوندی پیش از هر فعل و ایجاد، عالم به

ص: 84

---

1- (1). و اگر غیب می دانستم قطعاً خیر بیشتری می اندوختم؛ اعراف: 188..

تمامی حقایق کلی و جزئی، آن هم با علم تفصیلی بوده است».

بنابراین ذات خداوندی به تمامی اشیاء، علم تفصیلی و حضوری دارد و هر چه غیر اوست (مخلوقات)، علمش به دیگری، علمی حصولی است که به ذاتش اضافه می شود و از همین رو نمی تواند جز به اذن خدا و خواست او، علمی به دست آورد.

با این همه یک استثنا وجود دارد:

«لَا يُظْهِرُ عَلِيَّ غَيْبِهِ إِلَّا مَنْ أَرْتَضَى مِنْ رَسُولٍ» (1) و این به معنای آن است که خداوند عزوجل از علم غیبی که مختص خود اوست، چیزهایی را برای رسولان خود آشکار می کند.

خلاصه این که اگر آیات قرآن را در کنار یکدیگر مطالعه کنیم روشن می گردد که خداوند، پیامبران را بر تمامی علم غیبی که می داند آگاه نمی کند، هم چنین علم غیب خداوند، ذاتی اوست ولی هر که غیر از خداست با اذن خدا و از خدا فرا می گیرد.

و اما در مورد آیه «وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ» به آیه قبل آن نگاه کنید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» (2)؛

این نمونه می تواند شاهد مثالی باشد برای این حقیقت که نفی علم در آیه، بیانگر نفی علم غیب به زمان برپایی قیامت است و

ص: 85

---

1- (1) . بر غیب خود آگاه نمی سازد جز فرستاده ای که از او خشنود باشد؛ جن: 27..

2- (2) از تو درباره قیامت می پرسند که وقوع آن چه وقت است؟؛ اعراف: 187..

یا حداقل، چکیده معنی آیه چنین است.

اگر هم مطلق علم غیب را در این آیه فرض کنیم باز می توان گفت که نفی در آیه تنها شامل علم غیب ذاتی پروردگار است که هیچ کس دیگر نمی داند و با آگاهی از علم غیب که خداوند آن را به هر کس رضایت داشته باشد تعلیم می دهد، منافاتی ندارد.

در مورد سایر امامان علیهم السلام، روایات زیادی وجود دارد که هر چه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله می دانست امامان نیز می دانستند و حال که علم پیامبر صلی الله علیه و آله از تعلیم خدا بوده، علم امامان علیهم السلام نیز چنین است.

### بیم پیامبر صلی الله علیه و آله از سرزنش کنندگان

س 82: خداوند عزوجل در قرآن کریم چنین می فرماید: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (1) الف: زید پسر خوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و عموم مردم آرزو نمی کنند تا

ص: 86

---

1- (1) و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود، و تو نیز به او نعمت داده بودی، می گفتم: همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار، و آنچه که خدا آشکار کننده آن بود در دل خود نهان می کردی و از مردم می ترسیدی؛ با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی، پس چون زید از آن زن کام برگرفت و او را ترک گفت وی را به نکاح تو در آوردیم تا در آینده در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگان شان چون آنان را طلاق گفتند، گناهی نباشد و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد؛ احزاب: 37..



روزی همسر میهمان خود را چنانچه طلاق بدهد به همسری بگیرند تا چه رسد به همسر پسر خوانده. چگونه می توان تصور نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کند؟

ب: چگونه می شود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هیچ گاه در راه خدا از سرزنش سرزنش کنندگان بیم به خود راه نداده بود از مردم بترسد (مضمون آیه بالا) حتی بیشتر از ترس از خدا تا جایی که کلامی از خدا نازل شود و حاوی نکوهش و سرزنش او باشد؟

ج: باسمه جلت اسمانه

جواب الف: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آرزویی نداشته تا همسر زید را بگیرد پس سؤال منتفی است، بلکه خداوند متعال به پیامبرش نام های همسرانش در دنیا را اطلاع داده بود و زینب همسر زید (پسر خوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله) یکی از آن ها بود، بدین ترتیب که پیامبر صلی الله علیه و آله می دانست که اگر زید او را طلاق دهد همسر وی خواهد شد.

اما این مطلب را که خدا به او گفته بود مخفی می کرد. در عین حال هنگامی که زید برای طلاق دادن همسرش اقدام کرد و موضوع را به پیامبر اطلاع داد، پیامبر او را نصیحت کرد تا چنین کاری نکند و همسر خود را طلاق ندهد ولی زید می خواست طلاق دهد و این اراده الهی بود که توسط زید و بدون آن که بداند تحقق یافت تا زینب به همسری پیامبر درآید.

جواب ب: شکی نداریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کار رسالت الهی

خود بیمی از سرزنش کنندگان به خود راه نمی داد. بدیهی است که بیم او از مردم، با بیمی که از خدا داشت قابل مقایسه نبود و هیچ ترس دیگری به اندازه ترس از خدا برایش اهمیت نداشت؛ بنابر این درست نیست که بگوییم ترس او از مردم، بیش از ترس او از خدا بود.

وانگهی حقیقت بیم او از مردم چه بود؟ آیا جز این بود که خود را از اذیت و آزارشان برهاند و بتواند خبر مربوط به موضوع زینب و همسری با او در آینده را بعنوان سر پنهان بدارد؟ ولی وقتی خدا امر کرد که این راز را علنی نماید تا بتواند سنت غلط جاهلیت را باطل کند پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اقدام نمود، موضوع را علنی کرد، دستور خدا را عملی ساخت و به هر آنچه که در این باره گفته می شد اعتنا نکرد.

### پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شعرا

س 83: آیا درست است که نبی مکرم صلی الله علیه و آله از شعرا بیزار بود؟

ج: باسمه جلت اسمانه

در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که فرمود: «برخی از شعرها حکمت است». (1) هم چنین صاحب مجمع به موضوعی صحیح اشاره کرده و آن این که پیامبر صلی الله علیه و آله به اشعار گوش فرا می داد و شعر را مورد تشویق نیز قرار می داد. ایشان به حسان بن ثابت چنین گفته است:

ص: 88

---

1- (1). إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةٍ؛ بحار الانوار، ج 79، ص 290..

«ای حسان، تو همواره و همیشه از طرف روح القدس مورد تأیید هستی تا زمانی که با زبان (شعر گویت) ما را یاری می کنی».<sup>(1)</sup>

### قضا شدن نماز واجب پیامبر صلی الله علیه و آله

س 84: زراره از قول امام باقر علیه السلام حدیث صحیحی را درباره پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند و آن اینکه: «پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از سفرهایش خوابید تا این که آفتاب طلوع کرد»، چگونه ممکن است که نماز واجب پیامبر صلی الله علیه و آله قضا شود؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ما درباره این روایت که از آن به عنوان یک روایت صحیح، یاد می شود، تحقیق کردیم و متوجه شدیم که تنها در کتاب «الذکر» تألیف شهید اول، نقل شده است. وی گر چه از آن به «صحیحہ السند» یاد کرده ولی سندی از آن نام نمی برد. خوب ممکن است نزد او صحیحہ باشد ولی ما الزامی نداریم تا آن را صحیحہ بدانیم مگر آن که برای ما ثابت شود. نتیجه این که اعتبار روایت مذکور، نزد ما ثابت نشده است.

### معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و کربلا

س 85: چه ارتباطی بین اسراء و معراج پیامبر صلی الله علیه و آله با کربلا و قبر امام حسین علیه السلام وجود دارد؟ با عنایت و توجه به حدیث طولانی مفضل بن عمر

ص: 89

---

1- (1) لاتزال یا حسان مؤیدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانک؛ تفسیر ابوالفتح رازی، ج 2، ص 193..

درباره علائم ظهور که آن را از امام صادق علیه السلام نقل می کند و علامه مجلسی نیز در البحار و سایر کتب مثل نوائب الدهور علامه میرجهانی، همان را نقل می کند، به سؤال بنده پاسخ دهید.

ج: باسمه جلت اسمائه

در حدیث مفضل ابن عمر آمده است که امام صادق علیه السلام لب به سخن گشود و در مورد کربلا چنین فرمود: «کربلا بهترین قطعه روی زمین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از همان جا عروج کرد»<sup>(1)</sup>، و از آنجا که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله یکصد و بیست بار تکرار شده است، حدیث مفضل دلالت دارد بر این که بعضی از معراج های پیامبر صلی الله علیه و آله از زمین مقدس کربلا صورت گرفته است.

### عروج جسمی یا روحی پیامبر صلی الله علیه و آله

س 86: آیا رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با جسم و روحش عروج کرد؟ و آیا بهشت و جهنمی که وارد شد و رؤیت کرد در عالم دنیا بود یا آخرت؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از ضروریات مذهب ما، اعتقاد به این امر است که عروج پیامبر صلی الله علیه و آله با جسم و روح بوده و بهشت و جهنمی که حضرتش وارد شد، بهشت و جهنم آخرت بودند؛ زیرا متون قرآنی و روایات دلالت دارند که بهشت و جهنم آخرت، آفریده شده اند و وجود دارند.

ص: 90

---

1- (1). و إنَّها خیر بقعه عرج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منها وقت غیبتہ؛ الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، ص 261..

س 87: منظور از اسراء یا معراج چیست؟ و چه تفاوتی میان این دو وجود دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

منظور از اسراء، سفر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به بیت المقدس است که در شب رخ داد و منظور از معراج، عروج او از بیت المقدس به سوی عرش است ولی نظریه کامل این است که هر دو عنوان بر یک موضوع یعنی سفر معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از زمین به سوی آسمان دلالت می کنند و اخبار و روایات نیز همین را مورد تأیید قرار می دهند.

در یکی از این روایات، اسماعیل جعفری چنین نقل می کند: «من در مسجد نشسته بودم و امام باقر علیه السلام نیز در گوشه ای نشسته بود، امام علیه السلام سرش را یک بار به سوی آسمان و یک بار به سوی کعبه بلند کرد و سپس این آیه را سه بار تکرار کرد: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (1) سپس رو به من کرد و گفت: ای عراقی، بگو بینم عراقی ها درباره این آیه چه می گویند؟ گفتم: می گویند: «سیر داده شده از مسجد الحرام به سوی بیت المقدس» امام باقر علیه السلام فرمود: آنطور نیست که می گویند، بلکه سیر داده شد از این به

ص: 91

---

1- (1). منزّه است آن خدایی که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی سیر داد؛ اسراء: 1..

آن، و با دستش به کعبه و آسمان اشاره کرد». [که منظور مسجدالاقصی ای است که در آسمان چهارم قرار دارد و در همان مسجد پیامبران همگی به رسول خدا صلی الله علیه و آله اقتدا کردند و جبرئیل اذان گفت و نماز تشریح شد].

## تعداد عروج پیامبر صلی الله علیه و آله

س 88: آیا عروج و اسراء بیش از یکبار رخ داد؟ اگر چنین بوده، کدام یک در قرآن یاد شده است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: پیامبر یکصد و بیست بار به آسمان عروج کرد و هیچ مرتبه ای نبود مگر آن که خداوند متعال ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام و امامان پس از او را به پیامبر صلی الله علیه و آله توصیه کرد به گونه ای که این توصیه از توصیه به واجبات دینی هم بیشتر بود». (1) از این روایت چنین استنباط می شود که جریان معراج یک صد و بیست بار تکرار شده اما روایات به تفصیل درباره معراج سخن نگفته اند، مگر در مورد معراجی که در سال های آغازین بعثت آن هم برای رویارویی با مشرکین و ارائه حجت در برابرشان صورت پذیرفت، قرآن هم در چندین آیه به بیان همین معراج می پردازد و روایات نیز درباره آن دقیق ترین مطالب را گفته اند.

ص: 92

---

1- (1) عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى السَّمَاءِ مِائَةً وَعِشْرِينَ مَرَّةً، مَا مِنْ مَرَّةٍ إِلَّا وَقَدِ أَوْصَى اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) فِيهَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ وَالْأُمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَكْثَرَ مِمَّا أَوْصَاهُ بِالْفَرَائِضِ؛ بصائر الدرجات، ج 2، ص 97؛ خصال، ج 2، ص 23..

## دور شدن شیاطین در شب میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

س 89: هنگام میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهاب های آسمانی به سمت شیاطین نشانه گرفته شد و بر خلاف گذشته، از شنیدن اخبار و اطلاعات آسمانی توسط آنان جلوگیری به عمل آمد. آیا این مطلب تا زمان کنونی ادامه دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

نهایت برداشتی که از روایات می شود این است که در شب میلاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شیاطین توسط پرتاب شهاب سنگ از آسمان های هفتگانه دور شده اند و این امر تا روز قیامت ادامه خواهد یافت. این برای گرامی داشت مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. اما روایات بیان نکرده اند که پس از میلاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز دور شدن شیاطین از آسمان ها به وسیله شهاب سنگ است یا خیر؟

## عدم ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

س 90: آیا حضرت خدیجه علیها السلام دخترانی قبل از حضرت زهرا علیها السلام داشته اند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

بعد از تحقیقات نزد اینجانب مشخص شد که نظر بزرگانی مانند شیخ مفید و سید مرتضی در این موضوع درست است که حضرت خدیجه علیها السلام پیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج ننموده و سن گرامی ایشان به هنگام ازدواج بیست و چند سال بیشتر نبوده است و دخترانی که به ایشان نسبت داده شده اند،

ص: 93

دختران خواهر ایشان هستند. اینک مجال توضیح بیشتر در این باره نیست.

### دلیل بوسیدن دست حضرت زهرا علیها السلام

س 91: چرا پیامبر اسلام حضرت فاطمه را نور چشم خود می دانست، او را بزرگ می داشت و دست او را می بوسید با اینکه فرزندان دیگری هم داشت؟

ج: باسمه جلت اسمائه

چون ماده جسد حضرت زهراء علیها السلام از ماده این عالم نبود، بلکه از بهشت و از میوه های آن بود همانگونه که شیعه و سنی نقل کرده اند. و اما روح متناسب با آن بدن از اسرار است که ما آن را نمی فهمیم و فقط از اخبار چنین می فهمیم که روح آن حضرت از نور عظمت خدای تعالی است. در معانی الاخبار صدوق نقل کرده است: قال رسول الله صلی الله علیه و آله خلق نور حضرت فاطمه قبل أن تخلق الارض والسماء فقال بعض الناس یا بنی الله فلیست هی النسیه فقال صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه حوراء انسیه خلقها الله عزوجل من نوره قبل أن یخلق آدم الحدیث.

س 92: آیا بوسیدن دست حضرت فاطمه علیها السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سندیت دارد و آیا اسناد آن صحیح می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

بوسیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله دست سید النساء حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام را شیخ طوسی در امالی ج 2 و بحار الانوار ج 43 و

ص: 94



از عامه هم حاکم نیشابوری نقل کرده و آن را صحیح دانسته اند.

### مسمومیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

س 93: آیا این مطلب که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر مسمومیت از دنیا رفته اند، صحیح می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

نتیجه تحقیقات به دست آمده این است که: رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم روز دوشنبه 28 صفر سال یازدهم هجری در 63 سالگی و در مدینه مسموم شده و رحلت نمودند. روایات ویژه ای بر این مطلب دلالت می کند و روایت عام «هیچ یک از ما نیست مگر اینکه کشته و یا مسموم شده باشد»<sup>(1)</sup>، که دارای سند معتبری نیز می باشد، همین مطلب را تأیید می کند.

### قاتل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

س 94: مسموم نمودن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط چه کسی صورت گرفته است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در این باره باید گفت که به طور یقین و بدون هیچ تردیدی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وسیله سم به شهادت رسیده اند ولی جزئیات چگونگی شهادت ایشان به صورت قطعی مشخص

ص: 95

---

1- (1) . ما منّا إلا مقتولٌ أو مسمومٌ؛ کنایه الأثر، ص 227؛ من الامام الصادق علیه السلام أنه قال: ما منّا إلا مقتولٌ أو شهيدٌ، الفصول المهمة، ص 278؛ و در بحار با حذف (أو) آمده است که مناسب تر می نماید. ج 29، ص 209..

نمی باشد، زیرا برخی از روایات بر شهادت ایشان بر اثر سم توسط زن یهودی در روز خبیر اشاره دارد و برخی روایات بر مسموم نمودن حضرتش در روزهای بیماری آخرش دلالت دارد. در ماهیت سمّ مورد استفاده نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. روشن است که اگرچه هیچ اختلافی میان این روایات نیست، از این نظر که مُثَبِّتات هستند و در نتیجه احتمال دارد تمامی این موارد در مسمومیت و شهادت حضرتش تأثیر داشته باشند؛ که البته دلیل قطعی در این زمینه در دست نیست.

### منع حضرت زهرا علیها السلام از قرائت شعر

س 95: روایت شده است که هنگام نزدیکی رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا علیها السلام این شعر را قرائت نمودند: «و آن درخشان رو که ابرها از چهره اش سیراب می گردند؛ او یاری رسان یتیمان و تکیه گاه بیوه زنان است» (1). آیا این روایت صحیح و معتبر می باشد؟ و اگر درست می باشد با توجه به عصمت حضرت زهرا علیها السلام و این مطلب که ایشان کلام نابجایی بیان نمی نمایند، چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را از این گفته نهی فرمودند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ظاهراً رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل دلسوزی نسبت به دختر گرامی اش حضرت زهرا علیها السلام و معنای جانگداز این ابیات در آن

ص: 96

---

1- (1). و أَيْضَ يَسْتَسْقَى الْغَمَامُ بِوَجْهِهِ شَمَالَ الْيَتَامَى عِصْمَةً لِأَلْرَامِلِ أَيْنَ شَعَرَ رَا عَبْدَ الْمَطْلَبِ فِي مَوْرِدِ رَسُوْلِ خُدَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سُرُوْدَهٗ بُوْدَ..

لحظه، حضرتش را از بیان آنها منع نمود و به همین سبب پس از نهی ایشان از این موضوع فرمودند: به جای آن بگو: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» (1) و به نظر می‌رسد که حضرتش می‌خواست با بیان این مطلب ایشان علیها السلام را تسلی بخشد.

## قضیه ذبح عبداللّه

س 96: آیا قضیه ذبح عبد الله (2) از نظر اسلامی ثابت است؟ اگر هست آیا با

ص: 97

1- (1). و محمد، جز فرستاده ای که پیش از او هم پیامبرانی (آمده و) رفته اند، نیست؛ آل عمران: 144..  
2- (2). اجمال داستان این بود که عبد المطلب حلقه کعبه را گرفت و از خداوند خواست که ده پسر به او عطا فرماید و بمنظور استجاب این دعا نذر کرد که یکی از ده فرزند را ذبح کند. چون شماره پسران بده رسید گفت: خداوند بوعده خود وفا کرد من نیز باید بنذر خویش وفا نمایم. آنگاه فرزندان خود را بمیان خانه کعبه برد و قرعه بنامشان انداخت قرعه بنام عبد الله پدر رسول خدا که محبوبترین فرزندان اش بود در آمد. بار دوم قرعه ها را در هم آمیخت باز قرعه بنام عبد الله در آمد. برای بار سوم قرعه کشید و قرعه بنام عبد الله در آمد. عبد المطلب عبد الله را گرفته و نگاه داشت و تصمیم بر ذبحش گرفت قریش اجتماع کرده و او را از ذبح عبد الله جلوگیری کردند و زنان خاندان عبد المطلب گرد آمده بگریه و شیون پرداختند. عاتکه دختر عبد المطلب گفت: پدر جان در کشتن پسر عذری میان خود و خداوند بیار، گفت: دخترم چه عذری بیاورم؟ بگو که دختر با برکتی هستی، گفت: میان فرزندان و شترانی که در حرم داری قرعه بکش و آنقدر به پروردگارت عطا کن تا راضی شود. عبد المطلب شخصی فرستاد و شتران را آوردند ده شتر کنار گذاشت و قرعه میان آن ده شتر و عبد الله زد. قرعه بنام عبد الله در آمد عبد المطلب بر عدد شتران ده می افزود تا بصد رسید و قرعه بنام شتران بیرون آمد این وقت عبد المطلب تکبیر گفت و قریش تکبیری گفتند که کوههای مکه را لرزاند عبد المطلب گفت: تا سه بار قرعه بنام شتران بیرون نیاید نخواهم پذیرفت. سپس سه بار دیگر قرعه زد و در هر سه بار قرعه به شتران اصابت میکرد و در بار سوم زبیر و ابو طالب و برادرانش عبد الله را از زیر پای عبد المطلب کشیده و بردند در حالی که پوست یکطرف صورت عبد الله که بر روی خاک گذاشته شده بود از گوشتش جدا شده بود. عبد الله را بر وی دست بلند کرده و می بوسیدند و خاک از سر و صورتش می زدودند، عبد المطلب دستور داد که شتران را در کشتارگاه نحر کنند و گوشتشان را بیدریغ در اختیار دیگران بگذارند و تعداد آنان صد شتر بود. خصال صدوق، ترجمه فهری، ج 1، ص 66..

این اعتقاد که اجداد رسول الله صلی الله علیه و آله بر دین حنیف بوده اند تناقض ندارد؟ در ضمن آیا نذر عبدالمطلب نذری حرام نبوده است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در اکثر کتب تاریخی قضیه ذبح حضرت عبدالله آمده است و این مسئله با دین ایشان منافات نداشته چون در دین قبل از اسلام جایز بوده است و این نذر هم طبق آن شریعت بوده و در دین اسلام ممنوع شده است. برای روشن شدن مطلب به کتب عقائد رجوع نمایید.

ص: 98

فصل سوم: امير مؤمنان عليه السلام

اشاره

ص: 99



س 97: راز میلاد حضرت علی علیه السلام درون خانه کعبه چه می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

شیخ مفید در کتاب ارشاد می فرماید: «پیش و پس از حضرتش هیچ نوزادی در خانه خداوند متعال زاده نشده و این کرامتی است که از سوی خداوند متعال به دلیل بزرگداشت مقام والایش برای ایشان قرار داده شده است» (1).

ص: 101

1- (1) داستان میلاد مبارک حضرت امیر صلوات الله علیه در کعبه معظمه در کتاب روضه الواعظین، ص 134 چنین آمده است: یزید بن قعنب می گوید: همراه عباس بن عبد المطلب و گروهی از خاندان عبد العزی کنار کعبه نشسته بودیم که فاطمه دختر اسد، مادر امیر المؤمنین، در حالی که نه ماهه به علی (ع) آبستن بود آمد و او را درد زایمان گرفته بود. فاطمه گفت: پروردگارا! من به تو و به فرستادگان و کتابهای ایشان مؤمنم و گفتار نیای بزرگوار خودم ابراهیم خلیل (ع) را تصدیق می کنم و او این خانه عتیق را ساخته است. پروردگارا! ترا سوگند می دهم به حق کسی که این خانه را ساخته است و به حق این مولود که در شکم دارم، زایمان مرا بر من آسان فرمای. یزید بن قعنب می گوید: ما خود دیدیم که پشت خانه کعبه شکافته شد و فاطمه دختر اسد وارد کعبه شد و از چشم های ما پوشیده ماند و دیوار کعبه به هم برآمد. آنچه کوشیدیم که قفل در کعبه گشوده شود، گشوده نشد. دانستیم که این به فرمان خدای عز و جل است. پس از روز چهارم از کعبه بیرون آمد و علی (ع) در دستش بود و گفت: من بر همه زنان پیش از خود برتری یافتم، زیرا آسیه دختر مزاحم (یعنی همسر مؤمن فرعون. م.) خدای را پوشیده و به اضطرار عبادت کرد و مریم دختر عمران درخت خرما را خشکیده را به دست خود به سوی خویش کشید و از آن خرما تازه و رسیده خورد و حال آنکه من وارد کعبه شدم و از میوه ها و خوراکیهای بهشت خوردم و چون خواستم بیرون آیم، سروشی بر من بانگ زد که ای فاطمه! او را علی نام بگذار که او علی و خداوند علی اعلی است، و نام او را از نام خود مشتق ساختم و به ادب خود او را ادب و به امور پوشیده بی از علم خود آگاهش کردم. و او همان کسی است که بتها را در خانه من می شکنند و بر فراز خانه ام اذان می گوید و مرا تقدیس و تمجید می کند. خوشا به حال آن کس که او را دوست بدارد و فرمان برد و وای بر کسی که او را دشمن بدارد و نافرمانی کند...

## ولادت علی علیه السلام در خانه کعبه

س 98: برخی علمای اهل سنت جریان ولادت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام در داخل کعبه را ضعیف دانسته اند، پاسخ شما چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

جریان ولادت حضرت در داخل کعبه شریفه چیزی است که شیعه و سنی نقل کرده اند.

آلوسی در شرح خود بر کتاب «عینیه» نوشته عبدالباقی العمری می نویسد: «ولادت امیر المؤمنین که در بیت الله، کعبه متولد شده امری مشهور در تمام دنیاست و در کتاب های دو طایفه سنی و شیعه آمده است». در کتاب «الفصول المهمه» آمده است:

«ولادت او (امیرالمؤمنین) در مکه مکرمه و در کعبه مشرفه بود».

ص: 102



و مانند این ها در «مروج الذهب» مسعودی، «السیره الحلبیه» و کتاب های دیگر موجود است.

### برتری حضرت علی علیه السلام بر تمامی پیامبران و رسولان گذشته

س 99: شخصی بر این مطلب که امیرالمؤمنین از پیامبران و رسولان گذشته برتر است شبهه وارد کرده، نظر حضرتعالی چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر تمامی پیامبران و رسولان گذشته، از جمله مسائل قطعی و حتمی است و اگر کسی هنوز به این نتیجه نرسیده، شاید به این دلیل است که به اندازه کافی در روایات و اخبار وارده در این موضوع بررسی و تحقیق نکرده است. (1)

### اثبات امامت علی علیه السلام

س 100: در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «علی علیه السلام

ص: 103

1- (1) برای مثال به این روایت توجه فرمایید: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 262: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي قَالَ عَلِيُّ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَيَّ مَلَأَ نِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْفُضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِلْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِي... حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند خلقی برتر از من و گرامی تر از من - نزد خود - خلق نفرموده است، حضرت علی علیه السلام فرمودند: من عرض کردم: شما برتر هستید یا جبرئیل؟ حضرت فرمودند: ای علی! خداوند - تبارک و تعالی - پیامبران مرسل خود را بر ملائکه مقرب خود برتری داده است و مرا بر تمام انبیاء و مرسلین برتری داده است، و فضیلت، بعد از من برای تو و امامان بعد از تو می باشد.....

برای من همانند هارون است برای موسی»<sup>(1)</sup>، پرسش اینجاست که هارون نه وصی و جانشین موسی که یکی از پیامبران الهی بود و یوشع ابن نون، وصایت و جانشینی موسی را برعهده گرفت، حال چگونه می توان برای اثبات امامت علی ابن ابی طالب علیه السلام به این روایت، استناد نمود؟

ج: باسمه جلت اسمائه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با گفتن این مطلب که: «أنت منی بمنزله هارون من موسی» تنها درصدد اثبات وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام نیست و به همین خاطر ایشان را به یوشع ابن نون، تشبیه نمی کند بلکه در پی اثبات فضایلی بزرگ تر همانند اخوت، اعلم بودن، وزارت و... برای امیرالمؤمنین علیه السلام است و از همین رو ایشان را به هارون تشبیه می کند. <sup>(2)</sup>

### فاطمه بنت اسد علیها السلام برتر از مریم علیها السلام

س 101: آیا مقام فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر حضرت علی علیه السلام، از مقام مریم دختر عمران علیها السلام مادر حضرت عیسی علیه السلام بالاتر می باشد؟

ص: 104

---

1- (1). علیّ منی بمنزله هارون من موسی؛ مسند، احمد بن حنبل، ج 1، ص 179: بحارالانوار، ج 21، ص 237..  
2- (2) گذشته از اسناد تاریخی ادامه حدیث که می فرماید: «إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» ثابت می کند که هارون پیامبر بود و وصی موسی هم بود اما چون قبل از حضرت موسی از دنیا رفت حضرت موسی یوشع ابن نون را وصی خود قرار داد. چون در زمان پیامبران قبلی بنی اسرائیل چند پیامبر در یک زمان زندگی می کردند اما یکی صاحب شریعت بود و بقیه تابع و مبلغ او و هارون تابع و ناصر و مؤید و در مواقع لازم جانشین حضرت موسی بود..

ج: باسمه جلت اسمائه

بله، حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام از حضرت مریم علیها السلام والاتر است. زیرا حضرت مریم علیها السلام هنگام زایمان دستور داشت تا در حالت نفاس از محل عبادتش خارج شود در حالی که حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام با دستوری تکوینی (1) از خارج شدن از خانه خدا منع شدند. قابل توجه این است که مقام خانه کعبه از مقام محل عبادت حضرت مریم علیها السلام گرامی تر می باشد.

### نسب مادر حضرت علی علیه السلام

س 102: آیا امکان دارد که نسب پاکیزه مادر گرامی حضرت علی علیه السلام خانم فاطمه بنت اسد علیها السلام را برای ما برشمارید و مختصری از زندگانی شریف ایشان را بیان نمایید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ایشان فاطمه دختر اسد فرزند هاشم فرزند عبدمناف فرزند قصی فرزند کلاب فرزند کعب فرزند فهر فرزند مالک فرزند نضر فرزند مدرکه فرزند الیاس فرزند مضر فرزند معد فرزند عدنان می باشند. ایشان اولین هاشمی هستند که با یک هاشمی ازدواج نمودند و مادر دیگر فرزندان حضرت

ص: 105

---

1- (1) . منظور از دستور تکوینی چنانچه در روایات مربوط به میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده، این است که چون دیوار خانه کعبه شکافته شد و جناب فاطمه بنت اسد از شکاف داخل شد، شکاف به هم آمد و هر چه تلاش کردند، درب خانه خدا باز نشد، در نتیجه دانستند که این امر از سوی خدای تعالی و باز نشدن درب خانه خدا امری تکوینی است..

ابوطالب علیها السلام می باشند. ایشان در مقام مادر حضرت رسول صلی الله علیه و آله قرار داشتند زیرا حضرت در دامن ایشان پرورش یافتند و او را مادر صدا می زدند.

ایشان حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در نیکی نمودن بر تمام فرزندان خود مقدم می داشت. حاکم در مستدرک روایت می کند که: ایشان در دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در درجه والایی از ایمان قرار داشتند و جزء اولین مسلمانان بوده و به مدینه مهاجرت کردند.

سعید بن مسیب از حضرت علی ابن الحسین علیه السلام از پدرش از جدش امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب علیه السلام روایت می نماید که:

«هنگامی که فاطمه بنت اسد از دنیا رفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را در پیراهن مبارک خود کفن فرمود و بر او نماز گذاشت و هفتاد مرتبه بر او تکبیر گفت»(1).

### منع رسول خدا از نکاح میان زن مسلمان و مرد کافر

س 103: روایتی از حضرت امام سجاد علیه السلام درباره ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام بر جای مانده که مضمون آن از این قرار است: خداوند متعال رسول گرامی اش صلی الله علیه و آله و سلم را از تأیید ازدواج زن مسلمان با یک کافر نهی فرمود و مشخص است که حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام از نخستین ایمان آورندگان بود و با این وجود تا زمان مرگ حضرت ابوطالب علیه السلام همسر

ص: 106

---

1- (1) قال: «لَمَّا مَاتت فاطمه بنت اسد کَفَّنَهَا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی قمیصه، و صَلَّی علیها، و کَبَّرَ علیها سبعین تکبیره»؛ مستدرک، ج 3، ص 108..

ایشان بودند [به معنای دیگر امکان کافر بودن ابوطالب علیه السلام وجود ندارد].

برخی بر این استدلال امام علیه السلام اشکالی وارد کرده اند و آن اینکه آیه نهی مورد نظر، آیه ای مدنی از سوره ممتحنه می باشد و این آیه دست کم، بعد از صلح حدیبیه نازل شده است، بدین معنی که سال ها بعد از وفات حضرت ابوطالب علیه السلام نازل شده است، چگونه می توان به این اشکال پاسخ داد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

این اشکال از پایه بی اساس است، زیرا استدلال امام علیه السلام بر پایه آیه نهی از تأیید ادامه زندگی زناشویی میان یک زن مسلمان و یک مرد کافر نیست، بلکه بر پایه منع کلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از سوی خداوند متعال بر پذیرفتن نکاح میان زن مسلمان و مرد کافر می باشد.

لزومی ندارد که این منع یک منع برآمده از قرآن باشد، چه بسیاری از احکام شرعی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده اما در قرآن کریم نیامده است و یا در قرآن نیز آمده ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول آن بر خود و پیش از نزول آن در قرآن، آن را ابلاغ نموده است. قابل ذکر است که حتی اگر تمامی این موارد ذکر شده جهت اثبات ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام را کامل ندانیم، ادله در اثبات ایمان حضرت ابوطالب بسیار فراوان می باشد و کامل نبودن یک دلیل، ضرری به قوت دلایل دیگر وارد نمی کند.

ص: 107

## اولین گوینده «اشهد ان علیا ولی الله»

س 104: «أشهد أن علیاً ولی الله» اولین بار در تاریخ بوسیله چه کسی در اذان و اقامه گفته شد؟

بعد از غدیر خم که حضرت منصوب به خلافت شدند، در بین اصحاب شیوع پیدا کرد. آن چه در ذهن من است، اول کسی که این جمله را بعد از شهادتین گفته است، حضرت سلمان است و خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز امضا فرمودند. عمر هم در همان غدیر خم گفت، «بِحَّجِّ لَكَ يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْبَحَتْ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ»<sup>(1)</sup>؛ روایات از ائمه علیهم السلام متعدد است.

## بیعت امیرالمؤمنین علیه السلام با ابوبکر

س 105: به چه علت امیرالمؤمنین علیه السلام با ابوبکر بیعت کردند؟ با توجه به اینکه بیعت با وی تأیید خلافت و دلیل به حق بودن او شمرده می شود؟

ج: باسمه جلت اسمانه

به خطبه های نهج البلاغه و به خصوص خطبه شششقیه رجوع کنید.<sup>(2)</sup>

ص: 108

---

1- (1) رک: کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص 829؛ کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 237، مناقب الامام علی بن ابی طالب، ابن مغازلی شافعی، ص 69 و....

2- (2) نهج البلاغه، خطبه دوم: حضرت در ابتدای خطبه در این باره می فرماید: آگاه باشید! به خدا سوگند! ابا بکر، جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می کند. او می دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است، و مرغان دور پرواز اندیشه ها به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد. پس من ردای خلافت رها کرده و دامن جمع نموده از آن کناره گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پاخیزم؟ یا در این محیط خفقان زا و تاریکی که به وجود آوردند، صبر پیشه سازم؟ که پیران را فرسوده، جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می دارد! پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود.....

س 106: ما وقتی به کتب روایی مراجعه می کنیم می بینیم در تعدادی از روایات که کم هم نیستند، از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده که در جاهایی خطاب به خلفای عصر خود گفته اند: «یا امیرالمؤمنین» در حالی که معروف چنین است که این لقب ویژه علی ابن ابی طالب بود و هیچ کس دیگر را بدان نمی خواندند. توضیح این چگونه است؟ آیا راویان کلمه مؤمنین را به «یا امیر» اضافه کرده اند؟ به گونه ای که امامان علیهم السلام فقط یا امیر خطاب می کرده اند ولی راویان، مؤمنین را نیز اضافه کرده اند؟ و یا وجه دیگری دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

لقب «امیر المؤمنین» بدون تردید، ویژه حضرت علی علیه السلام بود ولی درگذشت زمان ظالمان حق و مقام آن حضرت را غصب و این لقب را نیز تصاحب کردند.

امامان علیهم السلام که از خاندان علی علیه السلام بودند حاکمان و خلفا را نه از این جهت که معتقد به آن بودند، بلکه از باب پیشگیری شر و

خطر حکام و خلفا، آنها را با نامی که خود برای خود گذارده بودند صدا می زدند. (1)

### شکرگزاری علی علیه السلام در ليله المبيت

س 107: چرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شب هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوابید [تا پیامبر صلی الله علیه و آله در امان بماند] خدا را شکر کرد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر پرسش در مورد فلسفه شکرگزاری حضرت علی علیه السلام در شبی است که در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید، روشن تر از آن است که گفته شود؛ زیرا ماندن آن شب ایشان در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله موجب شد تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در امان بماند؛ آیا نعمتی از این برتر هست که کسی جان رسول خدا صلی الله علیه و آله را نجات دهد؟ و آیا چنین نعمتی جای شکرگزاری ندارد؟

### برتری معصوم علیه السلام در یقین اوست

س 108: آیا معصوم علیه السلام وقت مرگ خود را می داند؟ اگر پاسخ آری است، فرق معصوم با غیر معصوم در برخورد با سختی ها و بیماری ها چیست؟ به عنوان مثال، امیرالمؤمنین علیه السلام که در ليله المبيت (2) در بستر پیغمبر صلی الله علیه و آله

ص: 110

---

1- (1) برای نمونه می توانید به کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام مراجعه کنید که در جاهای مختلفی از آن به این موضوع اشاره شده است..

2- (2) . ليله المبيت شبی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به جای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بستر او خوابید و جان او را نجات داد که به این مناسبت آیه: «و من المؤمنین من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رئوف بالمتؤمنین» (بقره: 207) نازل شد..



خواهید، از اینکه در آن شب نمی‌میرد، آگاه بود. آیا امام علیه السلام به آنچه که خواهد شد علم دارد و همان گونه که در بسیاری روایات آمده، او به تمامی حوادث علم دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

فضیلت و برتری معصوم علیه السلام در یقین او نهفته است. اگر مثلاً پیامبر صلی الله علیه و آله به شخصی غیر معصوم خبر دهد که مرگ او بعد از ليله المبيت خواهد بود و سپس از او بخواهد تا آن شب را در جایش بخواهد تا پیامبر صلی الله علیه و آله را از شمشیر مشرکین حفظ کند، بدانید که هنگام هویدا شدن برق شمشیرها در اطراف خود پا به فرار خواهد گذارد، حتی اگر پیامبر صلی الله علیه و آله هم به او گفته باشد که در این حادثه نمی‌میرد. این فضیلت است که امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام را نسبت به دیگران برجسته می‌کند.

ایشان گر چه به عاقبت خود و زمان آن نیز آگاه بودند ولی یقین شان جدای از علمشان نبود و عملشان هم مطابق با علمشان بود. (1)

ص: 111

---

1- (1) نکته مهمی دیگری که بایستی درباره ليله المبيت افزود این است که: مورد سوال علم امام است و علم امام از شؤون امامت است، درحالی که در آن وقت هنوز علی بن ابی طالب امامتش آغاز نشده بود تا بگوییم به علم لدنی امامت و یا هر علم دیگر به طور کامل رسیده و ده سال بعد امام شد. پس لزومی ندارد که ما بپرسیم آیا می‌دانسته یا نمی‌دانسته که زنده می‌ماند؟ البته امیرالمؤمنین علیه السلام در موارد دیگر نیز ثابت کرد که ترس هرگز عاملی نبود که جلوی ایشان را بگیرد یا پای عمل او را سست کند؛ در جنگ احد بیش از نود ضربت کاری خورد، اگر می‌دانست پس شجاعت او بیشتر ثابت می‌شود که می‌دانست چقدر ضربت کاری می‌خورد، باز در میدان ماند و بر فرض اگر نمی‌دانست، باز اطاعت او اثبات می‌شود، همین طور شب ضربت که امام هم بود می‌دانست کشته می‌شود اما باز ابن ملجم را برای نماز در مسجد بیدار کرد و رسوایش نکرد..

## یاری دادن پیامبران به واسطه وجود حضرت علی علیه السلام

س 109: آیا این حدیث امام علی علیه السلام که فرمود: «من با پیامبران بودم ولی پنهانی، اما با رسول خدا صلی الله علیه و آله علنی حضور داشتم»<sup>(1)</sup>، درست است؟ آیا امیرالمؤمنین علیه السلام به اذن الهی پیامبران را یاری می کرد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

آری، این حدیث صحیح است و اشکالی ندارد. البته باید گفت که ایشان پیامبران را با وجود نورانی خود به صورت پنهانی یاری می کرد اما با وجود انسانی خود، نبی اسلام صلی الله علیه و آله را علنی یاری نمود.

## قائد الغر المحجلین

س 110: در بسیاری از موارد، امیرالمؤمنین علیه السلام را به «قائد الغر المحجلین» توصیف می کنند؛ معنی و منظور چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

«تحجیل» به سفیدی روی ساق چهارپای اسب گفته می شود که آن را زیبا می کند، «غرّ» نیز جمع اغرّ است و به معنای چهره می باشد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: «امت من،

ص: 112

---

1- (1). كنت مع الأنبياء سرّاً ومع رسول الله جهرّاً؛ تفسيرالمحيط، ج 3، ص 175..

سفیدرو و سفیدپا هستند»(1). حضرت در این حدیث به سفیدی (نورانیت) مواضع وضو در دست ها و پاهای مؤمنین اشاره می کند و سفیدی صورت و دست و پای اسب را استعاره می گیرد تا نورانیت مسلمانان را نشان دهد. حضرت علی علیه السلام نیز چون رهبر بود «قائد الغر المحجلین» خوانده شده است، زیرا رهبر عده ای بود که مواضع وضویشان - هنگامی که در رأس گواهان، دعوت شوند و یا به سوی بهشت می روند - به خاطر درخشش نور آن، بسیار سفید است.

### حضور علی علیه السلام در قبر مؤمنان

س 111: برخی از اهل سنت می پرسند، حال که حضرت علی علیه السلام نزد مؤمنین در قبرهاشان می رود آیا نزد پیامبرانی هم چون عیسی و موسی هم حاضر شده است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

روایاتی که درباره حضور علی ابن ابی طالب علیه السلام در قبر مؤمنان سخن می گویند، هیچ دلالتی بر وجود این ویژگی در امیرالمؤمنین علیه السلام حتی پیش از ولادت و وجودش در این دنیا ندارند.

### حضور ائمه علیهم السلام نزد محتضر

س 112: نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام به حارث همدانی فرمود: «یا حار همدان، من یمت یرنی...»؛ ای حارث همدانی، هرکس بمیرد

ص: 113

---

1- (1). امتی الغر المحجلون؛ الوافی، ج 3، ص 717؛ بحار الانوار، ج 9، ص 338..

مرا خواهد دید. آیا این اتفاق (دیدار حضرت با مردگان) در زمان زندگی حضرت هم رخ داده و یا اینکه تنها بعد از شهادتش اتفاق افتاده است؟ (1)ج: باسمه جلت اسمائه

عبارت: «یا حار همدان، مَنْ یمت یرنی» سخن حضرت نیست بلکه سروده مرحوم سید حمیری است که مضمون کلام حضرت را به نظم درآورده است. به هر حال ظاهر عبارت های نقل شده در روایات، دلالت بر حضور ائمه علیهم السلام نزد محتضر دارند و این امر، نه تنها پس از شهادت این بزرگان بلکه در جریان حیاتشان هم رخ داده است. (2)

### تردید در واقعه رجوع الشمس

س 113: نظر شما در مورد واقعه بازگشت خورشید (رجوع الشمس) برای امیر مؤمنان علیه السلام چه می باشد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

این واقعه از مسلمات تردید ناپذیر است و تنها افراد بیمار دل

ص: 114

1- (1) ..

2- (2) این شعر مرحوم حمیری بر پایه روایتی سروده شده که حارث همدانی با حضرت گفتگو می کند و حضرت در بخشی از آن گفت و گو می فرماید: «وَأُبَشِّرُكَ يَا حَارِثُ لِيَعْرِفُنِي وَلِيِّيَ وَعَدُوِّي فِي مَوَاطِنَ شَتَّى لِيَعْرِفُنِي عِدَّةَ الْمَمَاتِ وَعِدَّةَ الصَّرَاطِ وَعِدَّةَ الْحَوْضِ وَعِدَّةَ الْمُقَاسَمَةِ: أَي حَارِثُ دُوسْت وَدَشْمَن مَرَادِر جَايْغَاهِي چَند خَوَاهَد شَنَاخْت، هَنَگَام مَرِگ، هَنَگَام گَذهِشْتَن اَز صَرَاط، نَزْد حَوْضِ کُوثَر وَ هَنَگَام مَقَاسَمَه...» بحار الأنوار، ج 65، ص 121..

در آن تردید می نمایند.

## حدیث رد الشمس

س 114: برخی تلاش کرده اند با دلایلی که ذیلا نقل می کنیم حدیث ردّ الشمس (1) را انکار کنند:

اول: ممکن نیست که حضرت علی علیه السلام نماز خود را از اول وقت تا هنگام غروب خورشید به تأخیر بیندازد و نقل شده که حضرت علی علیه السلام نماز را حتی در سخت ترین شرایط و شدیدترین موقعیت ها و هنگام چکاچک شمشیرها و نیزه ها و جنگ هم بر پای می داشت.

دوم: نگه داشتن خورشید از حرکت خود به سمت مغرب و یا برگرداندن آن از غرب به شرق، بر حرکت مدار (فلک) تأثیر دارد و موجب به عقب افتادن هر چند اندک زمان می گردد. چنین چیزی هم قابل اخفا نمی باشد اما در عین حال، تاریخ نیز گزارش نداده که مردمی چنین حادثه مهمی را دیده باشند.

سوم: در روایتی نقل شده که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالت دریافت وحی، به حضرت علی علیه السلام تکیه داده بود که در این هنگام، بی حال شد و تا غروب خورشید به هوش نیامد. با این همه، چنین حادثه ای هم نمی تواند عذر شرعی به تأخیر انداختن وقت نماز قلمداد شود.

ج: باسمه جلت اسمائه

قبیح تأخیر نماز از وقت معین آن به لحاظ فوت شدن نماز از

ص: 115

---

1- (1) حدیث رد الشمس این است که در یک جنگی، معرکه به حدی شدید بود که نقل می شود حضرت نتوانست نماز بخواند تا متوجه شد آفتاب در حال غروب کردن است لذا امر کرد و خورشید بازگشت و نماز خواند و این را یکی از کرامات حضرت نقل می کنند..

وقت مشخص شده می باشد و هیچ مصلحتی جایگزین آن نمی شود؛ اگر فرض را بر این بگیریم که این مصلحت از دست نرود به گونه ای که دو وقت، یکی قبل از بازگرداندن خورشید و یکی بعد از بازگرداندن خورشید، برای حضرت فراهم باشد، نه تنها قبحی صورت نگرفته که حتی تأخیر وقت نماز هم صدق نمی کند و امام عملاً نماز را در وقت خودش به جای آورده است.

طبیعتاً هر کس دقت کند این را متوجه می گردد و در نتیجه پاسخ دلایل اول و سوم را روشن درک می کند.

در دلیل دوم به این موضوع اشاره شده است که اگر خورشید برگردانده و یا نگه داشته شود، بر وضعیت فلکی تأثیر می گذارد، در پاسخ باید گفت که این امر در صورتی است که انجام این کار تابع شرایط و عوامل طبیعی باشد ولی اگر به صورت معجزه الهی اتفاق بیفتد تابع شرایط حاکم نخواهد بود.

و اما این که گفته اید تاریخ، این حادثه را نقل نکرده، اگر منظورتان تاریخ مسلمانان است به عکس، متون تاریخی شیعه و سنی به مقدار فراوان این حادثه را نقل کرده اند؛ اما اگر منظورتان تاریخ ملل دیگر است ادعای این که آنان این حادثه را نقل نکرده اند نیاز به جستجو و پی گیری دارد (که آیا نقل کرده اند و یا نکرده اند؟).

اگر فرض را بر این بگیریم که ادعای شما درست باشد چه بسا به این دلیل است که بسیاری از ملل مذکور در آن زمان مشخص، در حال سپری کردن شب بوده اند و به علت نبود خورشید،

امکان اطلاع از موضوع را نداشته اند. البته ممکن است در این مورد دلایل دیگری هم وجود داشته باشد.

### فضیلت امیرالمؤمنین در قضایایی مانند لیله المبیت

س 115: برخی ایراد گرفته اند که اگر امیر المؤمنین علیه السلام به برخی اصحابش مانند رُشید الهَجْری و سلمان فارسی، علم منایا و بلایا (اجل ها و حوادث) را یاد داده، بنابراین خود آن حضرت به طریق اولی چنین علمی داشته و به اجل و سرنوشت خود آگاه بوده است. با توجه به این موضوع، فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام در قضایایی مانند خوابیدن در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله در شب هجرت آن حضرت به مدینه، رویارویی با عمرو ابن عبدود در جنگ خندق و دیگر موقعیت ها که با مرگ خود روبرو شد، چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

پیش از این نیز به سؤالی در همین موضوع پاسخ دادیم و گفتیم که فضیلت معصوم علیهم السلام در یقین او نهفته است. اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مثلاً به شخصی غیر معصوم خبر می داد که در شب لیله المبیت نخواهد مرد و سپس از او می خواست تا در خوابگاهش بماند و پیامبر صلی الله علیه و آله را از خطر شمشیرهای مشرکین حفظ کند، بدون تردید هنگام دیدن برق شمشیرها در اطراف خود، پا به فرار می نهاد. این است که فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام را بر دیگران روشن می کند، زیرا آنان گرچه به سرنوشت و عاقبت کار خود و زمان آن آگاه و دانا

ص: 117

بودند ولی یقینی داشتند که از علمشان جدا نبود بلکه قرین و همراه تمامی آن آگاهی بود و همین ارزش کار را بالا می برد و فضیلت را بر ملا می کند.

## فدک در دوران خلافت امام علی علیه السلام

س 116: حضرت امام علی علیه السلام درباره وضعیت فدک در دوره خلافت خود چگونه عمل نمودند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

گروهی بر اساس این کلام امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه که:

«بله فدک در اختیار ما قرار داشت»<sup>(1)</sup> چنین برداشت کرده اند که زمین فدک در دوره خلافت ایشان در دست حضرتش بوده است، ولی این برداشت بسیار بعید به نظر می رسد، بویژه آنکه، این فرموده در دوره خلافت حضرت علیه السلام و به صیغه ماضی بیان شده است به گونه ای که استنباط می شود فرموده ایشان اشاره به دوره پیش از خلافت حضرتش دارد.

در هر صورت شواهد تاریخی در زمینه عملکرد حضرت امام علی علیه السلام در مورد فدک در هنگام خلافت ایشان در دسترس نمی باشد و مشخص نیست که ایشان آن را باز پس گرفتند و سود آن را در اختیار وارثان حضرت زهرا علیها السلام قرار دادند یا آن را با توجه به شرایط زمان به شکل گذشته اش

ص: 118

---

1- (1) . بلی کانت فی ایدینا فدک؛ نهج البلاغه، نامه امام علی علیه السلام به عثمان بن حنیف، ش 45..



## انتخاب زیاد به عنوان والی

س 117: به چه دلیل امام امیرالمؤمنین علیه السلام، زیاد ابن ابیه (لعنه الله علیه) را به عنوان والی منصوب نمود؟ به چه دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمرو ابن العاص را به ریاست یکی از سریه ها (1) انتخاب فرمودند؟ در حالی که تبهکاری و حرام زادگی آنها آشکار بود.

مسئله دیگر این که بر اساس عرف آن دوره، امامت نماز جماعت نیز از وظایف والی و فرمانده سریه بوده و آنچنان که معلوم است هر دوی آنها زنازاده بوده اند. این در حالی است که طبق دلایل موجود، امامت نماز جماعت بر زنازاده جایز نمی باشد؛ پس چگونه می توان سرپرستی و فرماندهی آنان را صحیح دانست؟ آیا استلحاق (2) تنها در این مورد کافی است یا به دلیل دیگری هم نیازمندیم؟

ج: باسمه جلت اسمائه

امام علیه السلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس ظاهر افراد عمل می نماید، همین طور است در زمینه نسب افراد که بر اساس قاعده «فرزند از آن بستر است»، یعنی بر اساس ظاهر و نه واقعیت، عمل می شود. در زمینه منصوب نمودن افرادی که به فساد و تبهکاری معروف هستند، این مورد بر اساس مصالح برتری صورت می گیرد که تنها معصوم علیه السلام از آن آگاه می باشد و

ص: 119

---

1- (1) . سریه: به نبردهایی گفته می شود که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله رهبری آن را بر عهده نداشته و کسی را به فرماندهی می گماشتند..

2- (2) . یعنی اینکه انسان، دیگری را در نسب، به خود ملحق کند..

نه صرفاً به دلیل صلاحیت فرماندهان و والیان. داستان سپاه اسامه بهترین دلیل از این دست مصلحت بینی ها می باشد.

اما در زمینه امامت جماعت، واضح است که حتی به فرض وجود تلازم میان تصدی مقام ولایت بر مردم با امام جماعت بودن احراز صلاحیت امام از وظایف نمازگزار می باشد و نه وظیفه کسی که او را به ولایت و فرماندهی منصوب کرده است.

### دختران حضرت علی علیه السلام

س 118: آیا امام علی علیه السلام به جز از حضرت زهرا علیها السلام از زنان دیگر خود نیز دخترانی داشته است؟ آنها چه کسانی هستند و مادرانشان کدام اند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ایشان چند دختر داشته است: 1. رقیه که مادرش ام حبیب دختر ربیعہ تغلیبه است؛ 2. ام الحسن؛ 3. رمله کبری؛ و 4. ام کلثوم صغری که مادرشان ام سعد دختر عروه ابن مسعود ثقفی است؛ 5. و دختری که در کودکی درگذشته و مادرش مخباه کلیبه است؛ 6. ام هانی؛ 7. میمونه؛ و 8. زینب صغری، که مادرشان ام ولد است.

و نیز 9. رمله صغری؛ 10. رقیه صغری؛ 11. فاطمه؛ 12. امامه؛ 13. خدیجه؛ 14. ام الکرام؛ 15. جمانه که به ام جعفر مشهور است؛ و 16. نفیسه، که از مادران دیگری می باشند.

### عصمت حضرت زینب علیها السلام یا حضرت عباس علیه السلام

ص: 120

س 119: نظر شیعه درباره عصمت افرادی مثل حضرت زینب علیها السلام یا حضرت عباس علیه السلام چیست؟ آیا این بزرگواران جزء اهل بیت منظور در آن آیه شریفه می باشند یا خیر؟

ج: باسمه جلت اسمائه

علماء شیعه عصمت در اسلام را به چهارده معصوم علیهم السلام منحصر می دانند، ولی این دو بزرگوار هر مقام عالی که تصور کنید غیر از عصمت، واجد بودند بلکه بعضی از بزرگان درباره حضرت زینب علیها السلام - چون اسرار امامت برای حفظ جان امام سجاد علیه السلام به ایشان سپرده شده بود - نوشته اند: «اگر کسی بگوید آن حضرت ولو در آن مدت دارای عصمت بودند من اعتراضی نمی کنم»، به هر حال آن دو بزرگوار از افرادی بودند که بقاء اسلام به واسطه اعمال آنان است.

### غیرت و تعصب اهل بیت علیهم السلام

س 120: یک مسأله مدام ذهن مرا به خود مشغول کرده که برایم غیر قابل تحمل شده است و آن این که همیشه از غیرت اهل بیت علیهم السلام در مناسبت های مختلف خوانده و شنیده ام، از آن جمله عملکرد امام حسین علیه السلام هنگام شهادت فرزند بزرگوارش علی اکبر علیه السلام که از ترس هتک حرمت خواهر گرامی شان حضرت زینب علیها السلام به سوی ایشان شتافتند و بدن مبارک فرزند بزرگوار خود را در میدان کربلا رها نمودند. حال این سؤال به ذهن می رسد که هنگام یورش ستمگران به بانوی گرامی حضرت زهرا علیها السلام، حضرت امام علی علیه السلام کجا بودند؟ موضع ایشان چه بود؟ و چه دلایلی پیرامون این موضع گیری ایشان داریم؟!

ص: 121

بر کسی پوشیده نیست که ما به عنوان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در وهله نخست باید نسبت به عملکرد ایشان حالت تسلیم و رضایت داشته باشیم، حتی اگر مقصود و هدف امور بر ما پوشیده باشد، زیرا ممکن است رازی در میان باشد و یا ما توانایی فهم امور را نداشته باشیم.

در این مورد از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است: «امور ما بسیار سخت و دشوار است به گونه ای که جز برای فرشته ای مقرب یا پیامبری فرستاده و یا بنده ای که خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد قابل تحمل نمی باشد»<sup>(1)</sup>.

اما درباره واکنش حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در مقابل این واقعه باید بگوییم که: بی تردید حضرت امیر مؤمنان علیه السلام سرور و آقای تمام غیرتمندان می باشند ولی اگر بقای دین الهی به قیمت صبر آن حضرت علیه السلام بر تحمل تمامی سختی ها و دشواری ها توسط ایشان و اهل بیت گرامی شان قرار گیرد بی گمان ایشان صبر و شکیبایی خواهند نمود، بخصوص اگر این مصائب پیش از این توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان اطلاع داده شده باشد و او را به صبر و شکیبایی دعوت نموده باشد. با این وجود ایشان غیرت علوی خود را آشکار نمودند و اظهار

ص: 122

---

1- (1) إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَتَحْمَلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مَقْرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مَرْسَلٌ، أَوْ عَبْدٌ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ؛ الخصال، ص 624..

فرمودند که اگر وصیت و سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نبود از آنها باک و هراسی نداشتند، چنانکه در برخی از روایات آمده است:

«علی علیه السلام به سمت عمر یورش برد، گریبانش را گرفت، او را به زمین زد، ضربه ای به بینی و گردن او نواخت و قصد نمود او را به قتل برساند، اما به یاد فرموده و سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله افتاد و فرمود:

ای پسر صهاک (منظور عمر ابن خطاب است) به خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به نبوتش گرامی داشت سوگند که اگر امر و عهد خداوند به رسولش صلی الله علیه و آله و سلم نبود هرگز قدرت داخل شدن به منزلم را نداشتی» (1).

### خطاب حضرت فاطمه علیها السلام بحضرت امیر علیه السلام، اعتراض یا بیان فضیلت

س 121: آیا سخنان حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام که فرمودند: «یا بن ابی طالب اشتملت شمله الجنین وقعدت حجره الضنّین، نقضت قادمه الجدل فخانک ریش الأعزل، هذا ابن ابی قحافه یبتزنی نحلّتی وبلغه ابنی، ویلاه فی کل شارق ویلاه فی کل غارب، مات العمد ووهن العضد... إلى آخره» اعتراض به مقام امامت می باشد یا بیان فضیلت ایشان؟

ص: 123

---

1- (1) فقال علیه السلام: «یا بن صِهاک - لو لا کتابٌ مِنَ الله سبق، و عَهْدُهُ إِلَى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لَعَلِمْتَ أَنَّک لا تدخل بیتی»؛ کتاب سلیم بن قیس، ص 150؛ بیت الأحران، ص 110؛ بحار الانوار، ج 26، ص 266؛ تفسیر قمی، ج 159، ص 2..

ج: باسمه جلت اسمائه

مثال «همچون جنین در شکم مادر زانوانت را بغل کرده ای» به این معناست که فانی فی الله می باشی و اصلاً متوجه مسائل دنیا مانند ریاست، حکومت و... نیستی، مانند کودکی که از مسائل خارج از شکم مادر بی خبر است و کسی که برای رضای خدا با اینکه قدرت بر انجام هر کاری دارد تحمل اذیت بکند و آن کار را انجام ندهد در نظر مردم متهم محسوب می شود، این نتیجه کاری است که برای خدا نموده تا عین فناء فی ذات الله باشد و این لباس فناء فی ذات الله را اراده و اختیار نموده نه برای قصور یا تقصیر، این همان لباس بی اعتنائی به دنیا و کافران است و برای همین «لا تأخذ فی الله لومه لائم».

### دلیل غصب خلافت از حضرت علی علیه السلام

س 122: آیا این درست است که دو نفر اول که حق امیرالمؤمنین علیه السلام را در خلافت غصب کردند با اهل بیت علیهم السلام دشمنی نداشتند، بلکه تنها برای دست یابی به مقام و ریاست کل مملکت اسلامی با اهل بیت علیهم السلام مخالفت کردند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

اگر شما قبول دارید که حق امام علی علیه السلام را غصب کردند، پس دشمنی یا عدم دشمنی آنان، تأثیری ندارد؛ برای این که گناه ترک تمام واجبات دینی از غصب خلافت سبک تر است. اینان چه کارها که در حق صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام - که جانمان

ص: 124

فدای او باد - نکردند؟! کارهایی که آن قدر عیان بود که حاجت به بیان ندارد. آیا دشمنی و خصومتی بدتر از این سراغ دارید؟

### خانه نشینی علی علیه السلام

س 123: برخی افراد به دلیل کناره گیری و خانه نشینی حضرت امام علی علیه السلام پس از درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان عیب جویی می نمایند و حال آنکه مصیبت ها و سختی های بزرگی برای ایشان و همسر گرامی شان حضرت فاطمه علیها السلام پیش آمده است. شما چه پاسخی برای این افراد دارید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام خود دلیل کناره گیری و دست کشیدن از مطالبه حق خود را در بسیاری از سخنان بیان فرموده اند، از جمله این سخنان در خطبه شقشقیه که می فرماید: «هان! به خدا سوگند که پسر ابی قحافه (ابوبکر) جامه خلافت را پوشید در حالی که می دانست خلافت جز مرا نشاید، که سنگ آسیاب تنها گرد استوانه به گردش در می آید.

کوه بلند را مانم که سیلاب از ستیغ من ریزان است و مرغ از پریدن به قله ام گریزان، [چون چنین دیدم] دامن از خلافت بر چیدم و ژرف بیندیشیدم که چه باید کرد و از این دو کدام را باید انتخاب نمود؟ با دست تنها بستیزم یا صبر پیش گیرم در حالی که جهان تیره است، بلایی که پیران در آن فرسوده شوند و خردسالان پیر می گردند و دیندار تا روز ملاقات خدای خود در

ص: 125

چنگال رنج اسیر می باشد! چون نیک سنجیدم، شکیبایی را خردمندانه تر دیدم و به صبر گراییدم در حالی که دیده از خار غم خسته بود و آوا در گلو شکسته، میراثم ربنده این و آن و من بدان نگران».

و نیز از فرمایشات حضرت علی علیه السلام است که:

«به خدا سوگند تا زمانی که امور مسلمانان به سامان باشد راضی هستم و در این حالت تنها بر من ستم رفته است، امیدوارم خداوند مرا در مقابل آن اجر عنایت فرماید و نسبت به زیورهای دنیوی که در مورد آنها با هم رقابت نمودید زاهد و پارسا گرداند».

### محاكمه نكردن قاتلان عثمان

س 124: به چه دلیل امام علی علیه السلام قاتلان عثمان را محاکمه نفرمودند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

احتمالاً دلیل عدم محاکمه قاتلان توسط امام علی علیه السلام به خاطر ماهیت کشندگان، بوده است مانند آن زن که گفت: «این پیر نادان را بکشید که کافر شده است».<sup>(1)</sup>

هم چنین آن گروهی که از مصر و جاهای دیگر آمده بودند

ص: 126

---

1- (1) رک: بحارالانوار، ج 31، صص 295 و 483: در آن جا آورده شده است که بعد از بحثی که میان عثمان و عایشه گذشت، عایشه پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیرون آورد و به مردم نشان داد و گفت: این پیراهن رسول خداست که هنوز خشک نشده است، در حالی که این مرد سنت او را تغییر داده است، سپس گفت: «اقتلوا نعثلا، قتل الله نعثلا: این پیر نادان را بکشید، خدا او را بکشد».



به یکباره و به صورت ناگهانی به منزل او یورش بردند و به همین خاطر امکان شناسایی قاتل وجود نداشت تا او را محاکمه نمایند.

### صحابه حاضر در واقعه غدیر

س 125: تعداد صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در واقعه غدیر حاضر بودند به چند نفر می رسید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

روایات بسیاری که از شیعه و اهل سنت نقل شده است مشخص می نماید که حاضرین در واقعه غدیر بیش از صد هزار نفر بوده اند.

### نام گذاری فرزند حضرت علی علیه السلام به نام عثمان

س 126: در روایتی آمده است که حضرت علی علیه السلام به دلیل محبت نسبت به عثمان ابن مظعون، فرزند خود را عثمان نام نهادند. منبع این روایت را بیان فرمایید؟

ج: باسمه جلت اسمائه

این روایت توسط ابوالفرج اصفهانی در کتاب «مقاتل الطالبین» آورده شده و نص روایت این است که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«همانا او را به نام برادرم عثمان ابن مظعون نامگذاری کردم»<sup>(1)</sup>.

ص: 127

---

1- (1) إِمَّا سَمَّيْتَهُ بِاسْمِ أَخِي عِثْمَانَ بْنِ مِظْعُونٍ؛ بحار الانوار، ج 45. (لازم به توضیح است که نام خلیفه سوم «عثمان بن عفان» بود و او غیر این فرد مذکور است)..

س 127: آیا امیر مؤمنان علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام در نمازهایشان به خلفا و ستمگران زمان خود اقتدا می نمودند؟ و آیا این عمل همیشگی بوده است یا موقت؟ زیرا در روایتی خواندم که خالد ابن ولید، ابوبکر و عمر قصد ترور حضرت علی علیه السلام را داشتند و از مضمون روایت مشخص می شود که حضرت علیه السلام در نماز خود به ابوبکر اقتدا فرموده بود، در عین حال روایت دیگری در دست داریم که بیان می دارد، حدیفه به منافقان اقتدا نمی نمود، چگونه است که حدیفه از اقامه نماز به امامت منافقان امتناع می کند ولی امیرالمؤمنین علیه السلام امتناع نمی فرمایند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

از جمله آموزه های دینی، تقیه از روی هراس و بیم می باشد که خداوند آن را جهت پایداری دین خود به وسیله حفظ جان اهلش تشریح نموده است و از همین رو به آنان اجازه فرموده تا برای حفظ خون ها، جان ها، اموال و ناموس خود هنگام ضرورت بر خلاف آنچه در موقعیت های عادی موظف به انجامش هستند، عمل نمایند.

از جمله کارهایی که در فراگیر نمودن دین خداوند متعال و بالا بردن موقعیت اسلام و مسلمانان دخالت دارد، تقیه مدارایی می باشد.

منظور از این نوع تقیه هم زیستی نیکو با اهل سنت است که شامل: نمازگزاردن همراه ایشان، عیادت از بیمارانشان،

شرکت در مراسم ترحیم درگذشتگان و به طور کلی هر موردی می شود که همبستگی اسلامی، پشتیبانی از دین خدا و بزرگداشت مقام اسلام و مسلمین در برابر کفار و مشرکین را به ارمغان می آورد.

هر موردی که حاکی از برخورد نیکوی بعضی از معصومین علیهم السلام با سرکشان دوره خود باشد - البته در صورتی که ثابت شود - زائیده یکی از این دو نوع تقیه می باشد.

از آنجا که این مسأله با توجه به جایگاه و شرایط افراد نسبت به هم تفاوت می کند بنابراین امکان دارد که معصوم علیه السلام با عمل به تقیه، رفتاری را انجام دهد که انجام آن برای شخص دیگری که ملزم به تقیه نیست جایز نباشد. (1)

### علی علیه السلام و سپاه اسامه

س 128: آیا در اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام را از پیوستن به اردوی سپاه اسامه ابن زید مستثنی نموده است، دلیل نقلی در دست داریم؟

ص: 129

---

1- (1) البته در کتاب شریف احتجاج مرحوم طبرسی، ترجمه غفاری مازندرانی، ج 1، ص 342 آورده است: شیخ ابو جعفر القمی رضی الله عنه که از اعیان علمای شیعه اثنا عشریه است در کتاب بهجه المناهج و در بعض کتب دیگر از مصنفات خود نقل کرده که هرگز امیر المؤمنین علی علیه السلام بیعت با ابابکر و عمر و عثمان نکرد و در عقب ایشان نماز نگزارد و چون آن جماعت وفات یافتند، آن حضرت به نماز جنایز ایشان حاضر نشد و اگر به ضرورت به جهت الزام خصم به مجلس ایشان می رفت سلام نکرده و اظهار عداوت از آن جماعت می نمود، بلکه طعن و لعن می فرمود..

ج: باسمه جلت اسمائه

مطمئناً امام علی علیه السلام به سپاه اسامه نپیوسته است. این موضوع از دو حالت خارج نیست: یا اینکه این نپیوستن واجب و جائز بوده و یا اینکه حرام بوده است.

اگر مورد اول باشد که اشکالی ایجاد نمی شود و اگر بگوییم مورد دوم بوده در این صورت مخالف فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که «علی علیه السلام همراه حق است و حق همراه اوست»، و نیز این فرموده که «او [علی] همراه قرآن است و قرآن همراه او می باشد». اضافه می کنم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نشده که او را مانند دیگران از نزد خود بیرون کرده و اجازه نشستن در کنار بستر خود را هنگام احتضار به او نداده باشد، نیز هیچ یک از مسلمانان ادعا نمی کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام مرگ از او ناراضی بوده در صورتی که این مطلب در مورد دیگران گفته شده است.

### محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زهرا علیها السلام و علی علیه السلام

س 129: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «فاطمه را از همه بیشتر دوست می دارم و علی را از همه گرامی تر می دانم» (1)، مفهوم این روایت چیست؟

ج: باسمه جلت اسمائه

به نظر می آید که نوعی ملازمت میان دوست داشتن یک چیز و

ص: 130

---

1- (1) فاطمه أحبّ إلیّ، وعلیّ أعزّ علیّ؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 202؛ منتخب کنز العمال، ج 5، ص 97؛ ینایع الموده، ج 2، باب 56، ص 79..

گرامی داشتن آن وجود دارد، زیرا کسی که دیگری را دوست داشته باشد او را گرامی نیز می‌دارد و هر که شخصی را گرامی بدارد در واقع دوست دار او هم هست.

بر این اساس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با گفتن عبارت «فاطمه أحبّ إليّ، وعليّ أعزّ عليّ»، در صدد آن است که محبت و گرامی داشت همسان خود نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام را آشکار سازد.

چرا که محبوب‌ترین شخص برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دیدگاه ایشان عزیزترین هم هست و عزیزترین فرد برای وی، در واقع محبوب‌ترین انسان‌ها نزد وی هم به شمار می‌رود؛ بر این اساس می‌توان گفت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان مقصود خود، از تنوع واژگان بهره گرفته و به عنوان خداوندگار فصاحت و بلاغت، معنای زیبای مورد نظر خود را با الفاظ زیبا بیان نموده است.

نتیجه آنکه حدیث نبوی «فاطمه أحبّ إليّ» هیچ تعارضی با حدیث «الطائر المشوی»<sup>(1)</sup> ندارد، چرا که خدای متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی و فاطمه علیهما السلام را از همه مردم، بیشتر دوست دارند.

ص: 131

---

1- (1). به معنای مرغ بریان، در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در صدد خوردن مرغ بریان برمی‌آید و دعا می‌کند که خداوند محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خود را بر سر سفره حاضر نماید تا همراه ایشان به خوردن مرغ بریان بپردازد که پس از اندک زمانی حضرت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آید و هر دو به خوردن غذا مشغول می‌شوند. خصائص نسائی، ص 31..

س 130: در برخی روایات آمده «پیش از حضرت آدم، هزار هزار آدم دیگر بوده است»؛ یعنی سابقاً دوره های مختلف بشری غیر از دوره ما وجود داشته است.

هم چنین نقل شده در این گُرات آسمانی که می بینید، موسایی مانند موسای خودتان و ابراهیمی مانند ابراهیم شما وجود دارد. آیا در خلق خدا و در جهانیان کسانی هستند که در فضیلت، مساوی با اصحاب کساء (پنج تن آل عبا) باشند؟ یا اصحاب کساء به طور مطلق افضل از خلائق اند، به نحوی که برتری فضایلشان شامل دوران حضرت آدم و تمامی دوره های پیش از حضرت آدم نیز می شود؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در روایات فراوانی - با اختلاف مضمون - آمده است که بین وجود واجب الوجود و وجود ممکن الوجودها (مخلوقات) مرتبه وجودی با شرافتی وجود دارد که وجود ممکنات از آن مرتبه تراوش کرده و فیض از مبدأ (واجب الوجود) به ممکنات جاری شده است.

این روایات به طور اجمال چنین تعبیر می شود که خداوند تعالی از نور خود این نور را آفرید، سپس نورهای دیگر را از این نور آفرید و یا بگوییم آن را شکافت (مشتق نمود) و نورهای دیگر را از آن پدیدار کرد.

بنابر این آنچه از وی در آغاز آفرینش صادر شد، موجود با

شرافتی است که در اوج نورانیت بود و او از مبدأ وجود دارای نوری شد که تمامی عالم را فراگرفت. مظهر و تجلی این نور در عالم طبیعت، جسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.

سپس جانشین او که نفس و جان او به حساب می آید، هم چنین دخترش که پاره تن اوست و امامان معصوم علیهم السلام که زاده های دخترش و نسل او هستند. همگی نوری یگانه اند. طبعاً ایشان نسبت به تمامی مخلوقات (افضلیت و) برتری دارند زیرا اگر نبودند (ممکنات دیگر) آفریده نمی شدند.

## محبت غلات

س 131: صحّت حدیث نبوی «تنها مؤمنان او را دوست دارند و تنها منافقان با او دشمنی می کنند»<sup>(1)</sup> در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام مورد تأیید و پذیرش مسلمانان است.

اکنون چگونه می توان محبت غلات (غلو کنندگان) نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام را تفسیر کرد و حال آنکه اینان محکوم به کفرند؟

ج: باسمه جلت اسمانه

از دلایل ویژه این امر، چنین بر می آید که محبت مردم نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام باید برآمده از پذیرش بندگی ایشان در برابر خداوند باشد و این محبت است که مورد رضای خدای متعال و امیرالمؤمنین علیه السلام قرار می گیرد. اما اگر کسی امیرالمؤمنین علیه السلام

ص: 133

---

1- (1). لایحبه إلا مؤمن، ولایبغضه إلا منافق؛ تفسیر طبری، ج 13، ص 72؛ المستدرک، حاکم، ج 3، ص 127..

را به عنوان خدا، دوست داشته باشد، محبت او نه یک محبت واقعی که ادعای محض است.

## تفسیر سخنان علی علیه السلام در نامه ای به معاویه

س 132: امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به معاویه می نویسد:

«همان مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند بر همان مینا با من هم بیعت نموده اند، پس کسی که در این بیعت حاضر بوده است، حقی ندارد که کس دیگری را انتخاب کند و کسی که غایب بوده است، نمی تواند آن را رد کند و جز این نیست که شورا در اختصاص مهاجرین و انصار است. پس اگر دور مردی جمع شدند و او را امام نامیدند چنین کاری مورد رضای خداوندی است.»<sup>(1)</sup> این سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام را چگونه تفسیر می کنید؟

ج: باسمه جلت اسمانه

امیرالمؤمنین علیه السلام نامه های دیگری هم به معاویه نوشته است، به عنوان مثال در نامه هفتم نهج البلاغه خطاب به معاویه چنین آمده است: «پس از حمد و ثنای خداوندی و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دودمان او، پندی از تو که از جملاتی به هم چسبیده و رساله ای آرایش کرده تشکیل یافته، به من رسید.

ص: 134

---

1- (1). إِنَّهُ بَايَعَنِي الْقَوْمُ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ عَلَيَّ مَا بَايَعُوهُمْ عَلَيَّ، فَلَمْ يَكُنْ لِشَاهِدِي أَنْ يَخْتَارَ، وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَرُدَّ، وَإِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، فَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ رَجُلٌ وَسَمَّوْهُ إِمَامًا كَانَ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضَى: نهج البلاغه، نامه امام علی علیه السلام به معاویه، نامه 6..



آن را با رأی فاسد خود امضا کرده ای. این نامه از مردی است که برای او نه بینایی هدایت کننده ای وجود دارد و نه راهنمایی که او را به رشد و کمالش برساند.

[نویسنده نامه] مردی است که هوی او را خواننده و او اجابتش کرده است و گمراهی او را رهبری نموده است، او هم از آن پیروی نموده است. در نتیجه این نابخاری ها، سخنی گفته است با مغلظه کاری، و گمراهی را پیش گرفته است در جهل ساقط کننده» (1).

با نگاهی به نامه های امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه مشخص می شود که ایشان بر اساس اعتقاد عموم مردم با معاویه سخن گفته است چرا که ایشان از رهگذر مدارا و تقیه، با مردم معاشرت می کرد و از همین رو درصدد آن بود تا بر پایه اعتقادات معاویه، وی را به کرنش در برابر استدلال خود وادار نماید.

### ممسوس فی ذات الله تعالی

س 133: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «لَا تَسْبُوا عَلِيًّا؛ فَإِنَّهُ مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى» (2)، مقصود از عبارت «ممسوس فی ذات الله تعالی» چیست؟

ص: 135

- 
- 1- (1) أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ أَتَنَى مِنْكَ مَوْعِظَةً مُوَصَّلَةً، وَرِسَالَةً مُحَبَّرَةً، نَمَّقْتَهَا بِضِدِّ الْأَلِيكِ، وَأَمَّضَ يَتِيهَا بِسُوءِ رَأْيِكَ، وَكُتَابُ امْرِئٍ لَيْسَ لَهُ بَصَرٌ يَهْدِيهِ، وَلَا قَائِدٌ يُرْشِدُهُ، قَدْ دَعَا الْهَوَى فَأَجَابَهُ، وَقَادَهُ الضَّلَالُ فَاتَّبَعَهُ، فَهَجَرَ لِأَعْطَا، وَضَلَّ حَابِطًا؛ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، نَامَةٌ 7..
- 2- (2). بحار الانوار، ج 39، ص 313؛ حلیه الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ج 1، ص 68..

گاهی اوقات، واژه ممسوس به معنای دیوانه به کار می رود که در این صورت، روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدین معناست که امیرالمؤمنین علیه السلام آنقدر خدای تعالی را دوست دارد و رضای او را دنبال می کند که گویا در راه عشق به او دیوانه شده است؛ در مورد صفات مؤمنین کامل نیز آمده است که هر کس به آنان بنگرد گمان می کند دیوانه شده اند، این احتمال هم وجود دارد که معنای مجازی ممسوس، مدّ نظر باشد که در این صورت، آمیخته شدن عشق خداوند با گوشت و خون امیرالمؤمنین علیه السلام از آن برداشت می شود.

### نطبق چند حدیث با آیه «وَلَا تَزُرُ...»

س 134: از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: «همه مردم زنزاده اند جز شیعیان ما»<sup>(1)</sup>؛ هم چنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «خداوند بهشت را پاک و مطهر آفریده و تنها کسانی وارد آن می شوند که حلال زاده باشند»<sup>(2)</sup>، ایشان در روایت دیگری می فرمایند:

«اگر زنزاده نجات می یافت قطعاً سایح بنی اسرائیل نجات پیدا می کرد»<sup>(3)</sup>، مقصود از زنزاده در این روایات چیست؟ آیا معنای لغوی و

ص: 136

1- (1) . إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَوْلَادُ بَغَايَا مَا خَلَا شِيعَتَنَا؛ اصول کافی، ج 8، ص 275..

2- (2) خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ طَاهِرَةً مَطْهَّرَةً، لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ؛ صدوق در العلل به سند از سعد بن عمر الجلاب نقل کرده است..

3- (3) . لَوْ كَانَ أَحَدٌ مِنْ وَلَدِ الزَّنَا نَجَا لَنَجَا سَائِحُ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 264..

عرفی آن مدّ نظر است؟ چگونه می توان این احادیث را با آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (1) تطبیق داد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

عبارات بعدی حدیث نخست، معنای زنازادگان را مشخص می کند چه در آن آمده است: «ما صاحبان خمس و غنائم هستیم و جز شیعیان، آن را بر همه مردم حرام نموده ایم. ای ابوحمزه! به خدا سوگند که هر سرزمینی فتح شود و هر خمسی پرداخت گردد و چیزی از آن، در اختیار کسی قرار گیرد حرام است چه به صورت زن و همسر باشد و چه به صورت مال و ثروت» (2).

سایر روایات مربوط به زنازادگان را، هم می توان به معنای روایت نخست، دانست و هم معنای حقیقی را از آنها برداشت نمود و آن اینکه زنازاده به خاطر رفتار منحرف و مسائل وراثتی نمی تواند عاقبت به خیر شود چنان که زیاد ابن ابیه و بسیاری از جنایتکاران تاریخ چنین بوده اند.

### حدیثی درباره دشمن علی علیه السلام

س 135: در حدیثی آمده است: «شیطان با مادر دشمن علی علیه السلام زنا

ص: 137

1- (1) و هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر نمی دارد؛ انعام: 164..

2- (2) فنحن أصحاب الخمس والفیء، وقد حرّمناه علی جمیع الناس ما خلا شیعتنا. و الله یا ابا حمزه، ما من أرض تفتح، ولا خمس یخمس، فیضرب علی شیء منه إلا کان حراماً علی من یصیبه، فرجاً کان أو مالا؛ اصول کافی، ج 8، ص 285..

می کند»، (1) لطفاً منابع این حدیث در کتب روایی شیعه و سنی را ذکر نمایید و بفرمایید اعتبار این حدیث و صحت سند آن چگونه است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

در روایات متواتر معصومین علیهم السلام می خوانیم که دشمن امیرالمؤمنین علیه السلام، زنازاده است و از آنجا که واژه شیطان در قرآن کریم، در مورد انسان هم به کار رفته، بنابراین مراد از شیطان در روایت مذکور، انسان شیطان صفتی است که با مادر دشمن علی علیه السلام زنا می کند؛ هم چنین احتمال می رود که مقصود از شیطان در روایت مذکور، ابلیس باشد چرا که عامل زنا بوده و عامل زنا، زناکار محسوب می شود چه در برخی مواقع، علت یک عمل از انجام دهنده آن عمل، قوی تر است.

### دلیل عدم ذکر نام حضرت علی علیه السلام در قرآن

س 136: اگر امامت یکی از اصول دین است، پس اهمیت آن از توحید و نبوت و عدل و معاد کمتر نیست، پس چرا آشکارا و جوب آن در قرآن مطرح نشده است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

حدیث غدیر که شیعیان با آن امامت را اثبات می کنند از نظر شیعه و سنی، مسلم و قطعی است زیرا هم از طرف شیعه و هم

ص: 138

---

1- (1) . إنَّ الشَّيْطَانَ يَزْنِي بِأُمَّهَاتِ الْمُبْغِضِينَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ تاریخ طبری، ج 4، ص 76؛ صحیح بخاری، ج 3، ص 1321..

سنی به تواتر نقل شده است. این حدیث آشکارا بیان داشته که پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به امر الهی به جانشینی خود منصوب نمود. در عین حال، خداوند متعال در این باره تأکید نموده و تعهد کرده تا جان پیامبر صلی الله علیه و آله در امان باشد و در اثر اعتراض مردم به انجام این کار گزندی به او نرسد.

ایرادی که بر جانشینی حضرت علی علیه السلام وارد کردند این بود که چرا آشکارا نام علی علیه السلام در قرآن نیامده؟ ولی روشن شده که اگر نام مبارک حضرت علی علیه السلام و امامان دیگر که از فرزندان او هستند در قرآن می آمد، قرآن تحریف می شد. و این است راز عدم ذکر نام علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام در قرآن...؛ علاوه بر این نقل صحیحی از ابی بصیر است که گفت: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردم می گویند: برای چه نام علی و اهل بیتش در قرآن نیامده است؟» امام صادق علیه السلام فرمودند: «به ایشان بگویند حکم نماز بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و خداوند تعداد رکعات که سه یا چهار باشد را معین نکرد و این رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که نماز را چنین تفسیر کرد»<sup>(1)</sup> از این روایت روشن می شود که تمامی روایت هایی که بر ذکر نام ائمه علیهم السلام در قرآن دلالت می کند منظورشان تفسیر و تبیین و یا بیان شأن نزول و تأویل است بدون آنکه خداوند، ابلاغ صریح این مسأله را امر کرده باشد.

ص: 139

---

1- (1). قُولُوا لَهُمْ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَلَمْ يُسَمَّ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَلَا أُزْبِعًا، حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ؛ اصول کافی، ج 1، ص 286؛ بحار الانوار، ج 35، ص 210؛ تفسیر العیاشی، ج 1، ص 249؛ تفسیر فرات کوفی، ص 110..

## اُئمه وسیله تقرب به سوی خداوند

س 137: بین شیعیان رایج شده که هنگام نشست و برخاست «یا علی و یا حسین» می گویند. بانوان نیز هنگام زایمان و یا کارهای سخت، این سخنان را بر زبان می رانند. این سخنان چگونه با قول خدا که می فرماید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (1) و نیز: «فَأَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (2) قابل جمع است؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ما برای شفای بیماری از پزشک کمک می گیریم و این کار با آیات مذکور منافاتی ندارد، زیرا شخصی که از پزشک درخواست کمک می کند بر این باور نیست که او می تواند بدون اراده و قدرت الهی کمک کند، بلکه عقیده دارد وی یکی از وسایل شفای بیماری است که خداوند متعال سیستم هستی را به آن پیوند داده است. طلب یاری از اهل بیت علیهم السلام نیز چنین است و منافاتی با قدرت الهی ندارد، زیرا خود خداوند، ایشان را وسیله تقرب به خود قرار داده است.

## گریستن علی علیه السلام هنگام غسل بدن فاطمه علیها السلام

س 138: روایتی که می گوید امیر المؤمنین علیه السلام هنگام غسل دادن بدن حضرت زهرا علیها السلام گریست، پس علت گریه را از حضرت پرسیدند، فرمود:

ص: 140

---

1- (1) . تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم؛ حمد: 5..

2- (2) از شیطان مطرود به خدا پناه بر؛ نحل: 16:98..

«اثر تازیانه که هنوز در بدن باقی است مرا به گریه آورد» (1) آیا سند معتبر دارد؟

ج: باسمه جلت اسمائه

سند معتبر هم نداشته باشد مقتضی قاعده هم این است که این خبر که حضرت برای دوام اثر تازیانه گریه کرده بودند، صحیح است.

### شهادت بر ولایت حضرت علی علیه السلام

س 139: اضافه نمودن شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین (علیه آلاف التحیه و الثناء) و فرزندان گرامی اش در تشهد نماز چیست؛ آیا جائز است؟ در اذان و اقامه چطور؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ولایت به حکم شرع از مقومات ایمان و کمال دین است به مقتضی آیه کریمه (الیوم اکملت لکم دینکم) و یکی از پنج چیز است که مبنای اسلام می باشد و در این زمان از شعائر مذهب شیعه بلکه اجلی شعار و ابرز امور تشیع است بنابراین همان گونه که در بعضی روایات است که بعد از شهادت به رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله شهادت به ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مطلوب و آن روایت هم مطلق است پس شکی باقی نمی ماند در مطلوبیت شهادت به ولایت فی نفسها، ولی در تشهد من نمی گویم و فتوی به جواز نمی دهم.

ص: 141

## شرکت در نماز جماعت توسط حضرت علی علیه السلام

س 140: آیا حضرت علی علیه السلام در زمان خلافت ابوبکر، عمر و عثمان در نماز جماعت های آنها شرکت می کردند؟

ج: باسمه جلت اسمائه

ثابت نیست بلکه به دیگران هم فرموده اند که اگر به اقتداء مضطر شدید، قصد جماعت نکنید و خودتان حمد و سوره را قرائت کنید، بنابراین اقتداء حضرت به آنان اصل ندارد.

ص: 142





## پیام حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی)

### به مناسبت عید غدیر (عید الله الاکبر)

به مناسبت عید غدیر (عید الله الاکبر) (1)

بسم الله الرحمن الرحيم

بار خدایا! به دلیل نعمت هدایت ما به راه دوستی و پیروی از اولی الامر خود و اوصیای پس از پیامبر، شایسته ستایش هستی. هدایت به راه همان پیشوایان هدایتگری که آنان را پایه های توحید، اکمال دین و اتمام نعمت خود قرار داده و به واسطه دوستی و پیروی آنان، اسلام را به عنوان آیین ما برگزیدی، پروردگارا از این رو تنها تو شایسته ستایشی، به تو ایمان آوردیم و فرستاده و رسول مُنذر تو را تصدیق کردیم و از اوصیای بعد از او پیروی کردیم. دوستشان را دوست و دشمنشان را دشمن دانستیم و تا قیامت از انکار کنندگان، پیمان شکنان و تکذیب کنندگان برائت می جوئیم.

برادران و خواهران مؤمن:

عید سعید غدیر، بزرگترین عید اسلام را به یکایک شما تبریک گفته و از خداوند بزرگ می خواهیم در حالی این روز را درک کنید که از نعمت درک خاتم ولایت کبری حضرت مهدی علیه السلام و شادی دیدار طلعت فروزان او بهره مند باشید.

برادران و خواهران: در روایات فراوان امامان معصوم علیهم السلام برای روز عید غدیر اعمال بسیاری بیان شده که شایسته است در این روز انجام شوند؛ از جمله پیراستن خود، روزه گرفتن، اطعام مومنان و رفتن به دیدار

ص: 144

---

1- (1) این بیانیه به زبان عربی منتشر شده که در این جا ترجمه فارسی آن آورده شده است..

آنان و... و همه این آموزه های دینی برای بیان اهمیت اهتمام ورزیدن به این عید مبارک است. عیدی که نزد خداوند، شریف ترین و بزرگترین اعیاد است؛ زیرا غدیر، روزی است که خداوند بلند مرتبه با اعلام عمومی امامت امیر المومنین علیهم السلام به همه مسلمانان، دین خود را در آن روز کامل و نعمت خود را تمام نموده است.

شایان ذکر است که این اعلام امامت الهی، با بسیاری از برنامه ها و طرح های دشمنان برای انجام اقداماتی بر ضد جان پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بود.

این آیه از قرآن کریم که «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مَنَ النَّاسِ» به همین سوء قصدها اشاره دارد. اما پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بدون توجه به حوادث و توطئه هایی که وجود شریفشان را تهدید می کرد، نسبت به ابلاغ ولایت امیرالمومنین علیه السلام به همه جهانیان اقدام فرمودند و این بدان معناست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جان پاک خود را فدای امامت الهی نمودند و همچنین نشان دهنده اهمیت فراوان مسأله امامت است.

درس مهمی که از این رفتار می آموزیم، لزوم محوریت داشتن مسأله امامت و ولایت در تمامی شئون زندگی ما می باشد. چرا که می دانیم جان پاک رسول الله صلی الله علیه و آله شریف ترین جانهاست، با این وجود ایشان در راه تأکید بر مسأله امامت از جان خود گذشتند. پس برای ما آشکار می شود که جان همه ما - که در برابر جان رسول الله صلی الله علیه و آله بی ارزش است - در صورت لزوم باید در راه دفاع از حریم ولایت فدا شود. همچنانکه در شرایط کنونی نیز ضرورت این جانفشانی، به دلیل وجود دیدگاه های نادرست، انبوه گمراهی ها و شبهات، به خوبی احساس می شود.

آنچه تاکنون گفتیم به این معناست که اصل امامت - مانند اصول

توحید، نبوت و معاد - ، اصلی سازش ناپذیر است و ما حاضر نیستیم حتی ذره ای از آن کوتاه بیاییم و در این راه هر هزینه ای را به جان می خریم.

کسی که نفس اماره اش او را به سازش - خواه اندک و خواه فراوان - بر سر این اصل تشویق می کند، باید به دنبال مذهبی دیگر برای گرویدن به آن باشد؛ چرا که مذهب شیعه - در طول تاریخ - هرگز سازش پذیر نبوده و نخواهد بود. امید است که خواهران و برادران ما همچون سپری نفوذ ناپذیر، در برابر منحرفان، با جان و مال خود، از حریم ولایت صیانت کنند.

در پایان دست تضرع به آستان خداوند تعالی، بلند می کنیم و عرضه می داریم: پروردگارا ما به تو ایمان آورده و به پیمانمان عمل نموده و فرستادگانت را تصدیق کردیم و از اوصیای بعد از ایشان پیروی نمودیم و آنها را به عنوان پیشوا و رهبر و مولا پذیرفتیم. کسی را جز آنها شایسته این منصب ندانسته و جز آنان تکیه گاهی انتخاب نکردیم. پروردگارا! ما را با دوستی و تسلیم در برابر آنها و برائت از دشمنانشان زنده بدار! و چون زمان مرگ ما فرا رسید با وفاداری به تو و عهد و پیمانمان بمیران! و در آن زمان ما را از منکران و پیمان شکنان و تکذیب کنندگان آنها قرار مده! پروردگارا! از تو می خواهیم به گوهر حقیقتی که در وجود آنها نهادی، یاری دین خود را در رکاب ولی امر هدایتگر از اهل بیت پیامبرت، - آن قائم رشید و هدایتگر و هدایت شده - روزی ما گردان! و ما را تحت فرمان او و در زمره یاران او قرار بده به گونه ای که در راه تو و یاری دین تو کشته شویم.

والحمد لله رب العالمین.

محمد صادق حسینی روحانی

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

